

XVI
78

16-78





XU1-78

Рукопись.

Рукопись написана на тюркском языке в 1289/1872-1879 г. Отсутствует начало. Сохранность плохая, во многих местах заглавия почти стерты и не поддаются чтению. Она полностью посвящена объяснению различных вопросов религии (история пророков, хадисы, правила омовения, мусульманского поста, закята - религиозного налога и т.д.)



سورة البقرة مدنية وهي مائة وثمانون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي هدانا لهذا

الذي كنا في ضلال مبين

هدى للمتقين الذين اتوا

بالغيب ويقيمون الصلاة وما

آتاهم ينفقون والذين

يؤءون منون بما أنزل اليك وما أنزل

من قبلك وبما الآخرة هم يرغبون

اولئك على هدى من ربهم

واولئك هم المفلحون

81-177-78
Ms. No. XXV-78
MUSEUM OF THE
UNIVERSITY OF CHICAGO

ابن الدّين كفر واسوأ عليهم ^{قصة} الله
أم لم نمنهم لا يؤمنون ^{خبر}
على قلوبهم وعلى سمعهم وعلى
أبصارهم غشاوة ولهم عذاب
عظيم ومن الناس من يقول آمنا
بالله وباليوم الآخر وما هم بمؤمنين
يخادعون الله والدين أسوأ وما
يخدعون إلا أنفسهم وما يشعرون
في قلوبهم مرض فزادهم الله مرضا
ولهم عذاب مما كانوا يكذبون
وإذا قيل لهم لا تفسدوا في الأرض
قالوا

قَالُوا إِنَّمَا خُنُّوا مُضِلُّونَ أَكْثَرُ هُمْ
الْمُضِلُّونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ
وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ امْكُتُوا مَعَ السَّامِعِينَ
قَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا
كُنَّا مِنَ الْمُخْلَصِينَ وَلَا يَشْعُرُونَ
وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ امْكُتُوا مَعَ السَّامِعِينَ
قَالُوا إِنَّمَا خُنُّوا إِنَّمَا خُنُّوا
مُضِلُّونَ اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ
وَيَمُنُّ هُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ
أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهَدْيِ
فَمَا رَجِعَتِ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ

٤٥

مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِينَ اسْتَوْفَدُوا نَارًا فَلَمَّا
 أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ
 وَتَرَكَهُمْ فِي ظِلْمٍ لَا يَبْصُرُونَ
 صَامِعِينَ بِأَعْيُنِهِمْ فَهُمْ لَا يَتَذَكَّرُونَ أَوَلَمْ يَكُنْ
 مِنَ السَّمَاءِ نِيرٌ ظَلَمْتَ وَعْدٌ وَبُرْقٌ
 يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ
 الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ
 بِالْكَافِرِينَ هَكَذَا الْبُرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ
 كَمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشْرَافِيَةٌ وَإِذَا
 أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُورٌ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ
 لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ

الْبَصِيرُ

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين

الذين هم خير البرية

والصلاة والسلام على خير المرسلين

والصلاة والسلام على خير الأنبياء

والصلاة والسلام على خير الأئمة

والصلاة والسلام على خير العباد

والصلاة والسلام على خير المخلوقين

والصلاة والسلام على خير البشر

والصلاة والسلام على خير الخلق

والصلاة والسلام على خير المصطفىين

فلیق التعلیمی تعالیٰ تکریم حیدرین اوسید و اسیران فلیق
تبی از اختیار بر له ایمان کینند مقلیق البریون
ایمانیک و فیتی نیی شرب ترور حیرا آئینیل بییتی شرب نور اول
فعلی تغای ایمان کینند مقلیق ایچی فرشی لا
کینند مقلیق سپوم کتا بلارغه ایمان کینند مقلیق نور اول
بیز لارغه ایمان کینند مقلیق بیس قیامت کون ایمان
کینند مقلیق ششم بخشه لبق و بیان لبق فی فاری
وین بلیق لبق بیتم اول کار دینا بیدنگ تری لبق لبق
تعالی دین بلیق یعنی مذکور لاری تحقیق بلیق
یعنی شرط ایمان و اسلام دیر لاری یعنی فعلی تعالی

یوسف در این بنیادین عالی و پاک هر سال یک بنده اول میسر

محتاج در جانش یک یک و نولما گدیر و نولما نایق

و در این بنیادین خدا تعالی پاک و شتره هر روز میسر

در این بنیادین نولما نایق اول ظهور نیم یک یک که نولما

خدا تعالی یک بنده پیدا و یکی نولما خدا تعالی یک بنده

مشغول در اول این بنیادین صفت ابر کار و صفت ابر با یک

کار در نولما و هر ایو قنور اولان عبادت ذکر و نولما

اول وقتیکه بعضی زمان ماضی وین که میرا تب و در بعضی لایق

ده و بعضی لایق روید و بعضی لایق روید و بعضی لایق

تقریب و نولما فرشته مقرب هر روز حضرت پیرا نولما

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل في كل شيء دليلا على قدرته

وهدانا لهذا الدين العظيم الذي هو خير ما هدانا الله

عليه السلام في كل شأن من شانه

وهدانا لهذا الدين العظيم الذي هو خير ما هدانا الله

عليه السلام في كل شأن من شانه

وهدانا لهذا الدين العظيم الذي هو خير ما هدانا الله

عليه السلام في كل شأن من شانه

وهدانا لهذا الدين العظيم الذي هو خير ما هدانا الله

عليه السلام في كل شأن من شانه

وهدانا لهذا الدين العظيم الذي هو خير ما هدانا الله

عليه السلام في كل شأن من شانه

وهدانا لهذا الدين العظيم الذي هو خير ما هدانا الله

عليه السلام في كل شأن من شانه

آنکه از این همه درین مرتبه مندی درین دنیا و آخرت حاصل

نور و کمال کمال است و مانند نور خورشید است که در هر جا که تابانند

نور تابانند و در هر جا که تابانند نور تابانند و در هر جا که تابانند

قیامت لیق که راه لیق در این دنیا هر یک که گناه قیامت را نماند که اول

گناه بی قیامت است و در آخرت را هر دو خدای تعالی نیکو نظر است و هر دو

دری و در هر دو از هر دو خطا را در موندن و موندن این دو بی اول است

که هم در هر دو خطا را در هر دو خطا در هر دو خطا در هر دو خطا

بند و در هر دو خطا در هر دو خطا در هر دو خطا در هر دو خطا

و خطا در هر دو خطا در هر دو خطا در هر دو خطا در هر دو خطا

کمال است که در هر دو خطا در هر دو خطا در هر دو خطا در هر دو خطا

و در هر دو خطا در هر دو خطا در هر دو خطا در هر دو خطا

بدان که در هر دو خطا در هر دو خطا در هر دو خطا در هر دو خطا

و در هر دو خطا در هر دو خطا در هر دو خطا در هر دو خطا

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعلنا من خلقه

مختلفين في الدين والخلق

وخلقنا من نوره وخلقنا من

نوره وخلقنا من نوره وخلقنا

من نوره وخلقنا من نوره وخلقنا

من نوره وخلقنا من نوره وخلقنا

من نوره وخلقنا من نوره وخلقنا

من نوره وخلقنا من نوره وخلقنا

من نوره وخلقنا من نوره وخلقنا

من نوره وخلقنا من نوره وخلقنا

من نوره وخلقنا من نوره وخلقنا

بسم الله الرحمن الرحيم

اوله تا هفت باور اول تا هفتم

بوعالی انکیزی معنیست اوله پست و اوله پست و اوله پست

بولغا که سوره بلغم کتب معنی آفرینان در تبت و اوله پست

انکیزی معنیست اوله پست و اوله پست و اوله پست

تعلق اوله عزیز و مکره به اوله پست و اوله پست و اوله پست

اوله پست و اوله پست و اوله پست و اوله پست و اوله پست

اوله پست و اوله پست و اوله پست و اوله پست و اوله پست

بوعالی انکیزی معنیست اوله پست و اوله پست و اوله پست

بولغا که سوره بلغم کتب معنی آفرینان در تبت و اوله پست

انکیزی معنیست اوله پست و اوله پست و اوله پست

در حقیقت کلام در صورتی که در این کتاب است

بسیار از این قبیل است و نیز قولی که در این کتاب است

بسیار از این قبیل است و نیز قولی که در این کتاب است

و آیا نمی خندد که این قولی که در این کتاب است

که طهر است در این کتاب است و نیز قولی که در این کتاب است

و این کلام که در این کتاب است و نیز قولی که در این کتاب است

بسیار از این قبیل است و نیز قولی که در این کتاب است

و این کلام که در این کتاب است و نیز قولی که در این کتاب است

بسیار از این قبیل است و نیز قولی که در این کتاب است

و این کلام که در این کتاب است و نیز قولی که در این کتاب است

و این کلام که در این کتاب است و نیز قولی که در این کتاب است

کتاب التیغی فی الطب
کتاب التیغی فی الطب

کتاب التیغی فی الطب
کتاب التیغی فی الطب

کتاب التیغی فی الطب
کتاب التیغی فی الطب

کتاب التیغی فی الطب
کتاب التیغی فی الطب

کتاب التیغی فی الطب
کتاب التیغی فی الطب

کتاب التیغی فی الطب
کتاب التیغی فی الطب

کتاب التیغی فی الطب
کتاب التیغی فی الطب

کتاب التیغی فی الطب
کتاب التیغی فی الطب

کتاب التیغی فی الطب
کتاب التیغی فی الطب

کتاب التیغی فی الطب
کتاب التیغی فی الطب

کتاب التیغی فی الطب
کتاب التیغی فی الطب

کتاب التیغی فی الطب
کتاب التیغی فی الطب

لیکن در بیان این امر که چنانچه در
عاقبتش که در کتب قدسیه نیز به چشم برسد و در
کتاب فیض الیقین نیز به درج اول بدین اسم مذکور و در
حقیقتش همان حیفا و در کتب دیگر در وقت نیکی
بنا بر یکدیگر است و در کتب قدسیه نیز به درج
اصلاً در کتب دیگر است و در کتب دیگر نیز به درج
بند و در کتب دیگر نیز به درج اول اصلاً صحیح و
در کتب دیگر نیز به درج اول اصلاً صحیح و
آنها خوانده او و خلاصه هر دو را به معنی خوب طهر است
نماینده هر دو را به معنی خوب طهر است
در کتب دیگر نیز به درج اول اصلاً صحیح و
در کتب دیگر نیز به درج اول اصلاً صحیح و

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل في كل شيء حكمة

وقد جعل في كل شيء حكمة

وقد جعل في كل شيء حكمة

وقد جعل في كل شيء حكمة

وقد جعل في كل شيء حكمة

وقد جعل في كل شيء حكمة

وقد جعل في كل شيء حكمة

وقد جعل في كل شيء حكمة

وقد جعل في كل شيء حكمة

وقد جعل في كل شيء حكمة

وقد جعل في كل شيء حكمة

بسم الله الرحمن الرحيم

السنی قبیلہ اور قبیلہ قبیلہ اور قبیلہ اور قبیلہ اور
قبیلہ اور قبیلہ اور قبیلہ اور قبیلہ اور قبیلہ اور
قبیلہ اور قبیلہ اور قبیلہ اور قبیلہ اور قبیلہ اور
قبیلہ اور قبیلہ اور قبیلہ اور قبیلہ اور قبیلہ اور
قبیلہ اور قبیلہ اور قبیلہ اور قبیلہ اور قبیلہ اور
قبیلہ اور قبیلہ اور قبیلہ اور قبیلہ اور قبیلہ اور
قبیلہ اور قبیلہ اور قبیلہ اور قبیلہ اور قبیلہ اور
قبیلہ اور قبیلہ اور قبیلہ اور قبیلہ اور قبیلہ اور
قبیلہ اور قبیلہ اور قبیلہ اور قبیلہ اور قبیلہ اور
قبیلہ اور قبیلہ اور قبیلہ اور قبیلہ اور قبیلہ اور

اول باب

اول از نور حسن چو در بهر چو در اول به باجا بست بطور

و باق بال دور و نور لا در بهر چو در بهر چو در نور

البر چو در نور است بخا قبل و ده است چو در بهر چو در

بر و در بهر چو در نور و نور است چو در بهر چو در

رو با نور اول تفرق است چو در بهر چو در نور

است چو در بهر چو در نور است چو در بهر چو در

البر چو در نور است چو در بهر چو در نور

است چو در بهر چو در نور است چو در بهر چو در

کاغذ بر لایحه سیفال او چو در بهر چو در نور

نیمه بر لایحه نور است چو در بهر چو در نور

نیمه بر لایحه نور است چو در بهر چو در نور

پس از آنکه این...

بگذرد...

اصلی...

الله علیه...

توسعه...

این...

لا...

شور...

فلا...

ل...

نمی...

بسم الله الرحمن الرحيم
اول من نور و اول نور و اول نور و اول نور
فراشته و اول نور و اول نور و اول نور
نور اول نور و اول نور و اول نور و اول نور
عین من آریب از نور و اول نور و اول نور
ایرتیا النبی خوانند که در کتب کبری است
هم آنگاه واجب غیب ایکی نذر اول طاعتی است
پس از یوب ایکی غیب مرده آنگاه پس غیب نور
اول غیب روز عید ایکی غیب و جمع او چون حاجی
مهرام با غبار ده نور تو نبی کوه عفات ده نقل مرده
هر سه آدینه نبی - نما قبل بر فطرت و دست نهاد

خداوند

در اول جمعه و نیز تا روز نهمی جمعه در ایام وفات و نماز اولاد

و هر یک از اینها بایندهم از خدای تعالی بر سزایند تا این روزهای

و اگر در روز اول شنبه و اگر در روز دوشنبه و اگر در روز

قبله خدا تعالی از حفظ هر ما بنده به قدری امامان

نیز در اول و چهارم از میان آن روزها

نیز در اول شب قدر چه چه ایلی به است

ای نیکو کسی است از برون چه صرف آنچه چه

کسی چه چه و بیاید بیاید با با غت کایت نشانه

نور و نور و نور و نور و نور و نور و نور و نور

قبله از آن روز و از آن روز و از آن روز و از آن روز

نیم ...

غیر ...

کوتاه ...

که ...

فصل ...

تدریس ...

یقین ...

ص ...

یوان ...

ای ...

ما ...

...

علیه السلام
ان بالین
فولان
نیم
اول
بیش
ای
و
م
کونند
قال

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه
خاتون قلیخان

بدره بیگم جماع قلیخان نور توشی طویان خان

فانی شریف قران قولیفه المفا التبحر بی بی محمد کرم کاتب

دین بر آیت سما او فومغا اما بی بی محمد احمد

دخلا در او قوی بر و ابولور ثقیل هر که بی بی در

نماز وقت بولغانده نازه طهارت قلب جانماز اوزر قیله

کافر اولتور و همیشه بی بی محمد احمد

غیبتی او خاتون بی بی اندامیه انشور از حدیث ادا اولتور

انداز بولور که همیشه بی بی محمد احمد بولغانده

لاؤ بوغور و اندیز پیدا بولور که خدای تعالی غمده فرمائیلد

قلم

فکا

بسم الله الرحمن الرحيم
اول نیت در براه کفر قمار بولد یابین بریم خدا
قمار کفر کمالیق قبل اول هم براه کفر قمار بولد
نقد براه کفر کمالیق نقد بالله مالید
فصل سفا پس دین اول فانی امور لاریه حان
بچه نوزاد دین نیکر فان بیک اول دین مال بولد کفر آتی
نقا بر دیر لاریه نیکر بره ایبر حان قبل کمالیق
سوا چونکه نیکر کمالیق حان حقیق دین زیاده شور اول کمالیق
اکثر فرق کمالیق کونوز نوزاد کمالیق کمالیق
کمالیق کمالیق کمالیق کمالیق کمالیق کمالیق
کونوز کمالیق کمالیق کمالیق کمالیق کمالیق کمالیق

پس باید که در روز چهارم از این روز
یکشنبه بلاغ خوب قرف کندیت از در پانی بولد اول خانواد
شمار او ناپس در روز و توید قرف بولفوی قرف بولفوی
بسیار از این روز کندیت آرد با آن بولد از شمار
او ناپس از روز و توید قرف بولفوی قرف بولفوی
لیق بولد از این روز بولفوی قرف بولفوی
بعضی اعضا هیچ جور کوش بولد قفس حکیده دور و اگر
حکیده نور از این روز
اینی که است شمار ده بنی نمبره فرض دور جود آفتاب
اول نور نمبره فرض دور بنی چه شمار بنی تا شیده
و بنی چه شمار بنی حکیده نور اول بنی که شمار تا شیده

در هر چه از این وقت در هر چه از این وقت
در وقت نماز و شب که فطیره تور تو چنان پاک بودن بکار
بسیار یعنی نسبت قبل از آنکه نیت نماز قبل از نماز وقت
نیت یعنی قصد قبل از نماز شب بین بول و تکبیر
نماز شب بین نیت قبل از نماز شب قبل از نماز
بسیار دور اگر تکبیر نماز شب بین اول نماز شب
نماز دیگر ابدی علی بن ابی طالب است که خطابی است
بسیار است او چون که کونکامل معتبر دور است و وقت نماز
بلند است و وقت صبح صادق و نیز ما کونکامل معتبر دور
صاحب اول بلوک مشرق طرفیدین است و اینها
نی آثار و نماز شب بین نماز و وقت نیت قبل از نماز

۲ قبلت

پس یکی دو لاک نماز دیگر وقتی نماز پیشین او تکمیل
سوند نماز با تقوی چون تقویین کبیر نماز شام
وقتی بر آن شفق غایب بود تقوی شفق دیگر امام اعظم
بنگ قول لاریده مغرب طرافیدین اقلیق نور نماز
سند قول لاریده قریل اقلیق دور پس شفق که غایب
بولد نماز خفتن ننگ وقتی بولد تا صبح صادق
بالتقوی سنج قبله نور اول بنیسه نماز اینچند
لدو اول نیکه نیکه بر سر لاریده او چونکه بر سر سبزه
ابر دکنه در ایلیک صابنجه سید ایچک نیکه اول
عبرام قبله ایلیقی قیام ایض قایم نور با اقلیق اول

اول وقتی که میاید به هر چه که در اول وقت است
او فوراً در آن وقت

فروع و فروع اول مقدار یک بر آیت افزون

باید آیت قیسه اما هر چه که در اول وقت است

بر آیت قیسه دو رکعت است و بنا بر این که

در هر دو رکعت است و بنا بر این که در هر دو رکعت است

در هر دو رکعت است و بنا بر این که در هر دو رکعت است

در هر دو رکعت است و بنا بر این که در هر دو رکعت است

در هر دو رکعت است و بنا بر این که در هر دو رکعت است

در هر دو رکعت است و بنا بر این که در هر دو رکعت است

در هر دو رکعت است و بنا بر این که در هر دو رکعت است

لا ابلغ قبيل يا محمد يا حسين يا علي بن ابي طالب
پس می بود لغای بعین با شکر و در نهی چه بر سر او لغای نه
رسول صلی الله علیه و سلم شریف رتوح قبل از آن
بسیار بود و بکار با شکر نه و هر روز بر او
قولی ای که در این معنی است هر روز بر او
قبلی که این با شکر تو را رسد او را تو را بدین چه قبلی
آنرا با شکر تو را رسد قولی بر ما تو را رسد چه قبلی
به کار با و بول نماز و در است ای بر سر
در که هر که با شکر او را رسد و در است تو را رسد چه قبلی
آنرا با شکر بر کار و در اول پیرو آنرا و آنرا و آنرا
اول تقدیر بول نماز و در است ای بر سر چه قبلی

از هر چه در این کتاب است
از کتاب هر چه در بقیه برقیام نیز بیرون یکدیگر
بسیار نوشته اند از کافران بولد که
بسیار از او بی خبرند و تمام نوشته به قلمی از
مرد و عابدی است بی حده قلمی از او است و
کافران بسیارند که از او بی خبرند
از او خوشتر است بولد اینست بر این که او
در این کتاب او چه از اینست و فرقی بولد از کافران
اولی است که از کتاب است و در که خلاصه است از تفراق
و با اینست که او چه از اینست و تفراقه قوی است از این
بسیار از کتاب است و در که تفراقه با او است

ما قبل بقصدار فخر سرد اما التي في او قوما قليس و
التي في يحيى اول بقصدار اول نور بهر التي في او قوما قليس
بولنا اما التي في او قوما قليس و نماز در سبب سرر اما
بقصدا در سبب اول نور واحد دور في سبب اول نور
نماز و نيز خارج بولنا في البر سبب اول نور بقصدار في بقصدار
اول نور و في التي في او قوما قليس ان في سبب اول نور
ببر الشق بقصدار و ليكن سبب اول نور سبب اول نور
لنظير سبب اول نور في بقصدار واحد دور البر سبب اول نور
و في سبب اول نور واحد دور بقصدار ان في سبب اول نور
دور اول نماز في او قوما قليس ان في سبب اول نور

بجز در این کار او هر نور پوچی را جملی لیلی

بدل یکسختی در میان در وقتل پیچیدگی (تعلیمی)

مادد اولی رکعتده بر پی و قبله را بیستی نکت اولی

بیلد قبله نماز در وقت نوزد اما تر و واجب بقای

نور اولی رکعتده بر پی و قبله را بیستی نکت اولی

رکعتده قبله نماز نقصان بیلد اولی رکعتده

رکعتده اولی رکعتده بر پی و قبله را بیستی نکت اولی

نصیب قمره فرض در نماز بقا اولی رکعتده بر پی

بیلد اولی رکعتده اوچ سچه قبله نماز در پیسترو

نماز تر و واجب قبل نماز بولور لوفوتوا اولی رکعتده

نماز بولور سچه سچه قبله نماز بولور لوفوتوا

و در مورد و در جمله در ایام شایع شد که مندرج در این کتاب
از یک نفر منور و نورانی و شریف و آقا و ارباب
از شیخ ابوالاسلام سمرقانی در این حق و اولی مرتبه
در تکرار این حق اولی یعنی بلند قراءت قبل از دروغ
در بلند قراءت قبل از اولی و در این است قراءت قبل از
یعنی هر دو از این قراءت قبل از اولی و نورانی سوره
به یقین و اولی سوره سجد و قبل از اولی
نمونه که واجب است در هر یک از این قراءت قبل از
نورانی و اولی اما نقصان به تمام آن است و نورانی
قبل از سوره سجد و اولی از سوره اولی که در شماره

بسم الله الرحمن الرحيم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
نَفْسِ ذُو الْقَوْلِ السَّمِيعِ الَّذِي يَرَى غَيْبَاتِ الْبَشَرِ مِنْ خَلْفِ الْإِثْنَيْنِ وَيَكْتُبُ الْوَعْدَ وَالْحَقِيقَةَ وَحَسْبِيَ الَّذِي

لَا يُغْنِي عَنْكَ كَثْرَتُ دِينِكَ وَلَا نَفْسُكَ

أَوْ جَدُّكَ أَوْ قَبِيلُكَ أَوْ نَسَبُكَ أَوْ مَالُكَ أَوْ عَمَلُكَ

أَوْ قُوَّةُكَ أَوْ قُوَّةُ عِيَالِكَ أَوْ قُوَّةُ قَوْمِكَ

صَفْحَةَ تَابِعَاتِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا

تُورَاتُ قَلْبِكَ يَا قَلْبُكَ يَا قَلْبُكَ يَا قَلْبُكَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم

اول نماز است که در روز پنجشنبه خوانده میشود

نماز دوم است که در روز پنجشنبه خوانده میشود

نماز سوم است که در روز پنجشنبه خوانده میشود

نماز چهارم است که در روز پنجشنبه خوانده میشود

نماز پنجم است که در روز پنجشنبه خوانده میشود

نماز ششم است که در روز پنجشنبه خوانده میشود

نماز هفتم است که در روز پنجشنبه خوانده میشود

نماز هشتم است که در روز پنجشنبه خوانده میشود

نماز نهم است که در روز پنجشنبه خوانده میشود

نماز دهم است که در روز پنجشنبه خوانده میشود

نماز یازدهم است که در روز پنجشنبه خوانده میشود

از میان اینها بسیار است پس هر چه بدیدید بیچون
و در میان اینها بسیار است پس هر چه بدیدید بیچون
بسیار است پس هر چه بدیدید بیچون

بسیار است پس هر چه بدیدید بیچون
بسیار است پس هر چه بدیدید بیچون
بسیار است پس هر چه بدیدید بیچون

بسیار است پس هر چه بدیدید بیچون
بسیار است پس هر چه بدیدید بیچون
بسیار است پس هر چه بدیدید بیچون

بسیار است پس هر چه بدیدید بیچون
بسیار است پس هر چه بدیدید بیچون
بسیار است پس هر چه بدیدید بیچون

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
عند غروب خورشید نماز او نماز کعبه
در نماز او نماز کعبه
اول حج یا عمره یا ایضا
او در حج یا عمره یا ایضا
مالی خانه را در حاجت خانه
او در حج یا عمره یا ایضا
نقدی بود یا ایضا
ابا صدقه فرض او تا بدین
و بعضی همیشه لا که نماز یا
او تا بدین خانه یا ایضا

اجیر صبیح بار چهل اسم پیر علی
لاکه نو و پیر پنج او بیابان اندرغ یولور کتولونونو
مانیفه ویایدور زانده ^{او اوقوی} اول اول اول اول
پنج اول اول پنه پنه با قیلا و زکایا اول پنه پنه اول اول
اول پنه اول اول کشیک دوم و کتریدین اقیب اول اول
از طرف اقدینز کدودانه دیکار قوت توشده رباب
سجده سهونک با نیده هر سجده سهونقوت و قیده
لازم اول اول اول ترک واجب اول اول پنه پنه واجب
اول اول اول اول اول اول اول اول اول اول اول اول اول
سجده سهونی امام اول اول طرفیک اول اول اول اول اول اول
مزار اول اول اول طرفیک اول اول اول اول اول اول اول اول

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

فویں پر ایسی روئی ہے جسے لایعلاہ سب سے پہلے
آپسوں کے لئے ہے اور اظہارِ شکر اور شکر و الثناء
شکر طے نماز و معتبر اور معتبر ہم معتبر
نماز میں آیتوں کے لئے ہے ہم ابراہیم پروفیسر اور
پہلے فرمایا ہے کہ اوج کو نلوں کے ہونے اور اس میں فرموا
اور نماز میں ایک رکعت اور اس رکعت ایک نماز
اور نیت میں یہ لکھا گیا ہے کہ ابراہیم نے سوز و پشیمانی سے
پہلے دو آیتیں اور کلام مجید کے بعد پشیمانی سے فرما
تھا اور ان سے مواخیر ہے یعنی پشیمانی سے رکعت
روزہ تو تم کو آنا نماز رکعت ایک عامی ہو لو
تا اور شہر لکھا ہے کہ پشیمانی سے پہلے رکعت اور پشیمانی سے

اور سید ...

در سید غمگیر کاندہ ایک رکعت شریعتی ہے چنانچہ ان سید کے لئے

شکر و صلوات دین پر بندگی نہوار جعفر غم شروع قید

سفر خط خط بقول از سید کبیر ایک رکعت نماز

بخط و سید و قوماق کہ ان اندیز کبیر نور وقت بندگی

شکر و صلوات سید و قوماق کہ ان اندیز کبیر نور رکعت

پسین فقرت اجتبات و سید و قوماق کہ ان اندیز کبیر

در سید و نامک کہ ان سید و قوماق کہ ان اندیز کبیر

و کا فیدہ سید قلیب مور علمالار و سید و قوماق کہ ان اندیز کبیر

کایم بو نور کہ سید قلیب سید مونداع او نامک کہ ان فرض ادان

عبد مضافہ وہی غیر سید کبیر

سید

مکتوبہ ایضاً لایم یہ ہے کہ پندرہ روز اول عبدالرحمن پیر پیر
کا ایک ہی ایجنٹ چلایا اور اس کے قتل کے لئے
رجسٹرڈ اور قبلاً پیشینہ اور یگانہ شہری شہرہ لایا
ایجنٹ کے ہنگامہ کی پیشینہ کے بارے میں
ایجنٹ کے مکتوبہ عبدالرحمن کے مکتوبہ

اوتار کے ایک رکعت عبد الرحمن کے مکتوبہ لایا
اوشہ وقت دو روزم قبل غم قبلہ جہت کے مکتوبہ
حاضر امام خیر اللہ دعا اللہ البر دین کے مکتوبہ
اوجہ نہ تہ پیر پیر پیر امام برہمندی ایچا کے مکتوبہ
اوقول کے مکتوبہ لایا امام
پیر پیر پیر پیر پیر پیر پیر پیر

در این روز چو در روز دیگر در این روز که در این روز
در اوقاف این روز که در این روز که در این روز
ایشان که در این روز که در این روز که در این روز
چون که در این روز که در این روز که در این روز
ایضا که در این روز که در این روز که در این روز
که در این روز که در این روز که در این روز
اولی که در این روز که در این روز که در این روز
روایه که در این روز که در این روز که در این روز
بلا که در این روز که در این روز که در این روز
که در این روز که در این روز که در این روز
نماز که در این روز که در این روز که در این روز

کتاب اول در بیان احوال و عیال و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد

و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد

و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد

و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد

و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد

و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد

و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد

و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد

و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد

و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد

و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد

بولار بوز او تور سه په بولغا امان بولور و سوزيم

واو حيا و صدق فطرته ياد ييز او ندي يه موز و سوزيم

مگه تاشنده هر يه باشن بهر بولور خه ايز تاشنده ارضه

د به خه و د به مگه تاشنده توش باشن بهر گاي موز فطرت

اوزي او چو زونار ايسه فوز ندلار او چو زوننده بهر چو

هر گاي آمانا سینه او چو و بلاغت گاي تکا يلا به او چو

ايکايه بيلگي او چو و قاچکايه قلي او چو بهر مگه لازم

اير مايس افسانه فطرته ياد ييز ايلگار يرا

دور بهر ارمونده اختلافي دور بعضو لار ايتور لار

رضانينگار او شده بهر بهر بعضو لار ايتور لار بگره سینه

بهره او بعضو ايتور لار آخري و دهه بهر بهر اعلیٰ القیاس

کوش

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
الذي بعث في طيبتين ليلة القدر
في شهر رمضان المبارك
في يوم الاثنين الثاني عشر
من شهر رمضان المبارك
سنة الف ومائة وستين
هـ الموافق لـ ١٢٠٠
م
والله اعلم بالصواب

اول قول بر لب بولنا ابر بولنا
حضرت رسول صلا الله عليه وسلم
بالا قوتان ليقذفه اوج نمبر به رواترود اول قوی ایست
و او جو نیغیرتیه قوی آلتی آیدق کامل بول به بر لاج
بول به یاشد بول به پیرا کا و بول به ایچی باشه بول به نوره
باشد بول به رومونین کینی بول به ایس ولیمیز مذکور
لافتش هم بول به پیرا یعنی طیور و ششی لار دین بول به
هم اگر کوز کور بول به یا قول اغی تو بیدین کبیر بول به وقور
غی کبیر ک ولاغ و قری و تیش پیرا بولاق که اولتولام رفقا
پیرا کایتالی بول به بولاق برنا لیعقوبه براس اکر بولیم
پینوق بول به و یا قراغور بول به و یا قول اغی آنک جوق

بدره و درین روز بولچه پدید آمدن و درین روز
بدره و درین روز بولچه پدید آمدن

بدره و درین روز بولچه پدید آمدن
بدره و درین روز بولچه پدید آمدن

بدره و درین روز بولچه پدید آمدن
بدره و درین روز بولچه پدید آمدن

بدره و درین روز بولچه پدید آمدن
بدره و درین روز بولچه پدید آمدن

بدره و درین روز بولچه پدید آمدن
بدره و درین روز بولچه پدید آمدن

بدره و درین روز بولچه پدید آمدن
بدره و درین روز بولچه پدید آمدن

بدره و درین روز بولچه پدید آمدن
بدره و درین روز بولچه پدید آمدن

فما شئك بيانته كيف وبيها سببها
لا يكره ان تترك خلقه من غير ان
خايل ان يظن انك تتركها او ياب
ويستدعيها لولا انك تتركها
انما تتركها من غير ان تتركها

تروى بنحوه
بند و اول او توفيق
منه و كما في
موقوتها الدوق التي هي
فيها من غير ان تتركها
بغيره و يتركها

کبریا اول که بر هر سوالی بر او نورانی است
بجای آنکه از او نورانی است بر هر سوالی
تا آنکه بر او نورانی است بر هر سوالی
من بپندارم که ما بپنداریم خداوند تعالی
آیتور لاری پل علیه السلام که هر چه از روی شهوات
بر او پنداریم خداوند تعالی آنکه بپنداریم
یا الله من و الله
پس اگر چه روزه قصد قیام بجا بود یا قصد بر اجتناب
قیام بجا بود یا قصد روزه او چنانچه بر او نورانی است
اول بنده آزاد قیلو
هر گاه او چون آنکه همیشه کوزه در پی روزه نه تعالی

الکرمین و آرزو فی الجمله خوار اول شنبه و در روز پنجشنبه

بالع خوار شود که خوار ابرو کار و بوی که خوار مغز

انما بعد و بیلاست بوی که از نور بوی هم

درست بوی که آنکه با نیک نگار بقدر بریده او را قیل

و اما التبت که با دین روز و نوبه ظاهر است که

پس اول بوی که خوانند بر اعضا این است این اعضا

بسیار است از قطره بار و بر لار اگر هر که التبت

لا روز و نوبه بر کف نوبه سینه فتنه باشد در روز و نوبه

از کت و نوبه بقدر لبق قبله خوار که کت کفاری

روز و نوبه بوی التبت که نوبه چند و نوبه نوبه

توقف
لا

هم باشد میان نوبه

روزه نهاری و شبی هر دو روز را روزی حساب کنند

روزه نهاری و شبی هر دو روز را روزی حساب کنند

تغذیه ندرت و طعام برکای اندام که خدایتفاطرا بسند

روزه نهاری و شبی هر دو روز را روزی حساب کنند

روزه نهاری و شبی هر دو روز را روزی حساب کنند

روزه نهاری و شبی هر دو روز را روزی حساب کنند

فازت روز و نیت کماله از دیگر ضرور

روزه نهاری و شبی هر دو روز را روزی حساب کنند

روزه نهاری و شبی هر دو روز را روزی حساب کنند

روزه نهاری و شبی هر دو روز را روزی حساب کنند

روزه نهاری و شبی هر دو روز را روزی حساب کنند

روزه نهاری و شبی هر دو روز را روزی حساب کنند

تغیبات تواریخ
روز یکم در پرتو تابان آفتاب که پیش روز و در اول
روزه کفایت طهارت را اینچنین است روزی که او چه در قفسه
بند روزی که نور تو نبی قتل کفایت پیشی رسیده از آن
قبله غیب آن صاحب را بر سر هر که در آنجا

قبله ماسک بر یکا تولا راق اور کانمق زوفی بوچه
بدیه شرح و فایده باق آنار و سه ماه رسکونی قضا
پنجه در پرتو توفیق الازیم و بهراق دور آمانه مطلق

تو تکلیده بیای تو نای و بیب قیلق کر ار

گیمبر اعینکافی نیت قبله روزه

تو بهر اندامی که سجد او نوسخای که جمعبیت نمازی او قوی

فصل پنجم در بیان سبب و اثر این بیماری
در آنکه چون جمیع قبایل مسیحی و غیر مسیحی
که در این شهر و بلاد مجاوره با هم میآمیزند
بسیار از سبب آماغ غریب و نادر که او چنانچه
اینکه اگر اعتکافانی مسیحی در آنجا افتاد

اول نورسین هر اقدور که
بولار میسر بود مسیحی جامع ده اول نورسین
اول نورسین و انور و اناسیغ و شراهم و انور و بیس
شمن حاضر بود

فرض دور همه پیمان لاریه خابره و خاتون ارا
پستاعت لاری بود که انطاعت اول بولور

در این شهر
و بلاد مجاوره
بسیار از سبب
آماغ غریب و نادر
که او چنانچه
اینکه اگر اعتکافانی
مسیحی در آنجا
افتاد

و لا عدله چه بول اول شد به سرچ باره به سوره
اولی عیالده نغمه طراش کاتبه ببول هم آما بول به و خوف
نظمی بول به سرچ باره به سوره و سرچ باره به سوره
آینکه او خورق نم بر شرط نور اولی عیالده نغمه طراش
او چه چی عقل نور تو چی بلاغت پیشی ایلام التی صحت
لیک بینی بول بند آما به کز چی وقت نغمه زنجی او اولی
او تو چی خاوند محرم بول به جانشی او خول انا عیالده
هر چه کما به فرض بول به آرا قبل تا فرضیله خدا تعالی
عاصی بول به سرچ باره به سوره
آینکه سر او چی سر فرض دور اولی عیالده نغمه طراش
بهر او چه چی طواف زیارت

با خلاصی آنگاه بیست و هفت روز
روز اول شوال از قدره در آنجا بیست و هفت روز
روز آنگاه هم قیامت بیست و هفت روز بود
بولد آنگاه موقت چه شش ماه بود که با آنجا
بیست و هفت روز اول از الطیبه اول مدینه آنجا بیست و هفت
اول شوال بیست و هفت روز است خلقیم نور
بیست و هفت روز اول خلقیم بیست و هفت روز اول
هم بیست و هفت روز آنجا بیست و هفت روز اول
فاز بیست و هفت روز اول آنجا بیست و هفت روز
به آنجا بیست و هفت روز آنجا بیست و هفت روز
قیامت بیست و هفت روز آنجا بیست و هفت روز

درین فایده است که هر کس در این راه
تور را در هر یک از این نامها خواند
یا در هر یک از این کلمات

بسیار نیکی می کند و در هر روز
الله علیه و آله را بخواند و در هر روز
بگوید نور را بخواند و در هر روز
ای که بخواند در هر روز ای که
بگوید نور را بخواند و در هر روز
نور را بخواند و در هر روز
نور را بخواند و در هر روز
نور را بخواند و در هر روز

جلالی علیہ السلام لیر کبیر مالمون ایچی کمانده
فان بولور او چونی خدای تعالیٰ بیکر چه بیکر ما او بیکر
لیق نور تونچ خدای تعالیٰ کما خد بیدیز آمانده بولور
اول بیکر کما نیدیز پیدا بولور اول جعفر ایچک ایچی
کما نالغ بیکر او چونی بلیغ بولور کما اول کما بیا
بیز دور اول کما اول قدم قوی بوی ایچی او خدای
کما کما بیز بیکر کما بیکر کما بیکر کما بیکر
کما اول بیکر کما اول کما اول کما اول کما اول
کما اول بیکر کما اول کما اول کما اول کما اول
کما اول بیکر کما اول کما اول کما اول کما اول
کما اول بیکر کما اول کما اول کما اول کما اول
کما اول بیکر کما اول کما اول کما اول کما اول

خداوند تعالیٰ را در این دنیا و آخرت
تسبیح و تحمید و تهنیت و تمجید
مستطوع است و الله اعلم
ایمان به اولاد نبی و کبری و صغیره کمالاً
میرنی فی طایفه جمادین و بادین و طافونین و اسیرین و
غایت و بلاد و قضا پس بدین اوز حفظ حیاتیه توفیق

مبحث در باب العالمین

ایمان حضرت صدیق را فی الله عنده انوار خلاق و خداوند تعالیٰ
کلام مجید در خبر هر یک بود که قول تعالیٰ ان الکریم محمد
السدق ان الله علیهم خیر یخیرهم و علیهم راقی
تعالیٰ ابتدا کدیده شرفی از نور و رستقی اول بود که توفیق
خلق درین اوز به اول استوار بود که کفر و ایمان تمام تبار

حضرت جلیل القدر امام اعظم اعلیٰ حضرت مولانا شیخ ابوالفتح محمد بن عبدالحق دہلوی

کتاب و منهاج فی بیان احادیث اربعہ صحیحہ صوریہ و تالیف

لاکھنؤ بہ کلیمہ تفسیر اربعہ صحیحہ مولانا شیخ ابوالفتح محمد بن عبدالحق دہلوی

و کتاب قبایل بولور و قبول بولور ایسا قبیلہ کسا

پندرہ روز ہیں جد جہد قبلی ان کے ہیں کلیمہ و تفسیر او

ماقراک و تفسیر اول بولور کہ خلاف شرک کیلئے ہے

یا قرآن اس میں تفسیر بولور یا حدیث پندرہ صحیحہ بولور و تفسیر

بعد حکیم بولور و یا قرآن تفسیر بولور کافیر بولور

اگر کفر بولور شیخ ابوالفتح محمد بن عبدالحق دہلوی

ابن تیمیہ اول خلافت او نو نماز لکھنؤ میں ہے حال کافیر بولور

ابن تیمیہ پہلی کتاب میں کافیر بولور میں

ابن تیمیہ پہلی کتاب میں کافیر بولور میں

مسلماً درین کتاب بیست و یک بار ذکر شده است

دین کتیب سیزدهمین و بیست و یکم کافر برادر نفع و الهامین

کافر کبره آتیه که هر نه نعمت یول چه نیکو یول چه

اول کلام دین کتیب نهم یول چه یول چه یول چه کافر یول

کاشحی زنا بطوطه جلال زلفا کافر

کافر یول کبر آتیه که نماز او سید و پین اول آتیه

او سید و رسن و بیست و یک کافر یول قوی

علم آتیه کلام اولی و بیست و یک اول آتیه

ما یمن و بیست و یک علم بر نه نیکو بیست و یک کافر یول

خیر صدق قیل و ثواب طالع

کافر یول
القیمة کلیم

کند درم آیتهم ای مالک خورشیدها سید بر آید خ قضا و حاکم

مالک خورشید آید تو بار میر تو بندگی اقلیغ بشن پوزیل جلیق

بول نورور بول تو بیدینینه هر تدیخیم هم پیش بوز جلیق بولنور

بودور خده هر یله نازمه اوتور منیک نالته بار هر باشیده اوتور منیک

اغیر بار هر اغیریده اوتور منیک تیشته بار هر نیشیده اوتور منیک

چا بار اسیغلیق و هر شک بید اوج هر فرشته نیکر قلید و تولا

سن آیتهم ای مالک دوراف نچه زساندین هر هر خورشید ناقیر

ترسین مالک آیتهم یا محمد منیک من قریتیم قر اولدرینه بندیل

قریتیم قریل بولدوش اول نفی قرانور ور که قرینا دور من

ماقبات غیچه قریتیم هم اف بولور هر حال قریل سرور یا محمد

دور خده بنی اشیک بولور لغی جهنم نظمی او چورنی حوطه نور

خدای صدقه دین زنا و عورتان شراب
 به زنی صرف قید خدایند غصه یه یولو قور
 آتلیغ دوزخیه پیرزوار و عذاب قطع
 گرفتار یولو روح علم باطله پیکله بر کیم قرآن
 قیلور یوا قیلورین کسیرین ویتوه دین ویا اچکو
 دین قوی اچکو کیش کابولور دین کسیر ویتوه
 نه بر کیم قیلور یولو آن مقدار ویتوه کسیر
 کیش قیلورینک بول کیم زیاده قیلور قریب
 رداد ورنه قریب لیک کوشتن تراوزنی تاربه
 الماق رداد ورتوده توده اولاسین بونلا فکر
 اولاش بولور هر توده غلاما پسرین ویتوه

خدای
 لکن دین

یولو
 اولاش

قوسوب اولاش قیلار صحیح دور الکر الکر کینج قریبا
نیق غم هر سو کوز پانتباله ادر دیزبان کجه
نه اتا پنه یالسه باه اوله ادر دیزبان بالارک حالین
قریانلیق قیلر ادر بعضی ایچینسار ادر ایلوقور
دیز قریانلیق قیلور فالنج پانتباله ایچینسار
رهن شریک بولور ایچینسار دیز دیز اتا اتا کی اول
چین قریانلیق کوشینسار سولور اول کینج
بسم بولور الکر قریانلیقین قارانه ایچینسار
نفع الاتورغان نخر لبر الیشک بولور
چیان دیتور دیک عین دوام یورسار ادر
تققر قریبان اول بولور عیدین نمازین اوقو

غانسین

فغانندین پینک لپی پینلار اکر هرده بولونسه
اوز سیکه الار قزاق قزاق لفاق و پیرلار که نماز
لزم بولمیس اذکار شول حالده پویس پلار تانکما
اول تو فغانندین پینک ره ادد و قربانلیق و قی اول
ادویونچی کونر نماز دیگر کی قربانلیق و قی دور
اغتیبارد قوغان و در اخر وقت فقر بولم قزاق
نلیق واجب بولمیس و نیزه و اخر وقت بای بولم
عفی بیکه و اخر وقت یارلس پیل قربانلیق واجب
بولمیس و نیزه و اخر وقت ده بار بولم قربانلیق واجب
بولور اخر وقت مثلاً کیش اولدوسی قربان لبق
ادل کیندین پینک بولور فکر دور قربانلیق

کجی دره یو بجان لیدو کوشته حلال دور صفی مکرده
 مثلاً نای کشته قریان فیلیان دقتین اولکار
 اول کشته قضا قیدان الکران مقن بوالپرتول
 قورنن قریانلیق قیدورین دپ ایجیدی اول
 اول قوشی تریک صدق قیدان دیند فقر کشته
 قریانلیق غرقونین پیتب ال اول قونین
 فقر تریک صدق قیدان ال اول قونین قیدان
 پولین صدق قیدان اول کیشیک قریانلیق و
 جب بولور کشته بول اول قونین پولین صدق
 قیدان خواه قریانلیق قیدور قونین پیتب
 انقن بولور خواه الحظ بولسون ویزالغی
 املیق فی

ایلیق قوزی اولکان بول و سیم زور بول قریان
لیق غم برار اولان شیکه کوزیکه برش ر قوبدیک
کورون سیم بولور بول ایلمی باشین اولدو
با اولکا قدم قریان بول قریانیه برار بوه
بول پیش شرتوه قریانیه برار نیه دیوانه مال
قریانلیق غم برار قریانیه بو غوز لار و ادو
دینیش خیر مال قریانیه برار و قریانلیق
بر ایس مالیکه آریغی بولوب املیکنده مال بول
اق قریان بولین طرفه قریان قریان غم برار
سی بولور بول بر ایس اولمهم قریانلیق کور ایس
دین قوسی یا اوز کمال بول قولا شیکه اولدو

برسی بوق بود قرآن بر این با کوز بدین او چوین
برسی کتیکان بود قرآن بر این علمالار بخش
لا الکرهاتان بود خواله ایغی یا کوز بولایه مقرب
بول قرآن لید غم بر این لبه پ غم جلا مت یغی
صحن بول اولی ناکلا قیامت کوزیل صراطین اول
قرآن لید غم متب اول کای الکرهاتان سوز
الکرهاتان قرآن او چون برسی او اوله شمار
قرآن قلیب طرفین و هم اوزوم طرفین
قرآن لید غم در بول لایم برسی کجکند
قول در دین قرآن قلیب غم برسی کای
قرآن لید غم در دست ابریس دین قرآن
لیق کوز بدین

لیق کوشیدین اوزی سب بولوروز که حی ع
ع بر بولور سچ دور قرانلیق کوشیدین اوچین
برنی کنیکا برکایه عیال بنده بولور سچ دور
قرانلیق قیلورالنی اوزی قول بر بولغوزلا
پسواد اولورالکر خدیگه سو یا الیم قول بر
پسوانینا اوچین سچ خد اولور قولاری بر سو یان
ایکینلار اولی قرانلیق قیلور ایوی بری اولار
اوچون دیری امت لاری اوچون دینه قران
لیق کوشی بولغوزلا زنی سب دیره که بولور بولغوز
لا تبه ردا دور دینه قرانلیق قیلورالکن کتار
بولغوزلا تبه هم دیرن لیکن مکرده دور جهود
اوزون لار

بوغور لانه دینه قرابلیق تر لیسین صدق قلمی
اولی دورا برالت غریب و قوفه یازغاند بولوب
ایله الپنده رودا دریا اول تر نیجه برنمک بر ایش
قیلور ای ایلدین نفعی الور بولوب ای ایل ارا
باتی نرسه و طلاق تنگ کلمات ایم رودا در بر کتخ قو
لین ناریب الیب قرابلیق قیله غصه ایم بولوب
قرابلیق رودا در کت قرابان قیلور کتخ بر دنگ امانت
قوسین قرابلیق قیلور قرابان لیک رودا لوقا
قیلور کتخ ضمیم بولور قیلمیا ای ایل ای ایل بولوب
زور لیک قیلور قوسنی ایم بولوب بر بولوب
لیکین قرابان رودا در امانت قوسنی قرابلیق

قیلماق

فیلماق رواجوق و خیشی قونبی قرمانلیق قیل
ماقاردا یوق عرسه اولی ماده دیر لار اینکله اولوق
اول قونبی اوشتنی بنیما سب ایش دیر دور بیل
ایتمش لار دیر یوزنیده کی و خشی لازمه دیکله و قوران
دپاسر لار هم بول اظ بولونله قرمانلیق قیلن بولون
پورغی بالینغ لازمه هم قرمانلیق قیلن بولون
اولار عرسه لازمه ای تور حلاله درتسه اولان
ال اول حلال عرسه لار مثل تازی اصل ایست یا پر
یا قاصیقا بولار بول اصل اولوق قوش تازی
صاحب چنگال اول تازی قوش لار تعلیم بول
اولاب ال فیلماق عرسه اولار اول قوش جرت

خیلو پاپا پندیکه اویتون بر یه بولور بشرطیلا اولوق
 جی بیلمان بوردیته اول او قوش برت زینده بیم
 هر یه اوغراق در سبب بولور کولت حلال دور
 الکریم حذیه قهذ اترک قیلر جلد دور بر تقدیر
 یک کوشش پیدورغان جانر و زارغی دور
 بشرطیلا ایت معلوم بولور شول صورته حلال دور
 یوق ایسه بولور قوشولوب اول صیدالایه حرام
 دورونیه بشرطیکه اول قوشنیج با ایتن پانقین
 بیوک کولور بولور باریب اولونیم قوب ایریشین
 معلوم لیک اولن ایتن ایت و زارادجی اویتنی اولایه
 اوزی بیاسی اول کولور بولور الفغان اوسی حلال

هم صلوات در پیه بولور دینه نماز اوقوتها بر پیه
اول وقت تا پیه هم صلوات دور پیه بولور بعضی نماز
فرضی اوقوتها بر پیه صلوات دور دیش لاریکله بقدر
ایدی بولور غصه شده بر کچی کونند ز دین بری اولو
کتاب صلوات دور بونی ز لایه زیاده و لیکن کتابه
ایتیه در دینه بر کچی کونند ز دور اوقوتها بر پیه نماز تا پیه
حاضر دور اوقوتها بر کچی کونند ز دین بری تا پیه صلوات دور
اوقوتها بر کچی کونند ز دین صلوات دور اوقوتها بر پیه
یلسان نیکه دالگاه بولور نیکه دوه پیه غنوه و بقوه
کینک دناشقان و قوف لاریکله دور اوقوتها بر کچی
پالسی اول خلایق کینک کینک الیصلوات دور

دین تازی بکنج بوجوب جرات پیر اولدوب
حرام دور کتاب زیاتره حلال دور دین فتوی مو
نکاد در قول محمد ابورعنا عبد العظیم ده ایتد دور
پیغمبر ایدیلار مسیله صدق کزده در ماه رمضان
صدق قیلر دزه اینده بر سبکین یا فقره از روی
شباب انداخ یولور اول کتخ صدق قیلدی اقباب
حقیق کون تو شنتی بر نحر پ کال ایندی بی صدق
قیلن ندیک شواب تا بشا دیند هر کیم دزه اینده ایله
رکعت نماز او قوبه از روی شواب انداخ بوشا
اوز کال یازده یوز نما رکعت نماز او قوغان دیک
شواب یور هر کیم دزه اینده تبه ایتد تا کمالدیا
وردوانیپ

و در این روزی ثواب انداخته بوشه که از آنجا آمده
بوی که اینها نیک ثواب باشد و نیز هر یک روز که
بازگشتن صفتون بر سر کار از روی ثواب انداخته بود
نفا که از آنجا آمده تمام خلافت که با پس بر کانی
بوشه و بخت نیک و نیکو کارین که پیش ده بر کار
و نیز هر یک روزه اینده بر کشتن تو بود به اغیزین
اجور که با خوشوقت قیام کنی که این از روی ثواب
انداخته بوشه که از آنجا آمده بر یوزن طرافت و در کار
نیک ثواب است و با خشت که این کتابه میان قلبی
بیشتر علی ایلام است و با کار که کند از روز تو است
که جز او که از تو است انداخته بوشه که از آنجا آمده

سیرا

میں تمام قبلیت اختیار کرتے ہیں اور خواہ ایک ایک
 خواہ خاتون خدیجہ اور عذرا قبلیت روزہ دار اور
 اور ام ایما فارین منیب بودیوم الحز او اور ام روزہ
 دار لاری کو بخر بردار از حدین قرآن اور زمین
 بولا کہ مخلوق تیار سلجاس لاری حد القلوب
 قیدی دینہ ہر کم روزہ اتنی اولی ادن کنوے
 صفیہ در ہریم اول او نین تمام قبلیہ روزہ نوبہ خدای
 تبارک الکی جہانہ علی کجور کاسی دینہ یونکی اول
 نین روزہ نوبہ تمام قبلیہ خدیجہ خدیجہ خدیجہ اول
 بندہ نے کناری تندرہ قلم خاص نین اول بندہ نے
 جو بھی او نین روزہ نوبہ تمام قبلیہ خدای
 اول بندہ نے

اول بندہ نے دوزخ اور قیدیں ادا کی ہیں اور تین
کو کھائی راجت انقلوبہ بیان قیدیں و غیر سول
خدا میں برجامی ہو کہینت ال سول دیار
بندہ فی ایسز بندہ انکار نکیز روزہ ایسی تو تین قید
ثواب الودعی رسوں فریادید پار کسم روزہ
آیہ کون تو تینے جی بقا قانو اول جی
جتنے اول کینتے تیندین و ام کتر حق تعالیٰ
رحمتہ قریب ہو سونیز بری فراتھ اعلا
قیلے ختے اعمی الارزہ ثوابین بنا وین
اول بندہ عذاب قبر کو کھائی ویند بری اول
بندہ اول اعانہ ہو کھائی پو پیز سیدین و

شکسته و درین برسی خداستعالی یوز نور برکامی اول
بنده که در یوم الحز اول نور نیک برکتیدین اول
بنده امان اولکای بی صراط کفر و کیدین و بنده اول
بنده که خداستعالی عطا قیامت همت ده نور لور
بعین لار سلینک بر اونیک بوخ شتاب آخرتی کوب
ثواب تابنده خفرت الای فو ندرغ پوز لار نه
ایست ایردی فی الحالی مسلمان بولدیار سیک در بیان
فضیلت تراویح و نیت نماز نه شوابی بود و پرچم
ایدیار سیکم روزه آمین لغتوب نماز تراویح
نیکویشته جمعی بولوب نماز اوقوه اوزده
ما شواب انداغ بولور کلا قیامت کونیده میزان

تراویحین

ترازو پس قورغایار بر پاییه اسپان و زین
دماغلار و کور و کور و کور و کور و کور و کور
تغی و پینه و جرنده لایه و عرش کورینه کور
قلم نه و پشت دوزخ نه و اسما اولیا بیفر جمع
فرشت لایه مخلوق تا کلامه تراز و نیک بر پاییه
پنج اول تراز و کور و کور و کور و کور و کور
ایر و یار الیه اول غیر صفا ییب اول و کور و کور
خطر دزه بر کیم دزه ایس لوتوب غطر دزه بر
نماز دزه پس مطلق دور اسپان و کور کور الیه
صدق فطر نه ادا قیلی غوی صدق فطر نه اوزی
اد چون بر کور و کور و کور و کور و کور و کور

غدا ای بر ابرید بر سون تا نیک خدای بونجا اول
بنده دوزخ او تیرین آمان بونجا کین در میان
فضیلت قربان قول رسیده حضرت رسول علیه
السلام دین نقد قبلیت بر آرمیکه اویدین ضعیف
نیت قبلیت دور قربانلیق پ نیت الوهتیب بر وقت
از روی ثواب باز نما اول حصه کنایین عفو قی
لوا و چه در چه بلند بر گای پس در وقتا کتیب
بول مالکته پ نور موسین قربانلیق او چون در
بر سوزی گیار استغفار ایغاندیک بولور کتیب
که اول پاسبان قربانلیق او چو لای نیک قولیغ
تنگه بر از روی ثواب بولور کتیب هر تنگه پسته بوز

منکته نده

نیک تنگدانه اور نام نہون تقاب ہر وقت کہ اول وقت
نیکو دیر کسے نیکو از روی پویا تو او جو از روی
نواب اندام پویا کسے خدا تعالیٰ بار خدای
اون بندہ ریشک او ستونہ سے قبات ایردی
قبابہ ہر حال قیاد فیما بین خلق خدای
کسے تیار و ہر وقت اول کسے قربا لیتنہ ہر
قبلہ از فی خانی کسے تاپ ہر بر قیاد کسے دین خدای
تعالیٰ اون فرشتہ ہر اول فرشتہ نار اول کسے
نہ تیار کسے قیادت قائم ہونہ جو ہر تقاب
تیار کسے ہر وقت اول قیادت کسے تیار
قرانقریب ہر اول ہر اول قیادت ہر اول

روسی ثواب فتوح قل اذاد قیاض نزدیک بولنجا دیند پنجم
خدا ایدیلار بر کیم قرآن نلیق قیاضیتوه دین و صلیب
دین دیا قو ک دین اول قرآن نلیق دین خان اول
قطره پیدین کنایلیق یا لقا اول کتیا اول قرآن
لیقانه بونکی دره چه بولور صفت ده اول درجه
بولور غنی فرجه ب کتیا ده کی قرآن غنی دیر لولوا
در جان دین قرآن بولور کجی کوا اول ایدی بولور
اول ایدیلار کتیا قرآن لار سما اول نور و خدا
نصیب اول قرآن نلیق قیاض کتیا اول حور
قوجا لار دینه صراط کفر و کیدین قرآن نلیق
اوتار نیک اچون پنجم خدا ایتد در بر کیم قرآن

نصف قبله اوزی اولوغ کچو زمانه قبله اول مال
نه نفر کفین نینب اوله کاسی خدیث بودو قال

السلام

بنی علی (علیه السلام) عظمی و ارضی ایتم فامها علی

مطایا ایتم و بیب ذر و بیب لارنه کینه کورد و نین اول

قرمانیق قیلغان کتسه ایکی کتسه نماز اوله

نماز نور معفرت و نین اول نماز و اصل اسمان دور اول

نماز اعمال لارین قبول قیلنوجی دور مان

کیت بیب زرقان کوب قیلنوجی و نین اول راحه کین

دور کین بو کین و نین نماز اول نماز دو کون لار غایب

حد و نین اول نماز شیطانی قیلار و نین نماز

شفاعت قیلور و حضرت عیسی ایلی عیسی و نین

ابن آل دیب و ابی یولور و بنی اول نماز کشتی
پرده یولور پاره کرده تو شک یولور و بنی اول نماز
منکر کبر که خوب برور و بنی اول آورده بولور و همراه
بولور و بنی اول نماز آورده از دق بولور و تقیامت
قائم بولور و بنی اول بر وقتار قیامت قائم بولور
نماز با شریف حاج یولور و بنی اول نماز با شریف
پس یولور و بنی اول نماز کشتی خلق را سینه نورانی
قلوب انبیا بر صراط کفر و گمراهی اول کاسی و بنی اول
پرده یولور و بنی اول در آن کار ضلالت و بنی اول
کشتی صحت یعنی کوه بولور و قدرت بیرون دیکار
دنیاد اول انحراف یولور و بنی اول تراز و غوغای شیطان

اعمال دنیوی

اعمال نیک اولی کا نذر و نیز اول نماز کتب صراط
 کفر و کیدین یا شین دیک بفتانے جنب بولنا
 یعنی بہشت الیہ کا کیدس بولنا سی انشکاد چون
 کیم نماز تیسے دور و سنجی و تقدیریں و تقظیم و قورات
 دو عبادت تمام عمل لارین اچندہ نماز دین بختہ
 عمل بولما پس وقتہ او قوبہ الی موچی خاصین لار
 کو کاسی و نیز نماز دین بفرضا ایو لار کیم نماز لار
 نیکی عبت او قوبہ اول کشتہ رنہ بولو و کاس
 بولو ارییش اول کادون الیک خلاف رنہ بولو
 جی او شہود نیارہ بولو اول کشتہ کعبای کسیدین
 عمری کو تہ بولو کیم آبدغت بولو اکوس اجل

بسیار چه جان پرورده اول تشنه بولوب جان پرکاشی
بم قیقه دشت اریقی بره جان پرکاشی بیوم جان پرورده
جان پرورده بولوب امانه جو کورده بولوب اول
تنگ و انکف بولوب امانه عذاب قیغه بولوب بیوم
پیل طراطین تاسیب بقید غم ز شمار بی جماعت اد قو
مانگ لاری عذرو بی نسیز بولوب غافیل بولوب
قون رسول خدا ایست دوله از ظلم قیلوب بر شکر
ظالم برده که ظلم قیلوب بر شکر حسین الازدی شواب
اندر غم بولوب قیغم کورده چه فکرتنگ و دوشدار
بر کاندیک شواب تا بنفای مان ایگایه ابوالحکام
ده بیان قیلوب قیلوب در وفات انجمن است ای بیگمار

شکیل لار

چونکہ لارہ کا کہ بولو نکلا رہی پھر علیہ السلام التمش
ادجے باشلاریہ وفات تابت لار قرق باشلاریہ
رہی تہا ایتب یورسی لار اندین پونک سوش وقت
نماز فرض اچو دیار کیزی روزہ تو دیار سوش
کیر کوندوز روزہ تو دیار سوش و کتابہ مؤالیب
دور پھر علیہ السلام باشلاریہ بیان قید
پھر علیہ السلام باشلاریہ التمش ادجے سردار
ادجے پیل پھر قید یار ادن بری نماز اوقو دیار
کیزی روزہ تو دیار شہنہ ایلیک ادجے پیل
یار اندین پونک مدینہ شہر کی سحر ات قیلین
یلین پونک وفات آتیلار نماز فرض بوسدی

یحییٰ بن یسویں پورون پیرات اول نوردی محمد بن محمد بن یسویں
 مؤید کوی ببار غانگار نی پیرات دیر لار دوزه
 یحییٰ بن یسویں پورونک فرض بولدی دینه صحیح پیرات
 فرض بولدی بیستین کتونه خلاق قیلدیلار فرض بو
 لغاتین بقیلار یحییٰ بن یسویں پورونک فرض بولدی
 دیو یار و لقی لار پورون دیو یار سیکه در بیان ^{مفید}
 صدق بود در پیغمبر خدا ایدیلار من و بیستین ^{ششم}
 منینک ایتیم تنک صدق لاری نی تور لدر دیریم
 اول ایدی پیش صدر برکا اون برور بر دقتار
 صدق قیلدیلار اوم در پیرت غور برکا تمیز ثواب
 تابقا کور پور محبوب پور دینه برکا یوز ثواب
 برکاسی

برکای گشتی که او کفین زینت بر کعبه است بول برک
توقیر لیکو ز ثواب برکای او زسی و از یاد ابر بول
میخاج بول زین برکای توقیر بوزند ثواب برکای
او که گشت عالم بوزانکه صدق بره استند او چون
عالم ازین کیفیت زیاده در کتابها کتابیده بیان صد
سی مکتوب در بیان سحر ایشان در کفین قلیق کتوب
داد از رنگین در و زلف کفین ق بولور زخم
بولور بولال جلیک ایما و هر گشت امانا سبک نام توقیر
جبار لاسه و برسی یا تفه بریدین عیانفاجی توقیر
بارب طهارت او شایسته و نسیه برسی مان او شایسته
فار صلیه و نسیه برسی ایتر بر قصد هزار فصله برسی

باز اردین کتی قاتیپه برسی او یوننده اور مالک
اینکه بوز سه و برسی او چکان یکاندین قانقانی
یپه غوز سیک کلتور دریا کورسین نان صانوب
الیه جاده سون او سینه تیکوزیه دینه یانقانی
کوب اینت اکی دینه زینا غین تیش بر اوزیه
و طهارت سینه دریا اولتو رکان برده نوقلور
دینه قولین ایاق سینه قولیه یا اولتو ربه
باز نماز کلام سیک قیل دینه باشا سینه دینار
تور و جالبه قولیه یا اولتو ربه اوزیه یا اوزیه
نمیک تور و سیک یا اولتو ربه قیلور سیک طهارت
قیلیمه سینه ترکی تا شلاب دینه بر چوب بر تیش کولا

سہ صا رہی پاق و نایاق تھیں پوسٹیں و سپاڑے
تاشا پے از زرقی کم بولفای وینڈ کی ذہ اورینے
سینورہ ذرا ان طباق نے پوسٹا قویہ بالاسر
قولین پوسٹا تیکہ نور و بشت شہ قلیہ وینڈی و تاشا
بر پوزین آر تیب وینڈی انڈی الہیہ تورہ
بے اولیک قلیہ وینڈی کیشی عادیہ ذرا قلیہ قویہ
ر غریب پوسٹا وینڈی پے ایڈیشن انڈوسین ایف
تاشا پے وینڈی قولکرسن ذرا قلابہ وینڈی پوسٹا
ذرا قلیہ پے ہر پینڈا تورہ بعت قلیہ وینڈی
پونڈہ بول پے پے پے پے پے پے پے پے پے پے
ذرا قلیہ پے پے پے پے پے پے پے پے پے پے

از باق او سینه ایاق قوی در لقمه کمتر دینه او نیک قول

ایاق یوسف دینه میوه نیک در ختنه اسپینه بول

غایلا قلیت دینه نمنه پ کوب اورب اعتریبون

دینه سحر بره پیش کولار دینه صلا و ده پور

دینه قوی اسلیمین یا بیوه اسلیمین بی عذر او

یا طهارت او استونده کوب کوفلور تینه جراح

خوفیب او چور دینه اوی اسکیره اولندور

ایقان دالت بره او نیلچه دینه پور قول بر

طعام دینه چن بنده طعام دینه بر ایاق اسپیک

پالما غین پانویه پنی زده بی عذر میاندور و غلبه

او استونده اولتوب دینه طهارت او شتر اعدت

دینه غلبه خیر

بسم الله الرحمن الرحيم وبنه فیه و...

و غیر غلبه دیوان او سپند نزه طهارت بر می ماند و در...

کند که با این یک پر به عذر نیاید که کوه کاغذ و...

او چه درین همه با این اغریت است فارسی و...

نیز کوه کوه که درین عیاره لا بسور است...

حماوه و آن او درین کتی می آید و...

صیف ضعیف بر صحت قبل از میانی عیانت و...

ایستادن کشیک و از این باره کوه ایستادن

یورب اول کتی او خاتون کوه ایستادن

اصلیق بوری عقلی بولغا یکتا خاتون لارا

بیدین اوتی نامم که کوز پالتی بکر استوف کوز

یا چه استیکر استوف و یکم بی عهد پیمان صیب

بسم غیر بیک کیلور دریا غایت ایندی و طعم ایکانه
بسم حمد و لیکای لیس اول غیر بیک کیلور و زین
تازک انقا نودین برونک پاتما قورماندور ز سهارار
بک کر خیز قور و قور قور کفای و زین تلیس غایت یا
نقانه اور سون و کونکا طهارت اول شکی سوزین
کیلور و سون پوز لار سون سوزید و سون قور استمال
اول سون دینان سون سون کونک شکی اول سون دونه قور
اول لایک ایکن بلیفنی او سون دونه قور سون اول سون
سوزین لاسا سون سون سون لاسی اول سون سون
شکی کون سون اول سون کال ز کون سون سون اول
فرشته سون اول لایک ایکن سون سون سون سون سون
قور سون

به کوزه استیونزه به کوزه با لیس او استیونزه بلغی پونه
او استیونزه پوسرشم لیک تو فرافنی دو استیونزه اول
تو فرافنی دوزجی او استیونزه اول شمال اوز پونجه
ایچا پس دور یعنی دیناز اصل شمال دو دانیگا اوجو
ن دینا بر یاد است دیگان پوز اول موزی موزی
الکمانیوه بیان فیلد کس کس کس کس کس
کوتر پس دور بقاطا کونازوه پونجه پونجه
نورچه ال به حرام ایرسی دور تیکه او چون خدا
تیمال کلام شریفاده خبر پیدور که تو بر بقال
الا نذر داروزه افرای بوایغنی یعنی پونجه
کفای پس کپه کوتر پس الکمانه در پو اولار

مللا را سلجاسی میند ایند کتینه کنایه کوه
تار در لب ایچ دیندار یوزی قواد در سبیل
علی قیلما غار کمره دور تار خایند بیان قیلد
دیند بیله می مللا نه قیلد چه امانه قو
لین ایرما فلا بقه غمید ایند وانه یوز
یکای علی قیلد ایسه کمره دور خد و دوش
تیزاق اوتیله کومی ارشورده سردار بولور
موزی سردار قیلما ایند بولور واقفانده
قیلدی و نیزه پور قیلمه زار شکر ایاقی کردی
طورت قیلما قده ایچ کور دور و بویان
بنیوارده رواد و واقفانده دور صحراده

په پزیره خندان کت صفین و ابولک جمع بولک
بر شیکا بوسفو دیکه پوتایت لار شریفیت ده
غله قیلور صفین و ابولک نجیم قیلور اولک
خازان قو غایلا ریغنی لار ایست دور کیمینک
بوریه دیزیکه صرف قیامی بوندیب قنوس اول
که و قفانده دور کیمین قینر و طی قیلدی یبار
بتین الامادی و اینزل منجه هم بولک شریفیت
بر بولک پیکر غنی و لیب بویان ز نواریده بو
لیوق واقفانده بیار قیلدی دینر ایر و خانو
جماع قیلدی لار تقی غنی، قیلغاندین بونک
خانون زاندا بیدین لهن اینر لار اب منجه
تاشقار

تاشقار صفتی لارک ریت بر بو فاتونیه خید
داجن بولور یاندا اجا بنی وین اوزی اولکان
مالنی نیکریدین بر پارچه اشق توتیه یا
پونف تونیه سردار قیلور وینیه تونیکر نیکری
ایتمیکر تونیه یوکه اشق پوقوی
اول اشق سردار بولور یاندا اول اشق سردار
بولور وینیه یاندا کبوده اولور تا پیه اول کبوده
سردار قیلور یاندا کبوده سردار قیلور
بولور وینیه واقعاتده بیان قیلدی وینیه بر جا
نورنی پانغوره ایچی کوین خان تاملدی
پوین سردار قیلور یاندا لکر بر اضلی بولور

مردار قیوم بوقت مردار بولاسی واقعاً نزدیک دور
دیند کزیند بر طرف بخت بولدی بر طرف کما نماز او
قول بولدی اول طرفی که کار کانه بخیر طرف
بخیر خلیقا به شکر بر دور فتوحی مولا کادور شرح او
دو بیان قیومی مینا قرمانی قرارت که عزی
بولدی قرارت او قولیم در سینه بولدی بر او دیده بیان
قیومی اگر کنی کسب بولدی عا جز بولدی ای قلم
بولدی اگر ایما قیوم بولدی بوزی بولدی نماز با قلم بولدی
واقعاً سه بولدی خدا اید بولدی عا ایلم است لاریم
در اینکه بولدی بولدی لاریم عا ایلم است لاریم
از کما عی قیماق و اجزوری لاریم نقیوسیم غز

درستی خلق و غرض و اجتناب از آنکه خدایتان قیام و آداب
دور علمای اصحاب ضرورتی است ایما بدور خلق لازم بود
ضرورتی است که لازم است در پی بارگاه او در تفریح او چون
روا میسر میسر میسر است ایما بدور علمای لازم است که از اول
لوازم لازم است که در اول دور که علمای لازم است که بارگاه
لازم است که در پی بارگاه معلوم بودی او در پی
او چون بارگاه علمای لازم است اولت و سابق ده نور
حاصل بود و اقل و تنگ بریم بود بود بود بود بود بود
تکلیف بود بود بود بود بود بود بود بود بود بود بود بود
دوستان بود بود بود بود بود بود بود بود بود بود بود بود
ایما بدور علمای لازم است که عالمین عزت بود بود بود بود بود

و توفیقاً نزدیک ثواب تا بقایه پیغمبر علی السلام ایضا
علم استماع فرض و راکب دور بری فرض غرض در
و بری فرض کفایتی رفع فرض اول در که اول شرط
که ثابت بدین قطع بود بر کتبی انکا شهود بودی مثل
ایمان و نماز و روزه و زکوة و حج انکا شهود بر فرض
تا اوزی فیلمی خودی اول شده نه بودیدین استوار بود
پس فرض کفایت اول در که مثل جواب سلام و نماز خنده
و جواب عذر منکر بود کافر بودی پس بلیکن بولانی بی
عذر شرعی ترا قبل قایم بقی بولور یعنی کفر کار بولور فرض
عین غم منکر بولور عذر کافر بولور زنده تر کفر قبل
میکنی پس پیغمبر علی السلام ایضا بر سیم او غلیظ

قرآن اوقه مافیه تعلم به از روی ثواب به سجده نماز
یو قدر سوره علیها السلام ایستاید قرآن تعلم به مالکین
بسته جبرئیل بودیم جبرئیل ایستاید من به سجده نماز
دید ای اندین چونکه جبرئیل بنزد پروردگارش باز
بجواب وحی بر سر سجده علیها السلام غایتی وایدی
محرکتین قرآن اور کاتبه تعلم به به اذن ملک صحیح عمر
طرفی قیلا ندر ثواب تابنده و نیزه ننگ ایضا طعام بر
کاندک ثواب تابنده و هر حرفیکه طلام شریفه با در اذن
منک ثواب تنبلی کفایه این یوقه قیلا در چه سجده نماز
صبر سینه قیلا یلا را که حدیکه الفلام هم صبر و طلام
یو به سوره علیها السلام ایستاید زانکه است که گزیده هیا

بوفغانه کشیدند و صوفی لار و عالم لار قریب ا
فصل دین پیغمبر خطاب کیلکای یا پیغمبر
لار نیکنه آیت یارب صراط دین که داخل کشت
نک لار دیکای او شل وقت کشت که داخل بولور
ایضا لار نیز لار اول دینده تنگری رضایقن او چون
خزات قیلدوق مالس دین و جانس دین کتبی و ک
قیلچن چکنور کشید بولور و دید لار ان دین حاجی
لار ایضا بزر لار نیز کشت که بوردن کیر میزد لکان
او چون اول دینده قیش استغیده کویدور و قیش
دینده تو کتدور بادار ضویان بو عده کبر معظمن
طوائف قیلدور دیکای لار و ایضا لار نیز لار
دین کشت

عن پشت و کبر از نیکوکاران آمانا میزند قوی است
شهر که حاصل صلوات او چون باره در تنگه می افتد
به یوق لاری خلا یقار که ای بود و نیکوکار اول
یاده حق تعالی دین نیکوکاران از اول لاری حاج
و ای کشید لاری دیکر لاری چه لاری تر و غاد
لی سونار کمیند ثواب انکار اول سهند که کبر سون
و لاری اول وقت به لاری تر از و غاد نیکوکار
حاجی لاری تو این دست لاری ضامن و عالمی
لاری نه به دین عالمی در چه به نیکوکار
و به دین سهند که ای لاری لاری اول وقت
عالمی از نیکوکاران تو نیکوکار به نیکوکار

دینده سزلا ر آط و نون دانش برودر دیگایا اجدی
 سزلا دولت و پناه که بوقیب سزلا سزلا زنی
 عت قیللا دیگایا یوب زنی استب علی لاسی چه که
 باشاق قیللا سزلا سزلا اول دینده کمال علم
 ایرچه بولانی تربیتی دیگایا سزلا دین سزلا
 مغیر دینیا تنگه حال دین نواکی کالی ایطالیم لاسز
 نیکزنی سزلا دین کوناشنگ دیگایا یوب خلاق
 نسی زوقلارین بقتلادیم دیگایا دینده سزلا که بولار
 خسته لبقا او چون و تقی دینده هرکیم که بر اطر برمش
 بول بولون اولار غم براق برودرین هرکیم که نون بر
 کان بول بول نون برودرین هرکیم که خسته لبقا

بودینده

میں سے جو ابو زہرہ عرق و شراب خور تو بہ قیلو میں
اور انہی اسم عذاب قیلو میں جہاں زنا کاروں پر
تو بہ قیلو میں اور انہی اسم عذاب قیلو میں بیچم آمانا
یہ تیرے بڑا برے یعنی رخصتہ انہی اسم عذاب قیلو میں
سنتھ نماز اور قور انہی اسم عذاب قیلو میں ہتھم طلاق
یہ تیرے لیے انہی اسم عذاب قیلو میں رخم کس نے
حقے بریاں انہی اسم عذاب قیلو میں راض قیلو میں
خوالا کہ رحمت قیلو میں عذاب قیلو میں اگر کس نے ضعیف
نے مالین اور یہیں ہے رحمت غر جہ قیلو میں عاصی دور
انہی اسم عذاب قیلو میں حکیم کہہ رہا رحمت و انہی
شفا عتہ قیلو میں شوں سبب دین تو تو تو تو تو

آدمی شفاعت می نمود در فرشتگان خواه لا اله الا الله
قبول و عذاب آتایم کلیل او نوری بود آدم
صی بود اول عاصی جانی لا شفاعت قبول می
جاست لا اله الا الله بنی و کبریا شفاعت قبول
نیک دیکسی آینه قرآن شفاعت قبول سوم عمل
صالح بنده لا شفاعت قبول و بود بره رضی هر چند
رویت قبول لا رسول فی الدین اول وقت که بود
قرآن اذ قعوجی اولی فی قول لا قرآن و نماز
می و عمل یعنی خیر و ثواب باشد اما قبول قبول
نیک نکرند اولی را می بود در اول نوح و نوح
دین دهم نوری خاص قبول لا چهارم قیامت

تجربہ ہو تو سچے سچے عالم لا شفاعت قبلہ لا رضا
نہی ہے علیہ السلام ابو بلالہ السہا الجاہلون لفقار
ضون الصغ و ذہام لثجون کون عرضہ ایک
طوبی الخ لای یخ جاہل الاروز لاریکیزنی
عالم لاریکیزنی و یکا لاریکیزنی عالم لا شفاعت
عت قبلہ وقتہ دور لیکیزنی لاریکیزنی سبت
لریکیزنی و لاریکیزنی باز اخفرت ضارین قالہ
لاحد و یقالہ حد العابدیم قد فی الخیہ و یقالہ
شفیع لکی سبتہ ویر صوفی لاریکیزنی سبتہ لریکیزنی
نیک لاریکیزنی صوفی لاریکیزنی عت و عبادت
قبلیہ سبتہ از سراسی اوز کیزنی و عبادت

آدم لار بره کیر ایزد دیکار و امید قیلور ایزد دیکار
بیونک فدایقار دین ند اکیلاکای دایقای ایضا
صا بنام هر کتیه ند خواه دایک نیکر شفاعت قیل
نیکر لار و پخت که اوز نیکر بره الید کیر نیکر
یکای بیچم موامین لاریم شفاعت قیلور لار خالص
حد اجرا لکای جیشی بره پخت که کیر ایزد جیشی
اولدور که تمام بدنه قرا میج برینیا آلا یوقوز
ن بوور ششم فرزنده صالح لاریم جیشی ایزد
لاریم شفاعت قیلور جیشی ایزد ایتور کینت
که ایزد دیکر لار اول ایزد ایتور لار کینت که
کیر جاکین تا ایتا نام کینت که کیر ملکوی و دیکر لار

دین

دین منک آدم اخضر دین دوزخ بولیه
بر الیب کبرار من دیکای سقیم خان کعبه شفا
عت قیلور قیامت قاع بولنه نزه کعبه حائیه
ایفایار اول بنده لایه شفا عت قیلور من نکلار
یارت که بارخان بولار اندای بیکتور و دلال
اولکان زخانده عمر لیب ذلکان بر ازم دینا دین
پفر قیلدی سی بولخانیده اولوب دینا باقیه بار
بر عزیزان توشونده کورسی اسی عمر لیب خدا
تیجالی پیر که مقاله قیلدی اندین بولکجه
عمر لیب ایسی خدا سی معنی بی بدینار تندی شیخ
عمر لیب کتلیس خدایق افعنه دوزخ بولیه

ادب پادشاهت وین پونگوروم کور کور بزم کلمه کلمه
البتیه تور بکنه شفاعت قیلدی صفا تعالی دین
منه تیلادی خدایه اول کور بکنه شفاعت یکن
ل قیلدی منه بشلادی خدایه عفو قیلدی
مور من برودت آئین تو توب یور کان بول
سنت کور بکنه کوب بولدی حده بار دور
کنایه شوای برابری شوناغ برده در کار بول
شفاعت نیکه معنی که اول بولور ^{نادر} اول خدایه
ایل طاعت لاریغ بول دنیاده طاعت و عبادت
کوب قیغه ملاردوزج او سبتیس قرار لاریغه
برودوزج فریاد قیلدی استیزارای فلان

خدا دین

ایسی ہے جو غا اور باہ دور اول زنا دین حاصل ہو
ایر لیا پنیک فرزند دیکانار وینہ خاتونلار کے اشاری
تو نکوز باشی دیک و بیوزلاری کا پچھان بوزیدر دو
الار عی زلیقی قیلنا نلار دور وینہ اول خاتونلار
کو تینی اوزی سب دور لاری کے تینی زنا او چون سرا
شتور غمان لار دور وینہ سول خدا ایدیلار انہوں
بوملار کوردیم اوز و نیغے نیک قاری و کینک لیک بوز
قاری اول تابت اجزہ یلانلار کوردیم بونہ لاری
اور الیب اول خاتونلار نے عذاب قبول وینہ اول خ
تو نلار کے ہوا فعال برے یورے تیے کوک فرشتہ لار
اول خاتونہ لغت قیلنا و موندیہ فعل لیک خاتون

نو نوار احمد در پیفته لاریتورالار اکتیونلار احمد
یئنگه لاریسی بدیخت لسن چه نه زیدورین تا نکل احمد
غونه جو با برورین دیرلار دغیردر این قیلور احمد
الحکامی رحمت چه علیه رسول خدا دین پوردی لار
اندوغ ایشتم که امت لاریسم ضعیف لار مقار و لکان
بهشتت که بار در مقار و لکان دوزخ غبار در و نوزاد
خاله نوار که ایریکه کولوب با فیکر رحمت علی حیدر
نکار و هر خاله نیک ایرینی اولر صفا تعالی ای لیکلایش
یوز رحمت علی قیلور دینه هر خاله نیک ایرینی اولر
که میا قیل اول خاله نیکه انی رحمت یا قفای
و هر خاله نیک ایرینی اولر نی تا فیکر ایریکه اولر
عرض

عوض قبلہ ایک پے بجایے قبلہ صحتیٰ تعالیٰ اولاد غمید
جنت عطا قبلہ و نیا المبعی غیب قبلہ بربر کا سو
قور صحتیٰ تعالیٰ قلم ہے پانی ثواب برکات کنالار
عفو ایگامی وینہ خانہ نیکہ اوزار یریدین حامد لیا
او غمنا تو قونی کونہ بر بندہ اواد قبلہ ان بو
وینہ اول خانہ نیکہ حامد بو اوج ایر کا جنت قبلہ
صحتیٰ تعالیٰ روزہ دار لارنہ ثوابین برکات وینہ او
ن خانہ نیکہ ایر نیے کو نکلک یا قفودیک الشین قبلہ
صحتیٰ تعالیٰ الارغی عمر او نکو نی نادین نیکی تو غمینی
دیک بو لیا وینہ اول خانہ نیکہ ایر نیے بو لیا
لارنہ بو لیا کنالار نی اقد تعالیٰ یار تقارین

به نوح و نینو عورتیکه ایرنجی ایام عین اول به سجا
یو ال کتبه طواق قلمش دیکه ثواب برکای مسجید
خانم نیکه ایرسی او سینه نده اوان نورسوک حی حی
بار و در اول ایرخانم نیکه خسته لباس کید درکای دینه
میزید لباس کید درکای اول زنا غوغیاس دوزیم
ایر خانم نیکه بدو کانیس منت قلمش بیوم ایرخانم
نیکه حلال لغو بدو درکای تا کرملاک وین ایر
خانم غوغیاس عین تا شقار ایش لازمه بیور
ضالیق شرع دوز ایشک او جونک پیغمبر علیه السلام
ای پیلار یا علی هر ایشک تا شقاری بولنیم
قیلنک و ایچکارس بول خاطمه قلمش بود یا پیلار جهتم
خانم نیکه

خان تونک نماز و اسلام و حکام و صفی نقاس
در ارام و حال نیک نیک فرین و شریعت امر
بیلد و سون بیخ طهارت نه و بی بیلد و سون یک
ایر خان تونک دنیا بیلد او چون جفا او ب تیب
او در پ بولور ستم ایر خان تونک نه و عیب این المکا
ایمک هشتم آتش اولاش در پ خان تونک در یک
و قیز لاریک کوب اولاش بیغیک اولاش میرانشوی
دوم ایر صحرای کتیا خان تونک پ دوق بی زلاب
عیب استیکای اول خان تونک غنه ظلم نور و کناش
عمید و خان تونک اولان نور خان تونک صفی
صفی ایردی انکامیل قیلدی اول خان تونک ایر

اوزین تا فرقیلایه بر عورتی شغلاقی برلا اور شپه زدا
دور و بیاق برلا اور مو کناه دور و فونله سلیک هم میلی
لاک لازم دور و فونله صین ده بیان قیلدی مسیله نقد
قلیب من و ادا الدیه جنورالوزین کینت کجده
قبول نه یغی برکم انا انا پنه زیارت قیلنه اعمیان
غی باز الار حاجی قبولنه شو این برکات و ونیه بجز
خواب یلا ریش انا انا پینک قد طم فیدین تسلیم
تیک تور عاوق و فو پیام برکات تیکر افغای ایلکین
موتارکای تیه مرتبه لپور و اخلاص نه انا انا پینک
ار حاجی اوجون اوقولکون ات که نه حال کون
نی برکات دین انا انا پنه برتفا فاس اول بنده دین
آنانا پنه

روز اندکی از هر روز اول نور چشمه ایل نیکر نماز

شده نوا اول شرف ایلی عوام کت بره صافله قلیقل

نور ایدیل کت کتیکه بولغیل خلاتیعالی نیکر کت

وعبا و تقیه مشغول بولغیل خدای تعالی و نیکر برله بولر

شاهانه خدایک عقیقه داخل بولغای پند

نیکر شرف ایلی عوام کت بره صافله قلیقل

نعال بیت تا بتوانی فحد سچند پشملکوی نامه بره

تاز خوشش ملکوی نوش نو دادند از زبانه کوی

نوشنوی یک پیش ملکوی

شرعیتم نپه نور در جدر آیفیل که پکیز نور در اول فرض

حرام و مشرک و مباح و

و

بغلار آیتورلا سیی زور سوزا ایفیلیم اولور اولور کور
 ایلام نیچور سوزا آیتیلیم بیت نرور اول صدفه قور غلر
 نغمه ذوی الارحام و خدمت والدین و قریباستقانیجا
 کیشور مدایبق و خواتون ابرینک غلرینتی قیلوق ایفیلیم
 قیلوق ننگه بیاییند ترورینتی
 شول بیایینا آیتورلار ایفیلیم آنگا دین دورک
 قول بیایا ایها الدین آمنه قونفیک وایلیکم مارا
 او قور وایان سوزا ایفیلیم ایفیلیم ایفیلیم
 علالار انداغ تغیر قیلیب دورلار که ابرینک خواتون ننگه
 حقیقه فرق قور سوزا ایفیلیم ننگه سوزا ایفیلیم
 سوزا ایفیلیم اول اولکه ابرینک خواتون ننگه سوزا ایفیلیم

اور کما کما ای باری بجز بولند از طرف اندرین دو صفت که درین
واجب است که هر چه او را در هر قدری که او فرزندین و قیاسین
بوجود نیاید علی لایحه بده نعل و ترغیب قبل از خواندن بیان
عبد الفانی که درین اوست از لغای و تکلیف تا شروع باشد
در شرح قبل لغای و او را که در لغای تا که خوانند از این کما
بلع بولند از این کتب قبل از آنکه ضرور بولند و کتب قبل از
این شریعت آنچه یور که تا خوانند از این آنچه یور که ضرور
بولند و خوانند از این بولند از این لغای تا او چون که خوانند
نادره مؤیدین یا از این بولند از این کتب از خصم بر مکتوب
ماظن کتب تا مدح حق لغای پس تا برین این کتب تا خوانند قبل
منی و نیز در و پیش و بیاید و حال خلق بند مسخره
توتو

شاید منقذ قلعای کاشان و جیل و قاپون در روز اول در حضور
لیتو قلیش در بدو منقذ قلعای خولون ابری و منقذ آبر
چراغی نظر قلعای بریاخت بود بر کای شلی ایلیز اول
ولا تعریف بر لیا و قلعای غیب قلعای کر آنتی
صاحب بر اینها اشکال قلعای بلبلیم آدم بشدت ایامی
ترور ایبر کیش خانقار کیشکا اورین اوختن ش قلعای کینا
بولور وینا اینچه که آنخند و فایده قیلا دور فاعالین او
قلمبداش اور دغین جندع و منقذ قلعای و کجنت بر ایلاز
کای و کجنت و منقذ قلعای و کجنت اطمانا سب کای و کجنت
دو منقذ قلعای و کجنت بر ایلاز بولور و بر این قلعای بولور
کاشان کاشان کای و بعضی علی لارا آنتی لار شروس و

انقذ

بقی پیشه قبلی قول فوشتی در پیشه ای که در این کتاب است

وینه تولا اجداد و لا فوره الا بالله العلی العظیم ویکای وینه

تولا آیتها وینه ای فو باله تولا آیتهای وینه عیون وینا

احتیاطی وینه غیر قبلی و غماز بقی وینه تولا آیت

اچک وینه قبلی او چون بعضی مظلوم لاریکا و دور تولا

ایچا لاریکا محو بیخدا نم بر گاورایر و خلو بند بوزق

خصلت ایچا بیلتر پس دنیا آتیر ندیم یا کیم بیک ایفانور مکل

بآب روی بولغا ازین اللی

چلیک فیله زین بیا بنده آیتور لاریاض خلوق کینه ایر بیک نور بنده

بولغای وایر نیک رضا یعنی بولغای مظلوم آیتش لاریخا ایر

بیک رضایتی دور علیه ایلا آیتور

صی برارینیه فالتیسه کیلدر و عا تو نوبتین شکایت قیلدی

آیلارای صی لالتیک بریمان خوتونیم بار بئتم و بچه کیم

من هزارین بیگانه دین من آزار من رسول علیه السلام دین

سختیجت اشیکار لار بند بار مودیدی خلیفه اول

ابوبکر الصدیق رضی الله تعالی عنیه لار من رسول علیه السلام

هرما اشیکار ایردیج هر کاتونید آیتلدر لیمجه ایمان و بیعت

بر بند فرشته لار لغت قبول اکر خطبه عمر رضوان الله تعالی

علیهم اجمعین ایشی لار من کاشیت ایردیج هر کیم بئرم

اودیم اشیکانیم بد که هر خواتونید ایر کاشیفه بئر لاپه کلبه

خدا تعالی و هم فرشته لار لغت قبول لار

تعالی علیه اجمعین ایشی لار من

۲۲
ایضا به یونیه تیبیرا خود و اول احوال

حجت بر علیه السلام و بر کبریائی او و بر نبوت او و بر انجمن او و بر اولاد او

عزیزان و بولعیای کم و او را در میان می خردند که وقت از بولعیای بسیار با

استیلا از این استیلا که من استنیم که در خبر و کلامها

خواتیند مالین ایر که منست قبله اول خاتونند که مالین خدای

تعالی است و لیکن صد قبله قبول بعولیس

من استیلا بر دم بیخ اول و آخرین هر خاتونند

ایر که مالین قبله اول خاتون خدای تعالی است نقد بولعیای

و فرشته لارکت قبله لار و طایفه فی الله تعالی همه آیدلار من استیلا

ایر که رسول علیه السلام درین هر خاتونند ایر که مالین است لیکن قبله

خدای تعالی اندین هزار بولعیای هم فرض نه واجب و نه استیلا درین

آیدلار

بی عبادت قبول قبله

من اینست بر روی حضرت ائمه

برای اول و فاطمه زهرا ابدا
چهارمین قبول قبلیس خود عبد الرحمن ابن عوف است

دین بر خوانند که نو نیکه

بوقر خدا تعالی اول کاتون حضرت قبلیس

نیز نو نیکه اعجاب این کلمه است

کاتون حضرت ده فیه قلیف کلمه اول

رضی الله عنه آبتی لار من الشقیم

نویک طعام پشور ایریکایدور

لار دین طعام پشور بجای

لار من اینست بر روی هر چول

قت شمار او تا بدور در معنی روز

ایشان دین پ فلا بدور ایریکایدور

پس بهت است اول عدولها چنانکه قبلی ششصد و شصت و شش
سید شوهر است بولغا انصار رحمت الله علیه استیلا است
ایروم رسول الله در خاتونیکه ایریکار ایریکار پسر پسر است
که در قریه و سبب اول قانون ابدال اباد و در این خلافت بولغا
بوهیمه صالح ایریکار است و در واکر ایریکار است بولغا
خاتوناهم که در ده دور واکر صالح خاتونی است ایریکار
قویق کرا او ایست قید اول ایریکار ابدال اباد است
کرفار بولغا اول ایریکار است قبله است خاتون
حقیق فرزند بولغا و خاتون غمی بی بی است و بی بی است
بولغا یک اول ایریکار است بولغا است ایریکار است
زیر است که است قید اول خاتون است بولغا است و است

بوصی اول خواتون فی حق اول خواتون و اول خواتون
صی اول خواتون کبلا یفلا عمر فی صی اول خواتون کبلا
من ایملد یا کلدیم توبه فیلدریم ایملدی میسر کبلا ایملدی
تیلان کلا ایملدی راضی بولدی و چیلدی موندیم
کبلا موندیم قبل ایملدی ایملدی ایملدی ایملدی
یا کلدیم و یفلا دی صی اول خواتون موندیم قبل
ایملدی اول خواتون و موندیم بولدی و چیلدی اول خواتون
موندیم ایملدی موندیم بولدی موندیم

نی قاشلا بولدی بولدی
یا رسول الله ایملدی موندیم قلدیم حقیق موندیم ایملدی
هر لاب حقیق موندیم ایملدی موندیم ایملدی

نیمیش

پس بی تردید در میان هر قبایلی که از آنجا برخیزد ای

دین از یکجا چنانکه قدم با پای پیروان آن اعمالند وین بر

جنت لایق پیدا قبل از اول خلافت ^ع بار رسول الله

خاتونش ایریه حاجه عقیقه بود و در رسول علیه السلام آید

خاتونش هم ایریه حاجه عقیقه بود که آنجا آمد و در پندارهای

ایریشی لاریا اوست پس همه گاو و گاوینها چنانچه ای بنی

دیگر مانده و پش رکنه تکلیف قبلی خواندند و از و غنی

و تو عقابینت چنانچه عزت قبلی اگر موندین زباده او را

نزدیک قبلی هرگز نبوی بهشت نورسنگ و سینه اول خاتون ^{آئینه}

ایریه کند و پیش از آن رسول الله آید و در هر حال نوبت ایریه

حرام چرب قبایع با لیسند به قبایع نونا که در بدین

بوز قزوین و غیره و نیز در آنجا
کونی تیلین سیکالیدین تار تار لاری تیش کوا و ز قیلور
و تیش کوا و قیلور لاری تیلیم اوک تونا شرد و هر خوات
ساز استان ایر بر سوک و ناپرز اسپوز لاپه قبات کونی
ده آتیک تیلین تیش کوا و تیب بوز کای لاری و دوز غایب
بلانلار و چیانلار هم اوندیت آتیک تیلیم تونا شفا کای
آتیک و ای و ای دیگای کوا و زاع لاری تابت قبات کای
وینه هر خوات کوا و نکر سیرا ایر بدین و دین توی خدای تیل
اول مالیدین برکتین تونا کای بیلکای که بول مل قبات بار
دقیق تیلیم وینه هر خوات کوا و نکر مالین ایر کوا چیش قیلیم و هر شفا کای
هر بنده آذوقیل کوا و نکر تیلیم هر کای اول کوا تونا انداز کوا

نابکای که

پس چونکه بر سر خدای تعالی انکار...

یوز بیدق کنایه عنوق بلعای دهر خانو بنیکه ایر...

و نامر اولیقه قبول فیدیه پیریش قیدیه و تونکلک اغرتیه...

قتاب ایله اوینیه قشهرده فرشته لاز اول خانو...

لا دهر خانو بنیکه جمع ایلمه پیریش آوقایتیه کچر...

افسانه نسا دور نامه شر و تویپ و طوطی و قلم آموز...

لا... س ا شیتیم پر سل

علیه السلام وین که اوچ فاتوره دور که خدیجه...

عذاب ز توتار دور قیلور لار اول

خانو بنیکه ایر نیکه بد خو کیفیتی توتار پیر...

خانو بنور که ایر خانو ز آل پیر ایلمه قیل...

انکه عند زوایب قبوله در هر کجای عالمه رتبه را رضی الله عنه
برای آنکه بگوید سلام بیکر فاشلا ریغ کبلا از رنگ لاری
بهر بولوب نردور بجز علی ایلا (بوسه بولوب) نمه بولدید بولوب
بهر بولوب نردور ای بدرتیک بر لب جعفر علی بیکر از بیدوده پاره
نوشه بورد من علی بیکر جو از بروم علی مندی از زرد ده بوا
لدیلا ریش بیا بولدوم جعفر علی بیکر فاشلا ریغ کبلا و بیخ
منه با شیدین اور بولدوم طوق قبلا بچ مندی رضی بولد
منکافله کله بنور قوقی من که خدا بخله بتا عذاب لاری
کرفت بولغا من دیب جعفر رسول اکرم صلی الله علیه
وسلام آیشی لاری فاطمه بیخ اول خدایکه بیکر راست
لیق او چو خلق قلیب دور پس دین اگر ابریند پس دین

راضی بولے غدا یعنی اراضی البینہ میں سکا اور دریا بہنے لگا
بولے دو دریا بعد قسوق سنیزای جائید پر غدا تو نالہ رفیع پر چلے
قیاضا لقا و بہراق امیر بیک فرمایا ہمہ در در میں چلے غدا
قتور نہ اور چونکہ آندین امیر بیک فرمایا راضی بولے دنیا میں
آورینے بہشت کا نور ملو چہ رحلت قبل
بیانیتے ایسور لار رسول علیہ السلام آیتوں لار میں آنت لار
توت سرورہ نور و سولار اول اول کیم دایم نماز او نور لار آنت
نماز خطا ہر لہ او نور لار رتوع بچو دے بجای کیستوریں لار
اولار نے اور نے ہر رخ نور و رایتو اول کر وہ نور کاہ نماز
او نور کا او نور میں قصدا نماز نہ تر کر قبول از بہری دنیا او چہ
اور نے ہم دونے نور او چو بی اول سرورہ نور کیم نماز او

سلار اولاریم اوتماق نوز اول کزده نوز که اولار
کری نمانی نوز قیلار کونین و پی دی بی کیتور اولار
اون اول کزده بیشت کزده وینه رسول علیه السلام اینلار کزده
بیلکله اول کزده اولار ایله محمد خلائق امان برت اول کزده
بیکرل ناز اول کزده و عبات اول کزده خلائق اول کزده اول کزده

ای چهر ایله من اینم لیکری کالقم وای بر وار دیکریم دیدیم
خلائق ایندین کیم دور سن پس بیدور سن من اینم عالمی کیم
کار و جافر اول کزده دیدیم ایندین کیم بینه نکا پوز لاسدی
اول کزده بیکرل عبات اول کزده ایندین کیم بینه نکا پوز لاسدی
و بینه نکا پوز لاسدی ایندین کیم بینه نکا پوز لاسدی
دیکریم دیدیم ایندین کیم بینه نکا پوز لاسدی

او تونز آتی بل عباد و غلامیم است که سوز لایه و سوز پرچم
پیشتر قضا کنیم و بعد که خداوند تعالی بر کس تو نوز و نماز
رشتی و پیشتر از سوز لایه و وقت نماز هر سوز لایه و وقت
تو که بسیار اعظم و پروردگار عالم بر لایه سوز لایه و سوز لایه
و سوز لایه و سوز لایه و سوز لایه و سوز لایه و سوز لایه
زادی قیلا در آن رخ بگردید که هر یک یک کلام و جز این خداوند
تبارک و تعالی غم پیوسته است که نماز
باشد و چاه هر یک آب قبل از نماز پیشین بختت لایه و
نماز دیگر نماز لایه قبل از نماز شام یا طرادین آب او نکند
نماز حقش نور بشود و سوز لایه و سوز لایه و سوز لایه
پیشتر سوز لایه

آدم صغیر السدوین

و نماز سوز

و نماز بیست و نه مرتبه است ایها المسلمین قاله و نماز بیست و نه مرتبه
یعنی بیست و نه مرتبه است ایها المسلمین قاله و نماز بیست و نه مرتبه
صفت حضرت موسی علیه السلام در نماز و نماز بیست و نه مرتبه است
اللهم صل علی سیدنا محمد و آله و صحبه اجمعین
بیست و نه مرتبه است ایها المسلمین قاله و نماز بیست و نه مرتبه
ایک روز گفت بیست و نه مرتبه است ایها المسلمین قاله و نماز بیست و نه مرتبه
گفت نماز بیست و نه مرتبه است ایها المسلمین قاله و نماز بیست و نه مرتبه

کلام او خبر سپرد که قوله تعالی یا ایها الذین آمنوا
اتبعوا علیکم الصراط المستقیم الذین من قبکم تعلمون انهم
هم صراطهم عالم ایها المسلمین ایها المسلمین
ماکنین نیز لارغم فرض قبل یزوه نیز لارغم انکم قبلیم روزی

کبریا را باین روز در میان ملائکه و ملائکه را باین روز در میان ملائکه

انتیلا که هر یک از فرشته او م قبل دور برینت اویں بتور لای

علی بن القیاس خداست غلام آید که قولی علی الصوم و الاما

آخره دور روز هر چند آخر

هر روز و شب آید که روز و تو تقوی لای قدر

شایسته در اول که نماز شام بول آخر آخره ایکن اولم

خداستغنی بند و بدارینت نور روز و در بند آخرینت بند

یو خدای تعالی بند دیده مشکی تیار دین و خود دین

وین خرم و مرف نور روز هر یک از ملائکه و ملائکه را باین روز در میان ملائکه

بوال برده دور که خداستغنی بند برله بند آخر آید نور روز

هر چند

درین دور بجاوردن آفتاب در روز اولی ۲
بسیار دور بلیکلی که در رمضان آفتاب در هر که اولی اولی ۲
در هر که اولی اولی اولی دور و آخر اولی اولی
در هر که در رمضان ده که در آفتاب بیدار در آفتاب بیدار
اولی در وقت نماز نقل او قوت نماید اولی در هر که
فایده بخرگامی قیامه آفتاب نیزه بوی بیدار قیامه
و بی طاقت بقیه آه نماند بیدار بیدار بیدار
بول ببولاندر قیامه آه اندر نماز بیدار بیدار
بر کاینکه ثوابی هر کای بول بول بیدار بیدار
بلیکلی که بود بلیکلی هر که بول بول بیدار بیدار
دین دور بجاوردن هر که اولی اولی اولی

بند که در این نیست در هر روز یک بار بخواند

و ماهی که در آن است شریف و پاک است

هر یک که بخواهد قید را در بر یکا بنهد برای سنت دورا آخر

آچار و بیلان چنان بود عاقلند او فوفاق که در آن است

قید الاخره است که در این نیست قید

تکلیف بی

تو که در این است چه بول به من این چه در حق

رسول اکرم انوار خدای تعالی از من است چه در بند

سینه شمارش او تا بدور افطار قیلا دور او نور بنده

عالمی و جهانی که در کاره دوزخ او میدین آذوقه باغ عید

بسیار چه در این است چه بول در بار رحمت موع او را

مقدور است که هر چه خواهد بود در آن روز
آورد و اینست که در آن روز که در آن روز

دو ماه آید و در آن روز که در آن روز

دو ماه آید و در آن روز که در آن روز

آید و در آن روز که در آن روز

یک روز است که در آن روز که در آن روز

بسیار است که در آن روز که در آن روز

بسیار است که در آن روز که در آن روز

دو روز است که در آن روز که در آن روز

بسیار است که در آن روز که در آن روز

آید و در آن روز که در آن روز

فرشته لاری تو شو که منتر باشی زین کار چو ایلی
و همیشه منتر قدر آتور آنک لاری او چار ایلی
آنک لاری او چو ایلی لاری منتر قدر ده او چار
و هر نفس منتر بار بو منتر منتر فرشته لاری منتر
نوع بگویم بار لاری منتر تو او بن نام منتر بیغ او
سجد من منتر کاه و روز انصالی منتر پلا منتر لاری
زور لاری آنک کس آیندور که ای بار خدای بو کچه
لاری منتر و خود دور لاری آنک خدای منتر
دور لاری منتر با منتر طوفانی منتر لاری آنک ایضا
آنک منتر پلا منتر منتر و منتر و منتر لاری
او خلا بد و فرشته لاری منتر منتر طوفانی منتر

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
اللهم صل على محمد
وعلى آل محمد
الذين هم خير خلق
أخرجهم الله من
الظلمات إلى النور
وقل يا أيها الذين
آمَنوا صلوا على
رسولنا محمد
والعقب الطيبين
الطاهرين
الذين هم خير خلق
أخرجهم الله من
الظلمات إلى النور
وقل يا أيها الذين
آمَنوا صلوا على
رسولنا محمد
والعقب الطيبين
الطاهرين
اللهم صل على محمد
وعلى آل محمد
الذين هم خير خلق
أخرجهم الله من
الظلمات إلى النور
وقل يا أيها الذين
آمَنوا صلوا على
رسولنا محمد
والعقب الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

ونور قلبه ونور روحه يوم القيامة
 عليه السلام يوم اوقوه نماز باعداد زعمائهم
 تقاضا نور انوار منكره وبرا قلبه وبرا روحه وبرا
 قبا نوح يا حبيب منى
 خير عبد من ذوال الاجرام يعني بنصره صلى الله عليه وآله
 خرق قلبه من كتم تكلم قبل الاذان وقتبه ذوال ايمان
 لعباد است قراءة القرآن الايقاعا
 يعني ابد لا ينقر الله عليه ولا يلام عليه ولا ينجس به
 بناد قران نور من كتم الله به او قوب او قوبه
 من صيام رمضان واداء حقه كما هو مرسوم معلقا بين
 ابي والارض ابي الارض يعني صلى الله عليه وآله

فطرنا

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

الذين هم خير الامم
والايمان والهدى
والنور والرحمة
والبركات والهدى
والنور والرحمة
والبركات والهدى

والنور والرحمة
والبركات والهدى
والنور والرحمة
والبركات والهدى
والنور والرحمة
والبركات والهدى

والنور والرحمة
والبركات والهدى
والنور والرحمة
والبركات والهدى
والنور والرحمة
والبركات والهدى

بواعی و روحای الیه من الریب لالقدم داعی
و الریب لالقدم و الکبیر آذین بیدک اعصابه یوقی
سرا اعود بالله بسم الله اوقوع ان تدین بیدک بودی او
قوی و ان کتم جنبا فاطمروان کتم فرض او علی بیدک
ما صینی حاجت رو بولف او چنان ایلی رعت نماز او با
بر کفیده فایح دین بر سر نه آیت الکرسی او بر نه الم
او فویما پیدا دین کین باشین پید که فویما او بر نه
آیسی نفر و ان نه الرحیم الرحیم اراوج کوز او شبو طریقه
نماز او با بر سرادی با حاجت بولف او روحای و سیرادی
حاجت بول او چنان اولغی کوز مین سر نه با فتاح الکتی
کوز بیک سر نه با و باب او چنان کوز بیک سر نه با راق

ح

دلیله بر اینست که چون در اول بود پند برادر حاصل بود
غای اندین کین مناست از قوفای احد صدمه معبود و پند
عیناً قیوماً مسلماً برور و دیگر آبادت یا الهی پند
منه پند است سخنان حج و طاعت و پند مشاطت بر ملک
رفا و حکمت و انرا که تحفه شا و پند منزل خلالت حج
مشفقان عفت است الهی موافق انرا امانت و ظالمان
عدالت و بیایان انرا انرا عبادت و عبادت رانده و
بر انرا علم و جواهر اعظم و بار بار ان کین و عالی انرا
آپا نشای حج یا خلالت و ای قیوم یا ملاک است الهی
پند و ای ورم و پیش از قناعه و ضعیف انرا قیوم و پند
انرا حکمتی و الهی انرا حکمتی ای و پند بر مشفقان
و ای

وین به فرزند آیتنک ویدیمهایشی لایبلا علی احمد خجسته
دوم اولوغ آیتنک لیکر وطلا آیتنک لیکر برله اجماع قهر
برله قول لایر تا پوله لایر اوتدین داغز بلا روین ویردین
اوج قهار اینک هیتدین قور قور جبرائیل بنقر قنایه
ایسمای برادریم جبرائیل بو کمدور که بو هیبت و صلا آیتنک
برله اینیم کور کور کور قور قور جبرائیل علی علیه السلام
بمالیک دورخ ترور خلاصه ای دورخ کامواکل قیلدور
هر داغ آیتنک فرمانید و نور وید کور دوم که بر او کور
اوپتیده اولتور و بدور اوتدین باشیغ تاج قویو بدور
عمر اوتدین الدیده نور و بدور اول عمود زینت قنایه
یت قنایه کور آیتنک تا بندر گذار بولا دور حق الدیفه

باردیم

در این بیستم روز از این بیستم روز تا در هر شب یکصد
بهر حاجت نور و درم اول منافیق لاری بار این بیست و پنج قوی بار
از بیست و پنج قوی بار و قدریش کافیر لاری نور توئی
کسید لاری بار شریک و بکام اول کافر لاری یکدی وی ای خدا
لیق قیل و لاری بیست و پنج لاری التبیح از نوره خوار لاری
لاری که گناه قیل و نوبه نیز اول کلام لاری اول لاری یکدی و در حدین
ویر من آیدم ای مالک اول لاری من کاسور پ کلیل و دیدم
مالک بیلا آیدم ای محمد تو نارس و بدرا آور لبدر ای مالک
محمد خا اول آید و راند اغ قیل بدی مالک روز پنج نیند آخر بیست و پنج
پاز مالک آیدم ای محمد بود روز ده او نور منک زندا بار کعب
او شین ویر زندانده او نور منک دشت بار و هر دیننده
او نور منک تاغ بار

او تا حدین بوتاغی که بی طرفیست لیکن بولار اولادین سیرا

خجنتیک اولدورسی بار دورجه اولدیم مینک شهر سنان بولار شکر شکر

سینک سیرای بار دورجه سیرای ده سینک صدوقی بار هر طرف

دورجه اولدیم بولار ده کون کون یازب لاله اولدیم

فخریم بر کوهما کوردوم که اولار غمچین لار و بلالار تو توشو

دور اولار قحط اهر رس آتیم ای مالک دوزخ اولار نیک

قیچمه اولار آینه که اولار مال لار دیز کوهه بر کمانلار

تور لارینه هر قوم ناکوردوم که قول لارینغ قولتو قیدین بو

یونلار غه آتیب قویا تور لارین آینه که قیچمه کوره تور

مالک بولار چون خالار تورور

لارینه کوشن لارینه اولار غمچین لار لارین لارین لارین

بولار کیمور

پول اور پندرہ سال کی عمر میں لڑائی کے بعد پانچ سو روپے
قیلغہ لار دور وینہ ہر قریب کو دو گنا آخر میں تین سو روپے
شہر لار تیل لاریچہ اوت تو ماشیٹ شہر اور اوندینا کھنڈ
لار اور تین سو روپے پانچ سو روپے لار اور تین سو روپے
پندرہ سو ای مالک ہونے کے لئے شہر مالک لار زیادہ ایک ماٹھا
لیقہ کے لئے شہر لار کہ اول لار شہر لار سپیدہ عدیل اور اپن
لیقہ قیلغہ لار دور وینہ ہر کہ وہ نہ کو زوم کہ ہر خانہ بند
اور تاپسیدہ فرشتہ لار غذا بقید اور تین سو روپے اور لار سپ
دوم کہ ہونے کے لئے شہر مالک لار پول اول کے لئے لار سپ
دہ زما و لوارا قبل خانہ لار ہر روپے ہر دو سو روپے
اور تین سو روپے لار تیلیدین اسپیدہ سو روپے ہونے کے لئے دو سو

مالک آبادی بو خانو نینه بک بوقه بیته نامستول پور اینک اولاد
دور و بیله خانو نینه توروم ایله ایلیه ایلیه آیتیب و سلاسه
که بونه خاتونلار مالک آبادی بوله خاتونلار هر که حاجیه
محمد امین یا سیدخان و سینه هر مطلق بی توروم که آخرت بیق و خا
شیخ ایرتیب قویارلار بوردوم که و نه بیته سرور مالک آبادی
اول خاتونلار ایرلی قیق چکریه بسانلار دور و سینه هر مطلق
توروم که اولتوغ چنگاک بوله اولارلار و ایلیه کیدی ^{اسبیب}
قویارلار بوردوم که بونه سرور مالک آبادی اول خاتونلار دور
ایریدین بزر عفت کوجده بار کاندلار تورور و بیکانه بلالار
ایلیه کیدی بیه بر کاز و سینه هر خاتونینه کوردوم که بوتینه دیوار
باشینه نیم قیلیب آسپ قویارلار و عذاب قیلارلار بوردوم
بونه خاتونلار

اول
و اما در باره مالک که در اول کتاب آورده است بر حضرت امیر و اهل بیت علیهم السلام
و مالک القصبه حضرت رسول علیه السلام بود که در آن توبه نوشتند که
امیر المؤمنین علی و فاطمه زهرا رضی الله عنهما ایضا و دیگران
در آن توبه آورده اند و خود نیز بید قبیل انداخته اند و در آن توبه
رسول علیه السلام ایضا آورده اند و در آن توبه ایضا آورده اند و در آن توبه
اول کتاب در آن توبه آورده اند و در آن توبه ایضا آورده اند و در آن توبه
قبیل خدای تعالی یازده قبیل است و قبیل خدای تعالی کتاب است
که در کتاب رسول علیه السلام آیت است ابو ذر بن النضیب
که در کتاب رسول علیه السلام آیت است ابو ذر بن النضیب
توبه قبیل انداخته بود فایده هر یک از آنها قبیلان و دیگران
و هر یک توبه نمودند خدای تعالی از یک قبیل است که توبه کرد

توبه نوح اولدور که بنده بر کفر اول کناه قبله ای از پیش

لازم توبه نوح کرامت قبله بود و آیه آخر در حدیث

بر ایمان بر کبریاست حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله

علیه السلام و اولاد صحابه اجماع بر حدیثه یا اسرار حدیثه

سید محمد اسحاق

پس قرآن حکان نیک بیانده دور و قرآن خوانندگی

یکدیگر بیانده دور ثقیل دور که بندگی هیچ عبادت قرآن

او قویان دین اولوغ راق و مبارک راق بوقورت شما

مؤمنان سوره سوره و تعالیه قرآن مجید نه اوقات هر یاد

قبل اول اوقات ده اوز بنده هم عزیز دید قرآن هم

عزیز دید قرآن کتاب عزیز بکن اوز بنده حکم دید

قرآن مجید دینی کتب و القرآن الکریم اور سنیہ
عظیم دیگر قرآن مجید عظیم و کتب لغات کتب سبع المثانی و القرآن
لعظیم نور نبوی اور سنیہ نور وید قرآن مجید نور وید و انوار
نور و سنیہ پستی اور سنیہ مجید وید قرآن مجید نبوی و انوار
القرآن اور سنیہ ہمیں سنیہ قرآن نامہ ہمیں وید و ہمیں علیہ
یہ سنیہ اور سنیہ سب وید قرآن نامہ سب وید و ان القرآن الکریم
فی کتاب ملک و سنیہ اور سنیہ سب وید قرآن نامہ سب وید
و بالحق انزلنا و بالحق نزل اور سنیہ سب وید
وید قرآن نامہ سب وید قرآن لکن اجبت الانبیاء و الاذن
الابا انوار سب وید قرآن اور سنیہ سب وید قرآن
سب وید قرآن لکن بالحق انزلنا و بالحق نزل

کلماتی در لوحها بنام خداوند است
قیامت روزی که نور بدین یک کفر قوی است
نور حق که از عجب این کلام نور و صحت
ایستادین طهارت کلام خداست
تعالی که در خبر رسید که قوله تعالی
تنزل مبارک العلیین بر کتب قرآن
بر فی کما یوزن یقیناً آملین
بره قرآن او قوس بر فی کما
حسب بنور لار
لار ای قرآن او قدر کلام بر سر اوله که قرآن و
لار بر هر چه بود که حقیقت لار و بی چون بودی

بنام خداوند

بیت در ایستگاری که هر آنیک که بر سر چه یوقاری جفتی لاریست

قاری جفتی لاریستند ایستگاری که هر هر فیگار هر چه یوقاری

قاری جفتی لاریست یوقاری جفتی لاریست

هر کلیم بر سر چه یوقاری جفتی لاریست هر ان او قوغی

هر هر فیگار ایستگاری که هر ان ده او قوب ایرونیست هر چه یوقاری

جفتی لاریست ایستگاری که هر ان ده او قوب ایرونیست هر چه یوقاری

قاری جفتی لاریست ایستگاری که هر ان ده او قوب ایرونیست هر چه یوقاری

هر هر فیگار ایستگاری که هر ان ده او قوب ایرونیست هر چه یوقاری

قاری جفتی لاریست ایستگاری که هر ان ده او قوب ایرونیست هر چه یوقاری

هر هر فیگار ایستگاری که هر ان ده او قوب ایرونیست هر چه یوقاری

قاری جفتی لاریست ایستگاری که هر ان ده او قوب ایرونیست هر چه یوقاری

تعالیٰ در هر روز در بیت بقیع علیه السلام میراثی است پس هر روز
 میراثی است بیکایک پس در کار حضرت میکائیل حضرت عزرائیل
 و جبرائیل پس در کار حضرت میکائیل حضرت عزرائیل و جبرائیل
 انبیا و اولاد اکرام و صاحب اعظم دین پس در بقیع است
 خدا تعالیٰ امری که فرزندین قران خوان آنجا شوق و هم
 برکای پس خدا تعالیٰ آیت که من خداوندورین کرمه که
 آن فرزندین قران خوان قبله خواهد او قبول خوله قبر بوله
 این بود که ~~...~~ و بی شوق زین
 نور کشته آتش روز خدین آواز قبور من اول آتانا
 پس این نور را در غار کشته فرزندین بود نور کشته کار
 حجت قبور من گویند هر کس فرزندین قران خوان قبلا

شعلا

در اورنگ

دور قریب اور جان دور قریب کون سے تیرے پاس پہنچے
جاہل دور میں اچھا نظر ہے بہت قبل دور میں دو بدلی ہوئے تیرے
قبل میں ہر کشتی کہ فرزندیکہ قرآن اور سنا کر یہ قلم
آپ کا دور میں آنداز بولنا یکہ اور میں کہ جسے تیرے سوا ہے کہا
اور میں کہ مرتبہ کافر لارہ کہ جس قبل علم تیرے
بولنا اور میں کہ لنگا ہے غم انیکیں کہ کاندہ بک بولنا
علم تیرے قبل میں ہر کشتی کا دور دورہ اور قبل دور اور
میں کہ جسے لیونے نامہ اعمالیہ بتور کا میں اور میں کہ
یہاں لیونے آئین نامہ اعمالیہ میں بیرون قبل دور میں
وہاں دور دور میں آئین زمانہ لاکل جمع ہلا وقت لار
بدین اور یہاں ہر کشتی کا دور دورہ لاکل جمع ہلا وقت لار

کتاب الحجج البراهین فی بیان سیرت نبوی

فصلت بیست و نهم در بیان مالک بن انس

صلی الله علیه و آله و سلم لکل شیء قیل و قلب القرآن و کتب

الله بقرآنها تفرقة القرآن عشرين مرة صدق به رسول الله

یعنی آنسوی بن مالک رضی الله عنه از آن روایت کرد که رسول الله

هر نهم روز یک بار در قرآن در نونکای قیاسی در هر یک

از این نونکای پوره یا پسین در هر یک

پوره یا پسین در هر یک او قوی است که یا کی او از مرتبه قرآن

نصه قبل غایت که شایسته هر کای اول قرآن پوره یا پسین

برای پوره یا پسین در قرآن بود لغای امیر که پسین یا پسین بر چنان

اوج آیت هر روز او چنان حرفی نور در هر نهم پوره یا

سپین و او قورچه هر یک کما ای سرتبه ختم نمران قیل فاما
یک یولغا ای سرتبه سینه عابینه صدیق رضی الله عنیه و
سرتبه اولاریم حضرت سید صاحب علیه و سلم و سرتبه ایست
سرتبه سینه دور که قورنده او قورعه ایست سرتبه
سرتبه پورچه دفعه و قورنده ایست سرتبه ایست دفعه قورنده

و حاجت نورو اولور هر یک بو سرتبه سینه ایست او قورچه
انداز یولغا که سرتبه سینه ایست سرتبه سینه ایست
مفصل قورنده ایست سرتبه سینه ایست سرتبه ایست
قورنده ایست سرتبه سینه ایست سرتبه سینه ایست

سرتبه سینه ایست سرتبه سینه ایست سرتبه سینه ایست
سرتبه سینه ایست سرتبه سینه ایست سرتبه سینه ایست
سرتبه سینه ایست سرتبه سینه ایست سرتبه سینه ایست

مغفرت تبارک و تعالیٰ بر او و بر همه گناهان او است

بقای و احوال مطلق تکالیف و احوال و غیره

چنانچه در همه فرشته لاریه بوده و با بندگان او چنانکه از او

آید تا که هر کس که اول آن فرشتی آید در روز اول

آن روز که در دنیا است و در آن روز که در آنجا است

و بعضی در آنجا است و بعضی در آنجا است

چنانچه در آنجا است و بعضی در آنجا است

چنانچه در آنجا است و بعضی در آنجا است

کتابت نامش که با کتب دیگر است

بار و قیمت او هم پس از او بار و دیدار او

بهرین پور و یا پیشین باشد و درین کتب
موسی و اوتامی که عویش حال بود و در لاری
وقته او فو به نام آتقو که خدای تعالی آنرا بنام

عزیز و وفات لاری بدین اوز بنامید و حال حال
در هر یک کورستان ده او فو بنامید یا غنی است
خلقیه حق تعالی اول کورستان دین عذاب قبر و نماز
و به هر طرف در جهت قبلاً او فو شومی غم خدای تعالی
اول کورستان خلقیه یا غنی است اول کورستان ده

عذاب فالین طرف به لور وین
بهرین پور و یا پیشین طهارت هر که هر مرتبه او فو به حق
الهی عذاب اولین ثوابی بر کای و هر بنده آذوقه

دیک بولغا نوقا کوم بولغا پندره سهر قهره نوقا
قیا نوقا اول بندون چپ پندره لار پندره سهر قهره نوقا
اکر نوقا تانیب کونده سهر نوقا او قوسق نوقا
تعالی غرور و کمال سهر نوقا ای بندره نوقا
کیر کیر قیچ نوقا نوقا اول پندره نوقا پندره دور
سهر نوقا پندره پندره دور سهر نوقا ای کیر نوقا
شهر پندره سهر کای آق کوشدن ای کیر نوقا پندره نوقا
کوشدن پندره نوقا ای کیر نوقا پندره نوقا
شهر پندره نوقا پندره نوقا پندره نوقا
تخت سهر تخت سهر پندره نوقا پندره نوقا
نوغ انداغ بولغا نوقا کوم نوقا پندره نوقا پندره نوقا

کوردیلک

پور و کفای پول بر است اول کتب فیه یونانی که پور و کفای است
نقلا او قوسه رسول علیه آتیه لار که امر هم نشند
پول پور و کفای بر ایله در آرزو پور و کفای پور و کفای پور
پور و کفای پور و کفای پور و کفای پور و کفای پور
چاقیل یونانی ویر کیم پور و کفای پور و کفای پور و کفای
نی نامرد و جلفی دین آماند و یونانی ویر کیم پور و کفای
جموعه کور و ایر خاتون بر اشلیق یونانی او چور و کفای پور
او قوسه آراد و پوز لامین اولار لیک آرا سیده صلح
صلح و صلح پور و کفای پور و کفای پور و کفای پور
دریم چه ایله در راه دور سیر کیم پور و کفای
لا افسوس او قوسه قیت کوننی قایتغ لیفدین آماند و یونانی

وهر کیم پور و یا پین پفر کا جقارده او جهنرا او قوس اول
بندر خون خلیه بدین آینه و بولقی و سلوات لیکر لناد و یا

السلام الالهیونین خدا دین

ادرا تا کمره بوقدر مکر الاله الحق القوم یعنی ترید و هر کیم
لین جاننده دور کز تفریح یا جلالا انا خذو لینه و لانا

یعنی آن هر کیم او بر توستی و قدور و اول خلا بر ما فروریم
کونیا یومک آچقونجه عافیل ایس اور الشیده و خلق آله

اشیده ما فی السموت و ما فی الارض یعنی آیه کسره اسم
لارده و بیر لارده باریم آتیکر ملکه در مسوا اللذی شفیع

عنده الا باؤنه یعنی کجدر و شفاعت قبوله من آتیکر فرما بندین
بولک لعلم ما بین آیدیم و ما خلفهم یعنی

بزنشک الدیمیزده او آنچه که آرقه میزده دور یعنی هر افضله

و تاده در امر در بار و در به نیکو در اولی خطونه بشی من علی الا

بناک منی خدا تعالی بیگانه بی هیچ کیم بیایم منم که خدای

تعالی بدارد و هیچ کس بیستیم است و الا در زمین کسی بیگانه

لا در زمین از بار و در چون بسته در و لا یله و ده و حفظی و

هو العالی العلیم بو آنچه الله در و پویر لاری بر ما تو ^{تفقد}

انکا غیر کلمات با پیش از هر کسی اول اولی و در زور و در نقل

ایا مندر در بیان صی برین نیکو در

یا ایا مندر در هیچ آینه یاد پویر و معین ایا مندر در آید لاری

یا رسول الله آینه بکس است یاد پویر در پیر احمد صی

لله علیه السلام مبارک قول لاری ایا مندر در بند کوی سیکانو

بدیال رینکا موچی علم بتا رینک لیلی که خلق تعالی نبی را

مگر او چون خلق قیام در بر آید که در آن وقت در دنیا

نیز با آنکه بر آید و قیام دور دولت و سعادت و دور که خیر است آنرا

تبار آنکه سرده با قیام دور پس آید که آیه آنکه در آن وقت در دنیا

سجده استعانت بکنند که نکلونتی و صالون لارشد علی بن موسی

و نه خدایتعانت کتابت نوریه عوالمه

که سر دنیا در آن وقت در دنیا که در آن نیز از اول

ایکی که در آن وقت در آنجا از اوراق رشت هر دو اول ایکی

پیدا کرد دور که کند بولد را چون شجره که در آنجا

بدل اول ایکی آخرند دور هر قدر که طراوت و نیز از آنجا

بیشتر که در آنجا و بچگونگی که در آنجا و در آنجا

بولور و بین این که در آنجا و در آنجا قیلو لاری

سجده ایکی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي خلقنا من نور

وخلقنا من نور

وخلقنا من نور

وخلقنا من نور

وخلقنا من نور

وخلقنا من نور

وخلقنا من نور

وخلقنا من نور

وخلقنا من نور

وخلقنا من نور

وخلقنا من نور

آیت لاری خولایه یکم پوره و آنچه در این آیه است که می بیند و شکر خداوند

بود البتة بولار نه شکرین بیکور هپیده کوردوم آیتلار ایسی لاری

خلو و بیزلارن خاض بندولار بیزلار بارور موس و بیدلاری

پیشا و نعلایر له جز و بیکور له منکله خداوند عالمه و کس بیزلاری اول

بندولار بیزلار بارور موس بیزلاری بیزلاری وین اولار بیزلاری

اویسیدین ادا و قیلن دور اولارین کورن اولارین بیزلاری

ویرکول اولارین بیزلاری حاجت نر و اقبیلر مع

ویرکول بیزلاری ایها الذین آمنوا انفقوا

زقتهم من قبل ان یاتکم یوم لا یمنعهم فیلأول و لا الثماریه

و الکافر و انهم العالمین یعنی بوی آیت نه معنی سی اولور که

ای اول کسر بولاریکیم ایما بیکور و بیکور و لامده و قیلر لاری

ایسی بیزلاری

آنچه پیران را بر چیز استیلا کرده کبر و من ابلیس را
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
آیته لا رمدفم دین نیکن اوله بنویسند در آنجا جبره در فیلق
برین صفت ایشلار که اولوغ تور صدقم عجب است دور که تعریف
و بهر نامشکافی اما اول هر سه که بخشیراق و بهراق نورانی صفت
هر یک که از حضرت بنده

علیه و آله و سلم ایشتم که طاعت ز جوان مرد لبق خلاصه دور و
معیت و خلیل لبق شیطان و به دور به برین آیتور بهشت
ایشلار بنور کوک نور که لا اله الا الله محمد رسول الله و این
توبیده بنیک لیکر که انت عهد بنده و ان به خوف و استغفار
توبیده بنیک لیکر نور که هر یک دنیا و صدقه بهر آخرت و نیکار
بولور آفته قاب و قیلور دیب

اینتی لاریجیم بر تنه تر کیلکده بر کار افضل دورینک تنه اولهلمه

ده بر خانده بر خضر رسول علیه السلام استوار ارا که فرشته اری او تو

نیز اوله لاریجیم صدقه بر سه تا نکلایه تا بروینه بر فرشته تقدیر

که ای فرشته اوم پسز لاریجیم او لک او چهر براته و نیافته کولکل بر

بو عیارتلار که قیاسیز لاریجیم او چهر تفراق دورینک

حساب و وفایه با دیلار و آنچه مقدار مال کاند

که خضر رسول علیه السلام وصی اوله بر لاریجیم اول

مال نیک تو لاریجیم نورا لیدیلا رسول علیه السلام قول لاریجیم

اوز ایتیه بر چیده آل دیلار ایتیه ارای صی لاریجیم نیک

جایم ایند قبصه قدر تیده دور اکر عبد الرحمن اکر تر کیلکده

بو چمدینی بر سه به لوق ابرو کوشه مالینه جا صدقه بر کما

درین رسول علیه السلام ایتیه لاریجیم کتیه نیک روحی او چهر

عشر صدقه

تسیر صدقه برین حق پرست و تقویان قندور تیش بند کیشیم هر
مهره بند فولید عبرت بخش ده نور بولغا و همه شیشه لار بولور لایق
اول بنده بند کور یغنه ایب کیم کای و اتقیار آپم حکیم ای فرزند
پویدیه لار آپ کافلان ایبار و دیگار ایند کور کور کور کور
وقت دیک روشن بولغا اول بنده خورشید حال بولغا حدایتعا اول

بند کما بند کیم ای ویند چور هر کای و جدر کما پشت بر امتا قیل
کای آن راقمی نیک حله کیم کای
هر دم جلال بادش ظالم آپ اول آنکام قبله خضر و فرغ
قیل خدایتعالی تا بشور استم لیتقی قبله هر اوق دور تو کور
درم که خدایتعالی بند بولیده صدقه قیلغا نیک

اگر ما رویند ایزد درم بولیه هر درین

اگر ما رویند ایزد

صدقه زاردر کیش نیک سید در معنی و بیجا هر قدر در زمین نام او یک

نمونه از وفای این بابا ای که تمام قیام خداوند

بولد که سید در مزار هر کیش صدقه بر ماند تهرین انداخ کنه

وین بار بولد ای که هر خوت نیک بفرغ وید که مای تو سولگای

آلتی کرده دور که خدا بیغای است

نیک سید پیدده او روی سرور اندیز بولد که بولغای قیام

پس لیک که آه ای او شاه او را ای کچی اول کیش که مسجدهای او

بهره و عفا و در امر حق به بار کوشک بسجده نرور او و حج

اول کیش دور که خدای تعالی کور یا و قیل دور خدا بیغای

نیک سید هر بدین قور قور تولا بیغای بدور تور تو نچی اول

نیک سید محف خدای او و چون بولد کیش که و سول بیق

قیلا دور پیشی اول کیش که یا سول بیق صدقه بر دور

آلتی

تعالیٰ
الشیخ اولیٰ بنیادیکه خداوندی بود تو بگو که ما هفتاد و دو روز بهالت

کرده فیات نورانی عزت و شکر است پس بدو با تقای

صلوات و روزه و تعالیٰ الصابره و اجرام بغیر حساب یعنی برادر

خدا تعالیٰ صابر لاری غم پیشت ده نوبت با بخت پهلوانی

که بر کز نهای رسول علیه السلام آیت لاری توست نرسد به نیت غم

فخرینه پس تو در اول نام او چلیقنی سپهسالار تو نماز اینچی

بالا لاری غم بر صلیف او چون شیخ بهمان صدقه فلفله تور توبه

هر دو کا و هر رنج کا در معصیت غم اگر چه هم خار لیغ دو

انگام بر قید حق تعالیٰ بود برادر کسانه لاری غم تعالیٰ

میلور وینر اول علی بن ابی طالب آیت لاری قیامت ده نوبت

لاری تمام این کیشنه فرزند لاری اول کما بولیه آنگاه

میر و فرزند قید و اجازت در وقت است اول امام فرزندان
کجا و کجا و چه مرتبه ایستایا که بار خیل بهشت است
اول فرزندان ایستایا با و پس فرزندان فرزندان است
لا ریبک یا رسول الله پس از این بهشت است که فرزندان را بتو لایق است
میر و فرزندان بهشت است قیامت است که هر که خیر بدین فرزندان
لا اله الا الله محمد رسول الله یا بیکل کای کای
سینه اولی که بافتند و دید پس آنان را ریخته بهشت
آیت کبری که لا اله الا الله که گفته ایم صریح است که آنجا آخر تو
بولغ بیک خدایتعالی است ای بیخ لیت و نیز آمانه نوتوای
و هر گاه که آنرا بیخ کج است کای اما تعذیبنا مظلوم در غم زاری
اولی که آنرا تر فرد هیچ نمرد خدایتعالی غم ایکنیم سید

دوست لاف

و در این زمان که در وقت نماز قبله ای یکی از اصحاب

و حضرت رسول ص که از آن نقل کرده است

و فرمود که در آن زمان که در پیوسته زار و در آن

یغلا و دیار عبد الرحمن ابن عوف آبتی لاری بر پول الله

بغیدیه منع قبایل پزار و لاری و پزار و پزار و پزار

آبتی لاری و پزار و پزار و پزار و پزار و پزار

بوشاق و رحیم دل یعنی پزار و پزار و پزار و پزار

قبایل وین و یقار و شاق وین و کوسپیک و در واقع پزار

قبیل ریم و دیدیلار هر یک یک سده اند و این قبایل

نود و هشتاد و یک و در فرشته لاری آبتور لاری و

نکما نوحه قبیل اول دنیا قبیلانند که سوندریم معلوم

الحنفی و در پیلا قیدی بوا بر و بکده من خدای تعالی بنده من
 بولد خدای بوقند و محبتیکه ایچم دور هریم منینک قضا من
 لافسی بولایه بر ما نیتیم غم شد قبلا اول منینک دوست لاری دور
 به تمام غم لافسی اولی و بلا منته بر قبلا اول منینک نیدم ای بیایس بر
 نیک لاییدرین جفتی پوسن دینا بولد خدای تالپو وینه
 لبول علیه پستی لاری که هر چه جزع و فرغ قبلا لاری معیت
 نوز اول اعیتبالا ایچی آخر وقتیده لای ای نینه اول لاری جزع
 و فرغ فی شوم لو غیدین نغو و باد من ذالک الله اعلم بالصواب

بسم الله الرحمن الرحيم

جمع نیکر فیله تیده دور قوله تعالی یا ایها الذین آمنوا إذا
 نودی للصلاة من یوم الجمعة فاجتنبوا الذکر الذکر و نور

البيع لولا انكم تعلقوا هذه الامور
اعظم اندواستور لار كيم اي اولاد كيشه لار كيم ايها كليم
ونيك لار خدا نيك غم بر وقتا كه اوان آيد شماز جده او چو پد
سپار نيك لار غير از صلواتي تهر تليلكم لار او مجلده دينار
ايشه حرم بي اولاد قيدك كيشه دنيا ايشه كاشول
خداي تعالي غم خالصي بر سره ارجونكه جده عهده هم كو لار
به روز نيك رجه كونه خيد رسد دين و روز غير دين بهار
قدور دنيا ده موند لار نه ويد نور بهشت خلقه عدو
به كيم آذينه كونه بيش تر به حضرت رسول عليه السلام صلوات
ييا بيش بلغي كونا بينه خداي تعالي مغفرت قبول و بين رسول
ايلا آستور لار به كيم آذينه كونه آن آنا پيغه قبرينه زيارت قبله

ایک صحیح بیخوابی بنو لاری خود سراق اولدور که آؤرینه

کوردوزون اترغی بیخوابی باشنیه انکاسم قلفای که جف

کوردوزون اترغی بیخوابی باشنیه انکاسم قلفای که جف

ایک صحیح بیخوابی بنو لاری خود سراق اولدور که آؤرینه

کوردوزون اترغی بیخوابی باشنیه انکاسم قلفای که جف

ایک صحیح بیخوابی بنو لاری خود سراق اولدور که آؤرینه

کوردوزون اترغی بیخوابی باشنیه انکاسم قلفای که جف

ایک صحیح بیخوابی بنو لاری خود سراق اولدور که آؤرینه

کوردوزون اترغی بیخوابی باشنیه انکاسم قلفای که جف

ایک صحیح بیخوابی بنو لاری خود سراق اولدور که آؤرینه

کوردوزون اترغی بیخوابی باشنیه انکاسم قلفای که جف

یا کند زری قیلپ خلق از کاش بر نور و راه پو ابوالکاسر
کامی قلمپ ان شاء الله تعالی فصل در بیان عیش و شکر
پیانیده دور یعنی فید تیده دور حضرت رسول علیه السلام
اینکه از هر یک عاشر رکوع روز و نوبت اینده از نماز که پیش
یوز پل خدا تعالی و عبادت قیلن که بر که برابر بود لغای نو
ندوی روز و نوبت اول بود لغای که اول است و وقت قیلن
و انکار حکمت قیلن که هر وقت نوبت عاشر رکوع روز
نوبت نماز اول است که خدا تعالی اول نماز است هر وقت محبت
په عمل نماز اول نماز ~~در هر روز~~ نماز نفل است
کافی هر که عقیقه فاتحه و غیره کین یکم به پیش هر تبه قبل است
آوردن او قوی است سلام بر کسان کین یوز مرتبه بود عا

بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله رب العالمين
الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا محمد
الذي جاءنا بالهدى من بعد الضلال والهدى من بعد الضلال
سورة ورحمة ربك رسول عليه السلام آية الله في العالمين
مبشرون بالهدى والهدى من بعد الضلال والهدى من بعد الضلال
كفر طاعتك من بعد الضلال والهدى من بعد الضلال
اول نبوة منك يا محمد اسمع ليدعوك يا محمد
باشي وبارك اسمك يا محمد اسمع ليدعوك يا محمد
تقبل دعوتك يا محمد اسمع ليدعوك يا محمد
صلاة ابراهيم خدای تعالی انبیا ورحمة ربك
بند حاجتین دنیا و دنیا و دنیا حاجتین کوز و دنیا حاجتین
قیمت و در رسول علیه السلام آیه الله که غرض تو بیدار و

با دور که از بیخ حسد ویران اول دریا و هر درخت و درخت
از نبارش و هر در اول درخت بجز باشد و هر درخت در اول درخت
در اول درخت که بندگی و صدقه اخلاص را صلوات
بندگی در من بر هر چه صلوة آیه اول درخت و در اول درخت
اول درخت در یاد خود صلوة آیه اول درخت و درخت و درخت
پس کتب قیامت قافله فطره اول قوشین توکل
بر فرشته خلق قیامت اول فرشته لاری قیامت صلوة
ایقده و فرشته قیامت ای بجز اول صلوة و در اول
راق عمریه بوقر و هر چه برات ای بجز ای بجز ای بجز
ای صلوة آیه اول درخت و هر چه بجز ای بجز ای بجز
کشته بول قیامت و هر چه بجز ای بجز ای بجز ای بجز

زین رویت در اول ایام از سالک هر دو مرتبه هر یک
شماره صلوة ایبار فرشته دور که بدو کت موه کل دور
از دور اول فرشته ایتریب بند مرتبه صلوة آیتورا
ایمان بند فرشته لارا الشیب اوچ بند مرتبه صلوة آیتورا
لارا آندین خدی تعالی آیتورای فرشته لاریم میند کینما
چنین تعظیم قبل از آنکه استیسی او را هر دو مرتبه لاریما
قولون کلام و گواه بدو کلام که من آنکار حجت قبلما
و در نیت پریشته ده قبلما

شماره لاری پیانیده دور یعنی عدالاری آیتورالرقالجه
علیه السلام اعانتار الصلوة فکایه قلندی وقترا مع الا
نبی الف مرقد و من پریشته اما فکما نامیدم القیمة

الف تره بود حدیث نیک معنی بی اول بولور که رسول علیه السلام
آیت لاریشیکه نماز خیار بر پیشتر بر سر انداخته بود و
منی و سینه پلیر لاری اولتور مانند یک بولغا و هر کس همانجا ایستاد
هر چه نیکتر قربان باشد بر لزه زنا قیفا نذیکه بولغای و
نجه نماز غیر بر لوقه سپور بر سه مرتبه خانه کعبه یعنی روز نیک
بولغا
عم من احقر سبعین من جفاوز
سبعین یکر اقل بین ملکا مفر بانه و العلو و بعد
منی چه اول بولور که آید لاری رسول علیه السلام که بر پیشتر
نجه قران کویدور سه و نیمیش مرتبه قیفر لزه زنا قیله و
نیمیش مرتبه قریش نکر اولدور سه مرتبه هم تابوی فقه
یقین راقی دور کار العلو و نیز انکلاهی بی نایقور

و سنه اول

و در روز چهارم از این روز که در کتب اخبار آمده است در وقت عصر که آن روز
در روز چهارم از این روز که در کتب اخبار آمده است در وقت عصر که آن روز
در روز چهارم از این روز که در کتب اخبار آمده است در وقت عصر که آن روز

خداوند عز و جل در این روز که در کتب اخبار آمده است در وقت عصر که آن روز
ای فرزند آدم از شهر رنماز که در کتب اخبار آمده است در وقت عصر که آن روز
شورای بسیار دور از حرکت قبلند آنکه در کتب اخبار آمده است در وقت عصر که آن روز
خدا را در کتب اخبار آمده است در وقت عصر که آن روز
برای این چهار نماز همه او تدبیر آن آتی فرستاد بولفا باشد آنچه آمده
قوی و در وقت عصر که در کتب اخبار آمده است در وقت عصر که آن روز
که خداوند عز و جل در این روز که در کتب اخبار آمده است در وقت عصر که آن روز
آری از اول کبریا من مستدر همیشه نماز را در روز اول کبریا
جایگزین نماز را در این روز که در کتب اخبار آمده است در وقت عصر که آن روز

نقل دور که بر کوه پندیده در این عالم چه دریا و دریا
ایر و یار با لبق لاری که در دماغ که عذابده دور

لا در علی علیه السلام ساجت قلیب آیتی رای بار علی با لبق
عذابین پلا یک نه سبب وین دور ندا یکدی که تا موپه عصا کنه و عا
ساقیل عصا لایق صر یحی پالد لار با لبق لاری پوز کابره و یار
آیتی لاری مو پوز کابره کجه کانه شتی بنی اغیریق ایسا اول

کیتسه پنماز ایله آیتسه زما تیب آلیب صبر یاقه تا راه دی

اول تیشنه بر بالیغ بوته آیتسه شریفیدین زیمه بالیغ لاری شوی عذاب

غم کفر قمار بولد، لاری وای او ا کیتسه لاری که قمرینه بی نماز غم

بیر دور لاری او غلیظه بی نماز قمرینه آیتسه دور لاری اول

کیتسه که بی نماز قلا بقل بدور وای اول کیتسه لاری که کورستان

لیق غم بی نماز کور و دور لاری وای مینلر ویکه بی نماز لاری

بگویند که این بطن و بد بولغای پسران را که خلق تعالی آید دور که
و اینست بعضی از آنها که بعضاً واجب است که ان کل لیس فیها

مکرر است و انستو الله عیت نور است و نور اول است

نفاق نور اول است و معیت نور اول است و نور اول است و نور اول است

اول دور که کمره یا غیبت قبلا دور است و این است

قبلا دور است اما این است که غیبت قبلا دور است و این است

آینا دور است و این است که دور است اما نفاق اول دور است و غیبت

قبلا دور است اما این است که دور است و معیت اول دور است که کمره

غیبت قبلا دور است اما این است که دور است و نور اول دور است و این است

وظایم غیبت قبلا دور است و این است که غیبت قبلا دور است و نور اول دور است

غیبت غیبت قانع گناه دور است و نور اول دور است و نور اول دور است

رحمة الله
بسم الله

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
الطيب الطاهر
الذي بعثه فينا
مبعوثا رحمة وهدى
للعالمين
اللهم صل على محمد
وعلى آل محمد
الطيبين الطاهرين
الذين هم
البرية الطيبة
والعالمين
اللهم صل على
سيدنا محمد
الذي هو
البرية الطيبة
والعالمين
اللهم صل على
سيدنا محمد
الذي هو
البرية الطيبة
والعالمين
اللهم صل على
سيدنا محمد
الذي هو
البرية الطيبة
والعالمين

کتابخانه

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
الطاهر الطيب الطيب الطيب

وآل بيته الطيبين الطيبين
الطيبين الطيبين الطيبين
الطيبين الطيبين الطيبين
الطيبين الطيبين الطيبين

الطيبين الطيبين الطيبين
الطيبين الطيبين الطيبين
الطيبين الطيبين الطيبين
الطيبين الطيبين الطيبين

الطيبين الطيبين الطيبين
الطيبين الطيبين الطيبين
الطيبين الطيبين الطيبين
الطيبين الطيبين الطيبين

الطيبين الطيبين الطيبين
الطيبين الطيبين الطيبين
الطيبين الطيبين الطيبين
الطيبين الطيبين الطيبين

الطيبين الطيبين الطيبين
الطيبين الطيبين الطيبين
الطيبين الطيبين الطيبين
الطيبين الطيبين الطيبين

ایضا در این کتاب در باب اول از سبب که در کتب حق و در سبب
مجلس دور بر سبب سابق بر اوست لکن در سبب
الیکر یعنی سبب لکن در سبب اول که در سبب لکن دور
اولا در دو اوج سبب است آنرا بی راضی اولی خداوند تعالی است
اولی در سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
بیت الله تعالی که در سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
در سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
بر اولی سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
لکن سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
مجلس سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
بر اولی سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب

قیامت کند

فیه شکر و در آنجا اولی قول کنیک اولی در سجده و در سجده ۴

فیه شکر و در آنجا اولی قول کنیک اولی در سجده و در سجده ۴

اللهم ربنا انت اولی

اللهم ربنا انت اولی

اللهم ربنا انت اولی

اللهم ربنا انت اولی

اللهم ربنا انت اولی

اللهم ربنا انت اولی

اللهم ربنا انت اولی

اللهم ربنا انت اولی

اللهم ربنا انت اولی

پس در شب که بیدار بودی و در آن وقت که در خواب بودی
راستی را در خواب ببینی و در آن وقت که در خواب بودی
ببینی که در خواب در آن وقت که در خواب بودی
خواب در آن وقت که در خواب بودی
آنکه در آن وقت که در خواب بودی
بر آن وقت که در خواب بودی
روایتی که در آن وقت که در خواب بودی
علاوه بر آن که در آن وقت که در خواب بودی
چنین است که در آن وقت که در خواب بودی
اول مکانی و در آن وقت که در خواب بودی
پس اول آن که در آن وقت که در خواب بودی
آید و اول آن که در آن وقت که در خواب بودی

باز در این وقت که در این راه بودیم که قصابان را از اینک جدا
دو درین دو شخص را در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که

ای یک خدایا قیام و شکر و الحمد لله که در این راه بودیم که
انچه با این معنی ندا بود اول کشته لاری که شرا از اچیب است یا تیب

ولواط قبل نماز بود لاری که من که خداوند ترورس مندی نور محمد
لاری تو توند اولار که شکر بطن قدری بر لاری نور عکا ایلت یا شکر

دیگه لاری نقل در راه بودیم که پیش برده باد قیام
شرا از اچیب در دیسیریم شرا از اچیب است یا تیب اولی

کافی اولار که در این راه بودیم که آیدیلار نور
بیشدور که بهشت بوینه ایلک اول بخیل ایلک زنگا

او چو بی معنی خواتونیم هر کیشیم بر نیز قدر و سنجما
دین نور تو خورشید است خوار بود نور و کاشی بهشت

اصلا به معنی

بم خلقه شمس و نور و قوس و یحییٰ عمر و قمر و یونس و اویس
پل ما ییده برکت قالین و صرافین است بهفت ایچینده نماز
نیک بیانی ترور رسول علیه السلام برکت شنبه نماز
رکعت نماز او تا به ایلی سله به هر رکعتده فاتحه وین کین قبل
ایها الکافرون او قوس نماز وین کین هر سه آیت انکم
او قوس خدای تعالی انکا بود نیله غنی ایبر خاتون او اولاد
یل یغنی عبادت وین برکای و هر سه یکشنبه نماز
او تا به هر رکعت ده فاتحه وین کین هر سه اسد الرسول فی
او قوس خدای تعالی تر کین وین قبل غایب کین
برکای و هر سه شنبه نماز ایلی رکعت نماز او تا به هر رکعتده
فاتحه وین کین او از مرتبه انا اعطینا او قوس نماز وین کین
بیغفر اویم او از مرتبه صلوات او قوس آیت خدای تعالی او کینک
مشت ده

کوشی بر کتابه

کوشکی بر یک اول کوشک برداشته آف سرفارینیز بولغای اول

کوشکده بیستی ای بار بر قزین التوغا دین بر لوموشدین هر

زمر دین بر از بر جد دین هر یا قوت دین هر نور دین بر شک

خبر دین و بر او پیده بر تخت و هر خنده هر چور بولغای هر کس

سپه اول انکاپسز او اربولغای ایلی

رکعت نماز او قوسه اولی رکعتده مانجه یادین کین

والتسلی ایلی رکعتده فاتحه کین پوره اخلاص معوذتین

هر سه او قوسه پسلام بر ساندیم کین یوز مرتبه لا اله الا الله

و الحمد لله رب العالمین اول بنده کاپسز ایست یوزیکه

ایلیک آچقای هر اشیکده بن خوالا هر کیمای و هر کیم

چهار کونای ای رکعت نماز او قوسه هر رکعتده فاتحه دین کین

این مرتبه پسران و خاندان او قوی است و بیعت با ایشانست قبل

فایز که نویسد بر کای مینکند خرد کن این عفو بیله و در هر مرتبه

ایک رکعت نماز او ناسب و آنچه در این مرتبه پیشتر است و در هر

صوت او قوی نماز دین پسند ایک مرتبه استغفر الله ایک مرتبه صلوات

آید پیشت ده شهادت بنا قبول است بود دنیا چه بیند بر این نماز

ایک رکعت نماز او ناسب هر رکعت ده فاتحه

در این مرتبه او چه مرتبه پسران و اخلاص او قوی نماز دین است

بیست مرتبه یا یوز مرتبه یا در چهل یا در هفتاد یا در صد

دو رکعت او تو دنیا آرد و بیست مرتبه ایست الله تعالی

در هر مرتبه او نماز او ناسب و در هر مرتبه او ناسب

لا اله الا الله او ناسب و در هر مرتبه او ناسب

کعت ده فاتحه و در هر مرتبه او ناسب پیش مرتبه از اول نماز الی

او قوی پس سلام و در هر مرتبه او ناسب یا در هر مرتبه او ناسب

والا ارحم الراحمين **عَلَّمَ عَلَّمَ** وَرَبِّهِ خَلَقْنَا شَرِيحًا

بَعْدَ مَوْلَانَا وَوَعَدَ رَدِّهِمْ آتَانَا بِسْمِ

رُوحِ رُوحَانِيَّةٍ مَعْرِتِ قَلْبَانَا وَبِرَبِّهِ دَعَا قَلْبِي سَبَّحَ

وَبِرَبِّهِ سَبَّحَ بِسْمِ رُوحِ رُوحَانِيَّةٍ سَبَّحَ بِسْمِ رُوحِ رُوحَانِيَّةٍ

فَانْتَبَهَ بِمَا كُنْتُ مَرْتَبَةً بِرُوحِ رُوحَانِيَّةٍ اَوْ قَوْلِهِ سَبَّحَ بِسْمِ رُوحِ رُوحَانِيَّةٍ

بِسْمِ رُوحِ رُوحَانِيَّةٍ اَوْ قَوْلِهِ سَبَّحَ بِسْمِ رُوحِ رُوحَانِيَّةٍ

تَوَانِيهِ بِرُوحِ رُوحَانِيَّةٍ اَوْ قَوْلِهِ سَبَّحَ بِسْمِ رُوحِ رُوحَانِيَّةٍ

بِسْمِ رُوحِ رُوحَانِيَّةٍ اَوْ قَوْلِهِ سَبَّحَ بِسْمِ رُوحِ رُوحَانِيَّةٍ

فَانْتَبَهَ بِمَا كُنْتُ مَرْتَبَةً بِرُوحِ رُوحَانِيَّةٍ اَوْ قَوْلِهِ سَبَّحَ بِسْمِ رُوحِ رُوحَانِيَّةٍ

بِسْمِ رُوحِ رُوحَانِيَّةٍ اَوْ قَوْلِهِ سَبَّحَ بِسْمِ رُوحِ رُوحَانِيَّةٍ

تَوَانِيهِ بِرُوحِ رُوحَانِيَّةٍ اَوْ قَوْلِهِ سَبَّحَ بِسْمِ رُوحِ رُوحَانِيَّةٍ

بِسْمِ رُوحِ رُوحَانِيَّةٍ اَوْ قَوْلِهِ سَبَّحَ بِسْمِ رُوحِ رُوحَانِيَّةٍ

کجه چاهي دکت نما اوتوب برکت و فاتحه دين کين برتر

ان الله لیس فی اوقوب نماز کين بوز تره ما اوقوب نماز

آيت کما لا رينه و قلوب غای و اندر راسی و اوقوب نماز

بند شيدنا نوانچه برکای و بند فرشته موب بيش نوانچه برکای

و بند هر کجه بيش ... کجه بيش نوانچه نماز اوقوب نماز

فاتحه دين کين برتره قل يا ايها الناس اعرفوا اوقوب نماز دين

بوقا بوز تره استغفر الله ايه خدا تعالی بر جا دار کيم دينه

در آيت کجه بيش کين آيت اعمالي بوز نماز و هر کجه بيش

هر کعهده فاتحه موب کين برتره

و اوقوب نماز دين بوقا بوز تره کجه بيش نماز

انعم بقره اوقوب خدا تعالی هر کجه بيش کين بوقا بوز تره

بر سر ايمان

میتند ثواب این نماز هر یک نماز غفلت و بی پروایی و تروین
ایستادی توت رکعت نماز او تا به هر رکعتی فایده دین او ^{بسیار} بیشتر
پس در این حال هر قوی نماز و بی کین او ایلی مرتبه استغفر الله
من کل ذنب التوبه الیه در این دعا بود غایب او کج بود نیز از هر نماز
او تا کاندید بولغای و هر یک آفت نیز و بوی چاقو که اولتوبه
ایلی رکعت نماز او تا به هر رکعت که فایده دین او بیشتر
پس در این حال تا او توبه خدا تعالی بر رکعت کا او نوز سینه ثوابی
و هر آیت هر هشتاد و هر شهری بنا قلفان شهره و بقل او روز شمشه
قلیت برای رسول الله علیه السلام
بده هر یک خدا را رسول الله منکابر نمرد او را تا تید من آله و
انبیای و ثواب تولا الای و مشرف بود ای و بدر رسول علیه

آید و افتاب حیات و قیام
بیرا الله والله البر والاحول
والشیر او قوی خدایا بیکر
که آفتاب است در آفتاب

پس آنچه بخت لب و عوا
یا علی بی که بولاد ورتا
بده عشق او چون تلوه نور
بهرشت که اخلو لغوی

بشکوه قیامی که در این
برینچه این سر بهی آن
بلفیله قمران تمام آفرینش
بشیر او قوی بر بنده آذر
صلوة آیت پرفت بوزر
لا رفة صدق قبل غایب

بدرنگان که با کلام شریفی و بی مزه و تشویق شایسته عبادت
میکنند که به لغای هر کس از پیوسته پوره اخلاص او فریبند
اما به لغای و لغای

هر کس بدست قلیه تا وقت ده هر یک سوره خدا تعالی بلا و قضا
درین امر قلیغای و سر مغالطه دین او حفظ حاشیده
بند فضلیده سوره سوره
بمغلافا

آیتور لا اهل بی بی بعد از حقیقه هر دو در عالم ایدی بنام
اوست لاریک کاتو حفا آلیت غیب من ایتم ای بار خدا با
نیمه آلیت بی خدا تعالی ایدی که آیتور است لاریک
هر کس از پیوسته قورق و عذاب و درین قورق و قورق
قورق و عذاب و درین قورق و قورق

قل
در

يعني ورد في كتابه في بيته ذى العرش العظيم سبحان الله

لقد هم سبحانه ذى الفضل الكبير سبحان الله العزير العظيم

الله الرحمن الرحيم الرحمن الرحيم

لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم

الشيخ باقر الخايمي انما هو توفيقا لزيد بولغاني

سوره مرتبه آية الكرسيه او قوه السجده السجده الجيده

واعوذك من النار وبيدها اتعا انما هو من جن جنات

سوره ايجي سجد قبله اول سجده

دنيا مرتبه سوره موسى ربا لئلا يكونه والسرور دينه

سجده اربع مراته مرتبه وينزل على الملك الذي

لا يموت في الايام الا محمد ربا العالمين وحيه خديعة

سجده يعني نماز ثوابه برضا ان يكونه اعني السجده

وسجد السجده

سینک سید...
لا الہ الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین
بیت مرتبہ ہوا آیتنی اوقوہ خدیجہ

وربین نعلونہ اقتدین اور حفظ جامدہ سقلا نازق روہی

انداع ہر دم بتکای ہر کس خلق شتہ ہوا آیت ہر نور

ومن یتوکل علی اللہ فہو علیہ ان اللہ بالیح

امرہ وہ جعل اللہ لکل شیء قدرا ہونہ تمجس

میرہ لاجولہ حلا قوۃ الہ بالہ علی البیاض وینہار شین دینہ

ہونہ ہمیش مرتبہ حلا آیت نماز ویم دینہ ہونہ ہمیش

مرہ بقدر اللہ دینہ نماز م دینہ ہونہ ہمیش ہونہ الہ الا

محمد رسول اللہ دینہ نماز خفتش دینہ ہونہ ہمیش ہونہ

پس جان الله والحمد لله في الصلوة التي فيها نعيم بو اوراد في بيت
بمخزومه اورى كادر وقيل اسمها وزينت اهل شريفه بخدا
اورى ما يده سفلها في سبطها انما يقول تا معفاي ونور نعيمها
جلاله هو آية او قوله يا نبي عداي نسا اية نيند فرست
به يورج انه انى هروريش قبيلت لار و همه فتنة و افست لار
و نيا نيند كنه قفا پيدى امانده بولغاى اثر اول نيم اول شهيد
اولى كفاي **شهد الله ان لا اله الا الله والحمد لله**
راول العلم قائم بالقط لا اله الا الله هو العزيز الحكيم
الذين عند الله لا يبلى
الله اهل له الاسم الابجد و بلامت لا يلام و بيا حسن المنزلة
والعصمت والغفران انذبهن حميد و قيرف و نوحا صبحا و قور

محمد ار حيدر

ووجه تسمیة این رساله بودی اولی و دوم

در ظاهر آنرا لایزال است که شرح قید بولس الحرف غرض الیه است

در بیان امور عذاب نور است ^{چهار}

اولی آن فرض بودی خلاص بودی ^{در نور و سوره جان}

العزیز الجبار سبحی ^{لکن انت الحدیث} لکن انت الحدیث

لقد یا عالم الیه و الخفیت یا غایب الذنب و الخفیت و یا قاضی

الیا و یوم جمع الدنوت اجینا سعیداً او متا و اسما شهیداً

و احسن ما فریق العدا و شهیداً و اقدر المنا و سعیداً و متا ^{عظم}

یا بصیرت الیه بحکم الله یا رحمن یا رحیم یا رحمن یا رحیم

او صواب ^{عظم}

یا بصیرت الیه بحکم الله یا رحمن یا رحیم یا رحمن یا رحیم

آمده بولغاى كلمت بوز رال قىدا ندى اجدى بعدى

والله البعث وانشاء

بجملنا انوشوا

ايچ نرسه چاق قىلما و قىلما

بىكوسىلكاي اىوز بىر بىر شىركل قىلما

دنيا بىر اىدى تا ما شىكلى سىن شىر ما خلق

بىر نرسه بىر اىدى تا ما شىكلى سىن شىر ما خلق

بىر نرسه بىر اىدى تا ما شىكلى سىن شىر ما خلق

اوقوب چىللا دىر بىر نرسه بىر اىدى تا ما شىكلى سىن شىر ما خلق

دعا بوز بىر اىدى تا ما شىكلى سىن شىر ما خلق

ابجلاال و اكرم اللىك بىر اىدى تا ما شىكلى سىن شىر ما خلق

بىر جىنتىلار رحىم اىر رحىم

اول تشبیه فریو بود جا او

فوق شفا بقای قدره اندی آتش کرم و جعل هم اربع والا

بقا والا فنده قلبه ما تشکرو ^{حلاله الله ما}

حلاله الله ما تشکرو ^{حلاله الله ما}

حلاله الله ما تشکرو ^{حلاله الله ما}

السمع علم ^{حلاله الله ما}

اینکه چنانچه روابلور ایز فیل علیه چه آیتی لا ربنا ^{حلاله الله ما}

نکه خدا و دور من بر همه بواجب است لا برله یا و قید بندید ^{حلاله الله ما}

تبدار ایز غیر البغیم در شرتونا من که آنی ما جینه روابلور ^{حلاله الله ما}

ررابلور است بر پاد و جا بود اللهم ^{حلاله الله ما}

و با استیع اللعق و با اعظم الرجاء و یا ولید التجرید و یا غیث ^{حلاله الله ما}

البتغى اغشى يحيى يا قويم يا حنن يا منير يا الله يا رحيم
ويا سيب الاسباب ويا مفتح الابواب ويا مقاب القلوب والارواح
ويا بديع السموات والارضين يا ذو الجلال او الاله العظيم
الرحمن يا خلق الماء والطين وصلا الله على خير خلقه محمد واله
وامسى يا احمدين
سورة يودى شيب

بوره قريب اول ينزلها وقتها واقتدي من غيره قديم
وعلت من وسركه منفاها بين تنكركه من وابس ليق خذتها اوز
بنائيد وبقال اعاني از نك الله تعالى وعا بشور وولا حول ولا قوة الا
بالله العلي العظيم ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
المتعالي اللهم يا محمد الجبار ويا مقلب الحال ويا منير الاحوال
لنا هو يودى وسك بفضلك وسر ليك يا ذو الجلال والاكرام

وَيَجِيءُ الْعُقَلَاءُ مِنَ الْوَالِدِ الْكَبِيرِ الْمَضْعُ انْتِهَا حَيْثُ بَدَأَ الْكَبِيرُ

الْحَجِينَ وَبِزَوَاكِنِ تَوْفَعِي وَشَوَارِبِ بُولِ ذَا اِسْمَاءِ وَالتَّبَشُّطِ

اَوْ حَيْثُ اَوْ قَدْ اَسْبَغَ اَبْقَى بِرِ تَوْفَعِي لِنَا اِسْمَاءِ فِي يَدِهِ مَرَّ اَوْ

بِزَوَاكِنِ وَبِزَوَاكِنِ اَبْقَى

لِنَا اِسْمَاءِ بِرِ تَوْفَعِي اَبْقَى اَبْقَى اَبْقَى اَبْقَى

فِي تَمْرٍ اَبْقَى اَوْ غَرَّ اَبْقَى اَبْقَى اَبْقَى اَبْقَى

شَوْلِ تَمْرٍ اَبْقَى اَبْقَى اَبْقَى اَبْقَى اَبْقَى

اَوْ قَدِ اَبْقَى تَمْرٍ اَبْقَى اَبْقَى اَبْقَى اَبْقَى

اَوْ اَبْقَى اَبْقَى اَبْقَى اَبْقَى اَبْقَى

اَوْ اَبْقَى اَبْقَى اَبْقَى اَبْقَى اَبْقَى

اَوْ اَبْقَى اَبْقَى اَبْقَى اَبْقَى اَبْقَى

پسندم الا عظمكم سليمان منوره وهدم لاث

سایگی رنگت نماز او با پست تراویح و غیر اینها

نیت قید این که بعد از نفل برب از برای حاجت خود است

خواجگ ابو جعفر بن محمد رحمة الله علیه امین

سال منتهای اولی رجب فاشی در این روزها

نیمه قبله الله احدی کین رجب فاشی کین

در این روزها در این روزها در این روزها

بودی بوزیر او قدوس پونم در قید و محرم اول

کافرا بفرموده است ابو جعفر کیم بخار کتبه

والا لام من جمیع الفیوض

یا صد یا صد یا صد یا صد یا صد یا صد

محمد کاظم

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل في القرآن الكريم
آية الكرسي في قوله تعالى
وَمَنْ يَتَذَكَّرْهَا فَيَنْبَغِ
فَرِحَ اللَّهُ بِمَنْ يَتَذَكَّرُهَا
وَمَنْ يَتَذَكَّرْهَا فَيَنْبَغِ
فَرِحَ اللَّهُ بِمَنْ يَتَذَكَّرُهَا

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل في القرآن الكريم
آية الكرسي في قوله تعالى
وَمَنْ يَتَذَكَّرْهَا فَيَنْبَغِ
فَرِحَ اللَّهُ بِمَنْ يَتَذَكَّرُهَا
وَمَنْ يَتَذَكَّرْهَا فَيَنْبَغِ
فَرِحَ اللَّهُ بِمَنْ يَتَذَكَّرُهَا

اللهم يا ذا الجلال والإكرام
يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام
يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام
يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام
يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام
يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام
يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام
يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام
يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام
يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام
يا ذا الجلال والإكرام

يا ذا الجلال والإكرام

نجات بقای دولت زیاده بودغای

بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد علی الخیر بعد ربه الصفا

شفا من عذبه و ارزقنی رزقه حلالاً طیباً

جمیعاً سلام غایبین بولپوش بولکتاب

غدا درین بنگدی بعضی خطا لارینه راست قبله

بعضی لاریه کله بر کجه توریه لاریه خطا لاریه

لاریه لاریه توریه افلا لاریه ساوالاریه عین الیه

ببقای خدی خیر بر باد قبیل واران

ببیکریه یون برچراست نیتده حق الله

البرحمه بولک رحمت و شفقت قبله لاریه

بهر رحمت شفقت قبله غای علی قلیل

لا اله الا الله

ابسلام و کجای کتابه بیان قیلدی تا بنده ما و امیک
بار دور نماز و روزه کسین هرگز قوی بی امر نجه قلیب
نهی دین قاصبت لبان لار دور کو نماز ده بر کوان
هری در کجای شهر نینک پاوشا و پت قبتیغ صفت بوک
طیبلار کز عمارت قیلور در کسجه کشف اولدی و نیک
ی عمارت و دیوار و دیدار شوک بر سبز قیلدی کجای
هر شهر بوک خوراک قیغیل دیوار اندین کونک یاد
جانبین امید اوزدی و کوب بیلادی او ک زمانه
هری شهر نیده بر عابد بار ابردی قلیب زمان ابردی
پادشاه اولو کایقین بیقودون بولغا بار ب
لیغ پور سیکیز اول عابد صوفیاری بر بار

باری پادشاه شاهنشاهی پادشاه ایدسی من جا
نخبرن ایدسی از دیم موراد غولوب بیاتقو و او
لوکایمغنی بخش پیلور من دیدی اندون عابدی
براشیند کالیبور الکر قیلا من و پیک ایسی دی
باری پادشاه ایدسی ای عابدی نینگ کهر مجره و خیز
نمده بار بول کتیلور دیدی انده عابدی کاد صلاک
قالیدین بخش کورار مالینک بار مو دیدی هر می پا
شاه ایدسی بکرد منک طلام بار اول طلامین سچ من
نیز بر بار رضایا کین دیدی عابدی ایسی انداغ
بول شوال مالینک خدای رضایا او چون برکتیاد بول
پادشاه ایدسی بخش کورار مالینک خدای رضایا او چون

بره قتیغ بلادین خلاص بولسا و ب خیر کلا
 بروی بار بودید ای عابدی بی صفی بیجان قرآنه
 ضروری خور تعالی تعالی البرحتی تنقیف ایما تحبون
 بیغ بنیادیم کما حدیثیکه کویا بودی کمر پند خسته بند
 بیک فریغ پند قتیغ بلادین امان بولور سن و ب خیر
 بروی او شکر خالیه پادشاه بیکه منک طلائع الی بی بی
 اول عابدی بروی طلائع جماعت لاریغ بروی پادشاه
 اندرین بیونک اول بلادین محیدین خلاص بولسا
 خاصیت صدق شونداغ دور امور السو هدیغ عمر
 خصم عن کونلارده بزرگان اولتور و ب ایرو یار
 ان لاریغ پوز ایرو یار بیکم بیجان نیک اولو کویا

دین

اورما
 بورد
 اصرار
 اصرار

مالک
 مالک
 مالک
 مالک

صفا و او قویست چو خدا ان ایور و اول کشف نابین
او کتاب باری بر سر از روی ثواب بر سر قد میکا و شکر
که ثواب نماند ای علی نیز غایب است و ثواب جزیره
او قویخانه بود و مرده هم راحت است حضرت عمر
ناری بود و یار با عمار اول که نماز جزیره او قویخانه
او ادعوی بسیار است او را کان کان ادعوی حضرت عمر
اندر غایت خوب بود یار ضای تقال محمد علی السلام
بزرگ را است پیغمبر و سب سبب دور از اول از
صفتی بر میسر از شرف او و کان کان او ادعوی حضرت
لو که که جزیره او قویخانه بود علی ثواب داخل
دور خیره انفق و کان کتابه بیان قیدی در

پلنگ لار و کاه بولونکلا رقی پیکر پیدر و ماور
باز دور رسول خدا ایدیلار سمیت صفی همت نین
خلایق کراک و بیرون علی السلام پیچر علی الامنه و
صفت قیلور ایلی صفت همت سب باقا اقدیه کما
قیلور ایوی اول بور مویش الوردی پ رسول خدا
ایدیلار همت نین کت آبه اوچه صفی بار دور اول
همت نین صفی دوم و اندیش صفی بیوم مبلغان
لیقی صفی اول همت نین ایچ بار دور برسی همت صفی
ایک صفی و برسی مبلغان ایکی صفی و نینه همت نین صفی
بار دور کا فدر رقی پیکان دین در مود الو کونان
کتابه بیان قیلدی دین رسول خدا ایدیلار

ہفت روزہ ہفت روزہ اولیٰ صبحی دور اول شولہ در کرم
 شہ پر کمر پہ تیرا پہ و حاجت بول قرضین بول
 حاجتین رو اقلین بولیم او ایجا جار لاسہ پار بولیم
 بکار بول بول بولیم بولیم بولیم و مہر بولیم بولیم
 جہازم اولوں اشک بولیم بولیم بولیم بولیم
 کہ مہبت بالی تو تیرے تائیدہ تیرے بولیم
 شہ کہ خواتین اہ غول یا قریب پہ کہ خواتین
 بولیم اولیٰ قوائیب تیرے بولیم بولیم
 غرض عزالشہ اولیٰ قوائیب کفن قلب نما کہ جزو
 ادقہ بنا و فن فیاضی و مشغول بولیم بولیم
 ہفت روزہ غائب بولیم بولیم بولیم

نہم

نهم هفت به غلامت تو شب نصحت قلب تو
نکلیں اول سپون دهم دایم چنایه لاری کینه چنایه
مپون مؤلف روضت الناصحین دیوان صید
سپون فدای ای شریف بول بول شولار بر
علما یا شکر وی باره با کرب اجیدین اولایه
اولت به یانیدین صف اول شکر نیک با قور غان
بلا کور کور سببیدین خدای تعالی کتاب
قر کور کار کور دسی شکر با قور غان نیک
یا ویند اهل لاری اول علم نیک با علم نیک
ام و همگان قلب ضیافت قلب فرق بیق
عز این کور لاری دین کور کای بفضی انجوده است

دو دراد عذاب قبر کونار و دین در لار عام مؤمن لاری

عذاب قبر مؤمنین در لاری مؤمنی ریا انما یجیبون

قیل فی ان الی مالک رضی الله عنه روایت قبول

لاری او چه که در فدا دم لاری کوشش او غلام پریسنده

قیامت قائم بولند نه جاسی بر لاری اول میدانم

ادم لاری قیامت و هم اول که ضعیف غو مال قار و قز لاری

باش قال اول قیامت ای حال خاتون در رحمت قبول

پس اول قیامت ایار بخشه اوی شوال او بد در کینتم بو

له اول پیر غو بخشه بیوقیل قیامت ایار رحمت

ایمان او لاری اول او بد در پر کویم بو اول

نیم که کوه غور حقایق خدای تعالی اول لاری

لغت قید ریاض الناصحین ده بیان قلم
ی کونلارده بر پال رسول خدا دین نقد قید دور
لا یورون اولکلان زمانده بر عالم بار ایدی اول
برخیش مکتب توتو بار ایدی اول عالم بر بخش کورار
ایرک صصو صا بر بخش اول عالم درت اول کورار
له آرز برای خدای تعالی او چون گاه بفتح لار
بخ کونلارده اول عالم ز بایتی بارور ایدی اول
تعالی بر فرشتی اول کیش الکلان اول فرشتی اندین
پروال قلمه اسی آدم قید بارورین اول ایدی
عالم ز بایت قید بر بارورین دیدانه اول
فرشت ایدی اول عالم بر بخش کورارین سنی کورار

موردیدی اول نور حقیقت با مودیدی اول اول اول

صقم بوق وید ویز اول آدم صور تلخ فرشت ایدی

اول ملاده حقیقت بول با فرزندانش بول با اول

نه او جوان بارور سین دیدی انوه اول اول اول

کی اول عالیه نجی کور درین جلاهاد در پست تواری

انوسای خداداد چون زیارتی بارور درین دست انوه

اول فرشت بارک فرشتی خدای رحمت اینست با

شربت کبلیت دریم من او زویم فرشت این دیدی اول

عالیه دوست توکان او چون خدای تعالی بر عالم

هر آدم عالیه دوست انوت خدای بر اقرار همیشه

کمالا زنی فضیلت شونداغ کوب ایدیشما و خدای علم

بالهوب

بالصوب راوی لا اشد افع لیل غور و بدوردی
بر شهر بار ایدی ازین روز در سیر ایدی اول
ده بر وقت عظیم بار ایدی اوکل درخت کمال
لین وقت قبلیت ایدی اوکل زنی و سبب قبلیت
اوکل اول درختی بار ایدی انوشیروان
یغی برای خلاق اول مناکچه قبلیت لاری
که خا من ای که جهانده پزلانده بر تقارن الکر که قبلیت
وینا بلا سیدین پزلانده بقلا من دیس ای انده
خلاق اول فرمانده استبد هم دید پزلانده
خلاق اول در فتنه صاصقه داری ای
نادین برانچی کوره خلاق اول بود پزلانده قبلیت

پس چون دیدی بوفقی که امتحان بزرگ است قیام ازین پس
خلاقی که یک کعبه قیلا باشد و در لاشه و نافع بود که بود
خبر اطراف جویان که می آید و آوازه تو هستی آدمی که کرده
کرده که یک کعبه قیلا باشد و در لاشه و نافع بود که بود
و ابداً ای خلاقی که ازین پس بزرگ است قیام ازین پس
خبر و طعن قیام بجهت شوال در خنده بود و درین
جای که ازین پس بود و در این وقت دیدی بزرگ است که
قیام بزرگ است و در خلاقی که قیلا بر روی اول درخت
طراکوش بر روی خوب زینت لاشه و نافع است که
نیست اول درخت که یک کعبه قیلا بر روی کافر بود و پاره
اول بر روی بزرگ است و درین وقت دیدی بزرگ است که

ایرادی بر کون بالتره قولی فی الیوم اوله درخت قاشق بار
پیمان ازین اعتقادین اوله درخت دین قیدارین قرار
پالارین دین اول درخت اقلین باروی نگاه شیطان
اول صالح آدم اژاد چون کیدورین سلب اول کتبخ انو
دین حقیق و ایدی ای بنده خاصه انیش کیدوریم
اول عابدی اوشورختن کس کیدوریم خواجه
مراه بولور دینی اوش ویا شیطان لعین لیکه زبانه
دیگانه اول عالم ایدی ان اریوزاد چون امید قیلور
من دیدی اوش شیطان لعین ایدی ثواب اوی
کیار بولینک بر ثواب در کوناه کون بر عیان
نه باش غلغ ایستق قویای دیدن کس از فقر

میں نے اس کا صدقہ لینا کتابوں اور روپیوں اور ہونے
اور علم کے فوٹوں سے لیں گے اور جو کسی کے نزدیک
اولیٰ کے لئے اور کیا بار بار پڑھتا ہے ہر سال اولیٰ
بہتر اور ان کے لئے الیہ صدقہ پورا ہے اور ہر کسی کے لئے
اچھے اور اسی اور صلاوات اور توروں کے لئے ہوتے
دو اولیٰ مرد و عورت ہر سال کی کسی کے لئے ہوتے ہوتے ہوتے
آئیے اور دیکھنے سے یقین ہے ہر کسی کے لئے ہوتے ہوتے ہوتے
کے لئے ان کے لئے حقیقہ ہے اور ہر کسی کے لئے ہوتے ہوتے ہوتے
وہ ہوتے ہوتے ہوتے ہوتے ہوتے ہوتے ہوتے ہوتے ہوتے ہوتے
کیسی کہ کسی کے لئے ہوتے ہوتے ہوتے ہوتے ہوتے ہوتے ہوتے
ہوتے ہوتے ہوتے ہوتے ہوتے ہوتے ہوتے ہوتے ہوتے ہوتے ہوتے
تدین

ندین بولورسن دیب رفوزیدین اوتچی شکار
 شکارلر ایتوان کور ب اوله آدم قورقنجه واید
 سن کم موخه نکلنندوز ایتورسن دیدی
 لغین ایگی من برنجی سن دیدی شفت تاز
 اولار زار غورور من بود ختنه خرابی دور
 قیلورور این بردی در ختنه کی دیدی دینه اول
 ای ایگملون من کلکان ده نجه که غور خور ایق
 بر تیکر و نیک بو ایگانه موندای بوز ایتورسن
 دیدی انده شکار لغین ایدی سن اول کلکان
 برای خدادیون کلب ایونیک شکار ایتعالی
 سی نوز سن پسر لاریم بنده منک خدنت قلمی قبا

فرشته لاری یاری بریب هر پادشاه سپهسالار و سپه
من اندوه پشیمان تر نور که محال هم قلدری من سینه سوز
قیسب شک بر کاشم اول ابروی دید و لب اندی ایچدی
سینه که بو کله کله بنفک از برای یوق دیدی ایچدی
انان تورغانیکه و تانیل دیدی یوق است پادشاه یوق
سپه دیدی اندین بنو کله اول کیشی علاج تا بعدی
قتب کیشی شولا قولدر امر معرفتی خواجه چون قیل
دیدسی اول کیشی که ارواح طبر لاری و فرشته لاری بار بو
بور شواب کوب حاصل بو لورینه امر معرفتی قیل
غان کیشی علام لایق بره سوز ایغای فلا یقلا
رعینیز قراب ایغای و ضایق کونک بکلام بو
نغای

لنجا خدا درین قوت و قوت تو به قیلتا اینک او چون بر
مدر فنی عالم را بتی چون و چه بسیار استجب بن عالم الار
ابتی بن و چه بسیار استجب بن عالم الار سوزی اعتبار دور
و چه بسیار سوزی کما قهر کما کتبت و نیز رسول خدا ایضا
من جهان نغی پیغمبر بودم و بادش بودم دریم مرادیم
لیق تبت و چه بسیار را البتہ ہر او میک مرادیم و اور
و نیز رسول خدا ایضا بتی بیش ز یادہ ہوا بن خاش خلق
ہو کتبا ہی ہون قیلد مثل افتاب کوپ قارنہ ہون
قیلتا نزدیک و نیز رسول خدا ایضا کما عت لار
یختہ کہ ملا ہم لبق و در سچ امیر عالم سیر انبیا بود
و سچ عالم سیر اولیا بودی سچ بندہ شکار خدا سچ

ز قاشق پر اوزر بولو ربالا پس تا حکم ملازم بو
لی ویز رسوں فدا ای دیار آملارنی ملازم بقا بر
خلق قینیک لار سپکبار میان لبق قلیخان بول
اول یی نلیقنی شی لبقادفع قیلور یاز صحرای سوآن
پور دیار فلان خانان اوندور دزه کچی کچی نماز
ملازم بولو لیکن ملازم ای پس شی به لاری ایزر
دور خلق لاری اغیری تا دور اول خانان نینک کچی
ک حال دور دید یارانده رسوں ای دیار بل خلق
طاعت قلیب هم بوق بولو رالو شرع دور هم ایزا
کریه خلق قلیخان عبادان اوت او تنغ بوق
قلیان در بولو ریب بوق قار د عافا قیلور
ایضا

اسی خدا یا نیک امت را رحیم ملائمتی تو بدلتی از آن
 قلیغیا بد خلق لیک بلا سپیدین سقلا غیل دین علام
 لبقان شای اول بولور که هست اینی نماز دوزره خزان
 دور و ما فلان نیک شای که اول بولور که بحث
 اینی اشیک میان بد خلق لبق دور و عهد اعلم
 بالکتاب محمد الکتاب بیرون الام
 الوهاب محمد محمد ۱۲۸۸

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والواقيت للتمتقين والصلوة
 سلام على رسول محمد واصحابه اجمعين واما بعد

سپانے ہونہ بیان قیدی دور لار بور پانے تصنیف
تخلوچی خانہ خدا کہ عبد جہزہ آتایے حضرت
اچھوڑی مچھوڑی خاندور کہ بوکتا ہاروس اور
کہ کتاب ہم جید قیلان بور پانے راحت القلوب
ات قویہ لار بعد التوفیق انار ضوان قدر مقال
علم اجمعین کو بکتا ہارے تصنیف قویہ لار
اچھوڑی دور کہ انور جاہو یوقدہ یومیدہ دہ دکر
قلیب کتیلورومی اچھوڑی قرص لارہ واجب لارہ سینہ
لارہ سبھی لارہ مباح لارہ مکہ لارہ حرم لارہ
وہی لارہ حال لارہ ہونہ بیان قیلورہ رسم
بوکتا ہارے مقال قیدی کتاب نے ہم پہلی لارہ
فاتی تکر

تہ پستہ الکریم الکریم ایمان نبی دور
جواب ایضاً کہ تہ دور اول غیب کہ ایمان
تو بار دوم علم غیبند خالقہ و ابتداء
پہلے کہ سب سے جلالت و حرمانی حرام العلماء
قبلہ کہ سب سے جلالت و حرمانی حرام العلماء
سے غیبیوں کو رضو و باہر میں ذالک جہاں خدا
نہ عقوبت دین نور قہا قہیم خدا نے رحمت میں
امیدوار بولنا کہ ششم خستہ نیت و بیانیقہ ز خدا
تہ لادین پہلے کہ ہفتہ اور کوئی بعد از فرشتہ
پہلے کہ سب سے الکریم الکریم ایمان نبی صفات
نبی دور جواب ایضاً کہ تہ دور اول خدا تعالیٰ

ایمان کلبه یک دویم فرشته لاریغ ایمان کلبه یک سوم
کتاب لاریغ ایمان کلبه یک چهارم پنجم لاریغ ایمان
کلبه یک ششم قیامت در حق بیغی و در سینه ایمان
کلبه یک ششم بیغی لبق و جان بیغی در خدای تعالی در
بین پیمان هفتم اولی بر ایمان که ایمان کلبه
تو یک یعنی خدای تعالی ایمان کلبه یک اولی در
خدای پروردگار و در قیام دور و شریک بیوق دور فرز
ندین منزله در بی حاجت دور بر بنده لاریغ ایمان
دو نیز خدای تعالی یک ایچک دین کولان دین نصیحت
پار و ران فرشته لاریغ ایمان کلبه یک اولی در فرشته
و خدای تعالی بنده پسیدور که و کونند بنده چلبک

مشغول دور بر ساعت خالی بر سر حضرت لارنه

زود و ملوه و عمل لیکر و الیوق و در لارنه تکبیر کمال

از دور بطف حضرت زین العابدین دین برسی رکعتی عده

و بطف لاری کجی ده و بطف لاری قیامه دور

قدسه ده توت مقرب حضرت حضرت و بیکی و یکای

ایر قیل و غیر از آن صلواته فد علم اجناس

کتابلا غایمان کبیتو یکا اولد و کتایار

بسماندین توت لکان خدای تعالی کوز دور

غی علم قیلمان فرض دور کتایار غی قیل

من کوز دور مشهور توت کتایار اول توت دوم

زبور پیوم انجیل چهارم قرآن دور حضرت محمد مصطفی

یارت و رزق از شکر بخیز محمد مصطفی صلوات الله علیه
دو در هر چه پیش از آنکه مهر و مهر دور و دور بماند از آن
در بار که او را کونیک آید یک توغافان اید و پلار سید عالم
نه مبارک بهر دوغلا ریجا بند اید می و کوز لاری قرا
ایردان و پشاند لاری کتیک اید می کوزنه آخی
ایردی و قاشلار بیوشنت اید خوب قرا اید می و کفیلار
کتیک اید می و کفتیک کتیک لیک کتیک که بی محمد و
رسول علیه السلام عهد او غی دور عهد عهد
کطلب او غی دور عهد المطلب باشم ای او غی دور
المنافق ای او غی دور ای پیر عالم معجزه لاری
خواب غی رایت کتیک ای معجزه لاری اول دور

کافر لاری برقه بنی پوپ ز بر سر سینه رده اختصار
کولار خه قویسی انون پینک اختصار تناول
قول اوز انبلا قویسی اوز صیغه یا مچ لایو کله
فانی مچ مینه یغ یا مچ عیب نلار کافر لاری برقه
بیشور کان دپ اواز قیدی بو مچ لاری کول
تختی او بیلیک کافر مبدیان اولدی نینه بر مچ لاری
اولدور کما شرا اربیلین خرفه در فتح اوندی
الحلال اولکایتب میوه برودی ونینه بر مچ لاری
اولدور کسید عالم کی شطرن بازی برکان
ایردی سف لاری نسا اولدور صفحه آخر لاری
چه آقا صابت که ایمان کینور که اولدور که ارک

کلیورین

کلیورین ہیچے شک بو قدر کہ ہر کم شک استیور کافر

بولور نحو و نامہ من ذالک انوار کہ حق تعالی قرآن

بجیدہ باد قبیلین دور کہ قول تعالی ان الیٰہ علیٰ ائمتہ لاریب

فیہ ہوا آیت زنی معنی ہے شوال دور کہ راست ققائیل

شکر لافضایت کید یک شکر استیور یک اولاد کہ ہر شکر

دین وجود غنی خیر خیر لبق و مانیق خدا تعالیٰ

تقدیر و زندہ ان کے قید وجود غنی استیور الیٰہ اسیر

سکر انی حکمی لہر و ابولور مینک بود کہ تقدیر

دورانے بخت قبیلین بولاس ہر ان عقار انہ بول بول

قدر تقدیر اولوع در یادورانے تو بے بو قدر انام

جو پ لکراہ دور اندر غ لیم جفع مذہب لار قلو لار

تقدیر بود بر بندہ دین بر کمر چه و بود غم کیلاد
خواه این چه ایون کنایه فیلاما سپ اتا حقا پس بی
بندہ سیک عفا ریب دور اما حقا پس بی اولوب ترلی
حقادر خواه اوم لار صواہ پر یار خواه فرشته لار
و چرندہ لار و جملار جانوار لار اولوب ترلی حقا
چار حلال غنیاب و حرمان عذاب قیماق حقدور
دوره عمر پر کرتی درت بیوال قیلور که قابون کینیک
نیکی قیلوریک و قیون تا بنیک و قیوه چر قیلوریک
وی بیوال قیلور لار طاعت که صرف قیلوریک مویاندا
غ قیلوریک و بی دوزة چر عمر که کرتی برده بیوال
قیور عقیده بخا خد کینتور و دور لار خاتون

به بندین

بومیدین جان کیرا بیچ صدرتد بوا حامی نوش

کان چوند تر کوزوب آنا زما پید شفاعت قیلور

سیدالکرپور لاریم طهارت ده فرضه کور در جواب

ایضال کتورت نمرب تا ایا کین استیند چه اوک قولاق

نینک بو شامغیدین تاجب قولاق نینک یوسا غمغی بو

دوم یوزنی پش زنی یوک دین سپوم باشنی ایلی

توتدین برکای بیچ تارحق جهارم ایلی ایاقن اشوق

بر یومق فرضه در سیدالکرپور لاریم طهارت

ده نی سبت باردور جواب ایضال کریم اودن سبت

باردور اول ایلی قولنی نیندی یومق بوا قیلور

مقاچ بیفاج دین بوشغای اندک زلی

انقریند پوالتکاب پوالتکاب پوالتکاب
افند و در تیشا رکعت بیست و نهم نماز او
وین لار وین پوالتکاب اوین خاصیت بارود اوین
خداوند اراضی بولور و مع شربت لار و دین بولور
خفلا زبده بولور جهام بلغم کیمیا رنجیم انقریند
خوشبوی بولور ششم کور عذاب کور طای بنفسم
منذ کور پوالتکاب لار پوالتکاب بر جو بیستم و در
اوین سلام او در ششم مقصد لار و تبار ویم خداوند
شمش تکریم کور بلادین بقلا خضر ان پوالتکاب
لک روایت قیلو لار حضرت رسول علیه السلام
کوب شواب ایلام پوالتکاب لار ایلمه منکر کیمیا

بولاسی

بوردی میوال کسز نجاز در سب ایر ما پس بیوم طهارت
قبلورد بهیم در الرحمن الرحیم دیک چهارم آنغریه
پوالمقان شیخ یونیز میوال شیخ یونیز سورا
کمان ششم استیجا قبلتان بفتح مانع استیجا شیخ
پار عقاب ششم را عضانی او چه مرتبه یونیز ششم
ایا قلاریج حلال قبلتان دیم نیت قبلتان کسز دور
میدار کسز دور به لاریم طهارت ده شیخ مکروه باردور
ایفیلر الیه مکروه باردور اول جنب قول بر آنغریه
پوالمقان دیم بوز کسز کسز اورفاق کسز کسز
قبلورد بهیم شیخ قائم چهارم آنغریه شیخ شیخ
مقنیم طهارت قبلورد کسز لایق ششم یونیز ششم

قول برستغف مکره دود مسک الکرب پر پلا کریم طهارت
 ده پنچ اینتے قیماقار دایر ماسی جواب ایضاً کہینتے
 قیل مقار دایر ماسی اول اعضا نئے اوچرین کہ زیادہ
 بہ معنای دوم پونہ پیکر کای سیم لیوال ایغین
 ایکاری مسیح تار تقای جہارم پینڈے ابرافیا قلمنا
 نجم عورتینے کیتنے الریو اجمل مری الریو پورہ لا
 کہ طہارت نڈی جو کہ پندورالتے ہے اور نیتے عمر
 پندورالتے ہے الیہیں بولور پونہ اذی دودی
 دیکر یز و ضوان اپنی ضد فاش لارده لول رادح
 شکر پرا کا پیدیں بولور باد صیق کاپت لود داز
 ویتورے نیک اوزی طہر دوز قانون ایریک

خاکت

خاید و طهارت هم پسندد اما صحت اولدو که اوزا ایشور بینه
دوغ کیشی ایشتماسین نماز دارین بولور و طهارت یاغی اما
بناییم اوزا ایشتماسی آق کورنپ اوزریت اوزریم و طهارت
نمازیم یاغی و در بعضی علما لارضده قهوه کما کیره
دین لار برز قلیماق کرا لارضده قهوه فاتون کیش
نه قیاریه کورنپ دور لار حضرت واجب تعالی قران مجید
ده نیکو قلیب قور تعالی فیض کور قلیماق ایشتماس
یعنی کما اول دور کیده لاریم از کونو که اکو بیلدا
نیکو لار بولداغ با لار صوفو دین برز قلیماق کرا لار دور
یکد لار کورنپ لاریم طهارت ده بخیر بینه
قلیماق لارید و خوب ایفید که تورت نمره بینه قلیماق

لازم دور

اولم دور اول اعفای استیجاریں بیونک ایک قولیے

بیونک دوم بر اعفای بیونک و اعفای بیونک

بیونک استیجاریں بیونک قولیے بر بیونک جہاں

استیجاریں بیونک پای جہاں بیونک بیونک بیونک

بیونک لازم دور بیونک بیونک بیونک بیونک

طہارہ بیونک بیونک بیونک بیونک بیونک

دور اول استیجاریں بیونک بیونک بیونک بیونک

بیونک بیونک بیونک بیونک بیونک بیونک

بیونک قولیے بیونک بیونک بیونک بیونک

بیونک بیونک بیونک بیونک بیونک بیونک

بیونک بیونک بیونک بیونک بیونک بیونک

اینکه آنکه در اول فرض دوم واجب است چنانکه
استیجابیم احتیاطاً ششم باریت اما فرض نورت نوبت
اول جنابت ده استیجابی قیام دوم حیض و در بار نوبت
سیوم نفاس پس در نوبت استیجابی قیام چهارم نجس
بیتکه زیاده بود بر مقدار دوم شرعی بر استیجابی قیام
فرض در اما واجب اول در نجس بیتکه برابر بود
مقتضی در شرعی بر استیجابی قیام واجب در سنت او
لدور بر مقدار دوم شرعی در کم بود اما میسب اول
در در ذکر شیخ شانه نوبت در اما احتیاطاً اول در
بل حقیقی بیون نمک حقیقی بعد از اول در کمی
قیام بلورنی قیام یافان اول در استیجابی قیام
بوصورتی که

به صورتی آمده است چنانچه قیام بدعت در مساجد که بر آن
لا اله الا الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله
نمک در دو اول کافی دویم پنهان بیوم اول قول
بر اولایه چهارم است بر ششم نیز بر ششم طام
بر هفتم نیز بر هشتم نیز بر نهم نیز بر دهم نیز
پنجم نیز بر دهم است این بر استیضاح اول
در مساجد که بر لا اله الا الله و لا اله الا الله
جواب اینها که لغت نمک در دو اول است چنانچه قیام
دویم آن نیز پنهان بیوم بوزنی پنهان چهارم
تمام اعضا نیز پنهان بیوم در دو اول بر توکی قول
و عقال ضابطین بار بولج بوحیث منع هر

پیغمبر علی السلام ابتدا در لار که بر تو کنی تو بدی ضابط
و در این احتیاط قبلاً آنست لاریغی قولاً و فعلاً
الکوتریغی ارا سیده بر سمر که تا خواه طعم خواه
یا غی بر سمر که دین غی از این بولمانس او نیز سمر
مک فرض در اما مالک قول بر اندامی غی بر سمر
فرض در اما اعظم مذہب لاریغی فرض ابر ما را او
په اول درک افتد کا صیغہ الکر سمر لاریغ
غی ده پنجم سہنت دور جو ابغیل کہ پیش سمر سہنت
دو اول قولی دریم فرضی بوق سہنت طهارت قلبی
طهارت سہنتا کہ سہنت سہنت سہنت سہنت
جہ و سہنت دین سہنت سہنت دور سہنت لاریغ
لاریغ

لا رسم غیبی پنج نوبت در جواب ایستادگی او در نوبت دوم
اول فرض دوم واجب است اما غیبی که فرض دوم
صورتی پیش در اول اخصی بود در دوم جمیع قبلی
دور بیوم حیفی درین بار بول به هم نغیبی در اول
بولی پنج ایستادگی در هر صورت کماهی غیبی غایب بول
جنید که ایستادگی بول کماهی غیبی قبلی فرض دوم
اما واجب اول در صورت ایستادگی در کماهی غیبی بول
دفعی واجب دوم اول کماهی غیبی قبلی در کماهی غیبی
صورتی توش در اول غیبی در ده غیبی قبلی فرض دوم
واجب لا اصرام کماهی غیبی قبلی فرض دوم غیبی
غیبی قبلی فرض دوم چهارم کماهی غیبی قبلی فرض دوم

۱۹۲۷

بر کرم جمہ کونہ سبغور غیب قیل بر قطرہ لب بولیاں و شہزادہ
 اول شہزادہ لار تاقیا سبغور غیب از کفایت تیار لار خدایتہ لار
 دین بقلا سبغور غیب جمہ کونہ سبغور غیب بر بولیاں و شہزادہ
 دور سبغور غیب لار تاقیا سبغور غیب بر بولیاں و شہزادہ
 لکی زمانہ انت بر لار سبغور غیب من جمہ کونہ
 غیب قیل تاقیا سبغور غیب انت ایجا سبغور غیب
 جمہ غیب قیل تاقیا سبغور غیب امام اعظم و مذہب لاریہ
 سبغور غیب دور امام مالک و مذہب لاریہ واجب دور
 سبغور غیب اول دور صورت نور سبغور غیب اول سبغور غیب
 سبغور غیب رضوان اسی نہ سبغور غیب سبغور غیب دور سبغور غیب
 لار سبغور غیب سبغور غیب سبغور غیب دور لاریہ سبغور غیب کافر

یکہ میلان

یادگیری طهارت

(۱۱۷)

یک پهلوان بود که طعام نرسیده بی بالین بود غیبی
 مقبول طعام جهلا بی حجاب در سبک الکریه
 که سیم ده بی شمرد فرض دور جواب ایستاد بود
 شمرد فرض دور اول نیت قلیق دوم پاک تفریق
 پیوم بر ضرب اورب یوزیک کیف مق جهام
 ای خونین تر پاکی بران پذیرد مق فرض دور سبک الکریه
 لاری سیم سیم قلیق بی در شمرد بر رداد در جواب بود
 ای قی کساون شمرد بر رداد اول تفریق و تاش و جا
 که دقم و جهک و غی روکنج دیور و خشتع و هر
 شمرد بر سر نیک جنسے دین بود قلیق جائز دور
 بیک الکریه لاری سیم سیم بی شمرد بر رداد

دور جواب ایفیل که اون بر سر پرله جایز ارمین اول
کو رنج و تحور و النوان و کوشش و مین و قور غاشم و اول
و شیعرت الپ رو کافر و غیره طریقه بدیتم قلیماق جایز ارمین
میتد الکر سواریم اول تو که کامیج ناسحقاخی کور
جواب ایفیل که مپا فرغ او چه کنی کونند ز بولور او چه
کنی کونند ز دین ازمین تبه نینک نیور شیده بر فرزند
بر لار شریف ده الکر موندین بقین انداغ کی مقم کلید
دور مین قلیماق اول تو که کاره ادور و اکر بر سر پرله
بش قیدین یوقا ریننه باب اول تو که کلید اول
تو کنی برین قی او چه پیس قی یور انکامیج کور
ایریمکین میتد الکر سواریم اول تو که اول غول چه بر فرزند
بکنینک

بہ کسرۃ بالوۃ بدلوۃ

او غایتکہ اتنے تو بس

۱۰

یہ نیک بائیں بولوشے نیچے یا شہہ دور جواب البغیۃ

اون یا شہہ او غایتکہ رسیدہ بولور اون علی یا شہہ کھوت

پدا بولور قریب لوق ز یا شہہ رسیدہ بولور اما الی

ہم کھوت پدا بولور راسر تیک چاہے بولور سچ علم الی

اتفاق شولور علامت لار سدا بولور انوہ اقلان بارود

حضرت امام اعظم نے مذہب لاریہ او غیوں کی اون بے

یا شہہ قریب کی یا شہہ بائیں بولور اما امام مالک و امام

ابو یوسف رحمت محمد علی مذہب لاریہ او غیوں کی اون

پش یا شہہ بائیں بولور ویدیلار مسیلا در بیان خصیص

بلیک صیف ازسی او جے کی کونڈوز اکثری اون

کی کونڈوز در جے اون کی کونڈوز دین ارتوق

خان کور پہ اول صیف ایماں دوانے ایسی ضرور
 پاو لیک حکمدار دور خانوں اول حالہ نماز روز
 قلعہ ابری انکا بقین لیک قلعہ اعلیٰ طہر اون پیش
 کھی کوئندوز دور اکثر طہرے بیانیہ پوقور اگر خان
 اول کون خان کوردی سقی اون پیش کون اوکا
 دی بزخان کوردی اول خان صیف ایماں فابر
 علت دور خان تیف عادت پور تھے کون خان
 کوردیش کوئند خان کوردی انینک عادت اولے
 پیندیب امام ابو یوسف نینک سوزی بارہ دور صیف
 خانہ الترخ نیک بولور قرار و لوک و غیریل و کیرغ و اوک
 و لغزاق نیک بولور کو خان ن آق نیک کور پہ اول صیف

ایماں پور

ایمان بدو را که فریاد آتش باشد و خان کور کور
تفاق بر او صفی ایماں دور الکریمے باشد و خان
کور کور الکا اختلاف بارد در الکریمے باشد و خان
هم علم الکریمے اول صفی در اول قیر باند صفی
بولور مسیله الکریمے الکریم خان نوحی باشد و کور
صفی کور رجب البقیه علم الکریمے اختلاف علی
سب دو دفعه لاریت دور ایلیک باشد و کور کور
لاریتین اول کاندین پنک اول خان نوحی کور
صفی کور کور الکریمے قیلا الکریمے اول طوافی خان
کعب قیلا الکریمے نماز او قوماں دروزه تو سماں ارس
مختار علی الکریمے و قران قولینو الکریمے و کور کور

بجای حدیث صحیح در باب عذر او قیاس برود
در بیان نقل قبلیت و در هر خاتون حیض کور و نماز
و قیاس بر نماز طهارت قبلیت غیر قراب اولیاء و بیعت
مرتبه بیکان حدیث در خاتون بیعت دوز خدس آن
محرم قبلیت و بیعت منک مرتبه کعبه طواف قبلیت
بیک اولیاء حیض خاتون عذر عذر سید اولیاء کما
کنت ده بود عذر سید اولیاء عذر قبلیت بود که هر یک حد
بیعت آن فرمانند بود بیعت بیعتی عالم قبلیت بود
قبلیت در بیان نقاب یعنی نقاب خاتون کعبه نقاب
نزدین بود که سید اولیاء و اولیاء یک بود بیعت سید
قبلیت زیرا که حالت نقاب حقیر بود نقاب بیعت

خانم ابیور

С. П. П. П. П.

خانہ نشینے ایسور کہ خانوں تو قلیخانندین سیدالہولہ
مدتے قرق کیجی کوندوزدو راقاننگ جسری پوقدو کویا
خانوں تار تو غدی در حال پاک لولو راقا قرق کوندین
پونگ حصہ اسخا خضر لولو راکر خانوں تو غدی ^{مثلاً}
از کون وہ پاکیرہ کوندہ پاک لولوسی اول خانوں خان
روزہ قلیخان قرق کوان اولیہ و سب منتظر بولویا بلیغ
خانوں نشینے تو غدی قرق کوندین از وہ پاک لولو راقی
خان روزہ تو غدی راکر بولانہ قلیخان چاہد بولورین
کہ وہ لولو نفاسین نے حکمی حصہ نے حکمیدہ در راکر
نہ بوسیدین کوش پارہ تو غدی اندے سنجے برکی
ادقاپانی حکمی ہم بولون چکنہ حکمیدہ دور

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
دوڑ جو اب انقیل کہ اون ایچ فرض بار در ایچ ایچ
اچنہ دور ایچ ہے نماز تائیندہ دور اما ایچ ایچ نماز
تائیندہ دور ایچ ایچ ایچ ایچ ایچ ایچ ایچ
نماز او قومی ضایع ایچ ایچ ایچ ایچ ایچ
بر کا باشی چکہ قیادت رعنا بر ایچ ایچ ایچ
پیغام جاہل ہے ایچ ایچ ایچ ایچ ایچ ایچ
نیلماق یعنی وقت نماز با دو صبح صادق دین دور
صادق اول دور کہ مشرق طرف دین بر اعلیق بدالو اور
طرائق عالم روشن پو لور با دو او اما غر دو دو نماز
پہنچے وقت اول دور کہ بر نمبر پوزے پالی ہے اوزی

اما آنکه که نماز یکجا اول تکبیر تحریری در این تکبیر تحریری
صیقل فانیین پسندید ایجا و بجز لامک جدیدی حرام بود
شکل سبب دین تکبیر تحریری در لار دوم قیام تکبیر کا
نیت ایتی لار اول موقار فرض دور که انده قیام تکبیر
لور لار دو تکبیر قیام تکبیر ایجا یک دور عذری بود ایجا
بمقتضی خالصت لار سیر کانه تا انده اول تقوی و نماز او قوی
لار بود سیرت ایری مابین قیام نمازده فرض دور نماز تکبیر
و قصد امتداد و اول قوی موقار و ایری مابین تکبیر عذر
کما بود ایری و اول در سیم قیام قیام در عین قیام اول قوی
برایت اول قوی یا اول حایت قیام اما مابین اول قوی
در راه امام اعظم در مذہب لار انده برایت مطلقند
قیامه

قراءة قیلوق فرض دورشکند ایمان قراوه قیلوق

اغازی درین بولور تور رکعت لیک فرضند ایک

رکعت غه قراوه قیلوق فرض دور و سونیک برکتید و

نفلنی برکتید قراوه قیلوق فرض دور امانت قیلوق

مذیب لاریه تور رکعت که قراوه قیلوق فرض دور

جهام انک و قیلوق نجیم کیه قیلوق زایت بهار دور

که ایچ رکعت کیه قیلوق نماز دورت دور ایچ رکعت

یکه قیلوق فرض دور تغیر کیلوق و بعد برکت

ده برکوع برقیادین تور فرض ایچ سایل دور ط

که یکه فرض دور جواب انقیل که فرشت لار حق

پسی زوتعالی فرماتد بر خور آدم علی السلام

چکہ قید لاریہ علی اللہ چکہ قید ہی و شہلا
 چکہ دین باش لاریہ کو تاریب کو ریلارہ پیش کر
 و نیز طوق لغت تو شہدہ راغینک لنگر از کے اد چون
 نہ بر چکہ قید لاریہ مولی لغت یہ بیان قید ہی
 کی چکہ تینک لغت کے اول و کہ بندہ لاریہ لاریہ
 ضایا پادشہ بزار لاریہ تفرق کدک برائینک بزار با
 شہزادہ چکہ کہ قید و لاریہ لاریہ لاریہ لاریہ
 چکہ تینک لغت کے شولہ در کہ بزار لاریہ تفرق کدک
 لاریہ لاریہ لاریہ لاریہ ششم قصہ آفریدہ لغت لاریہ
 نے عباد و لاریہ لاریہ لاریہ لاریہ لاریہ
 و در لاریہ لاریہ لاریہ لاریہ لاریہ لاریہ

القیل

ایقید که اون پیشتر عمر به نسبت ویرا اولی ای قون
قولا قید کونارک و دوم اولی قونین بول قونین
اوستی قویحاق ایرکاکار قونین نافای تکیده
سحاق و خاتونلار سنیپ سینه نوسحاق بسوم چید
قیوریریک قواب نوسحاق چهارم چانک اللهم
قوناق شیخ اعوی و باجه نوسحاق بسوم چید
قونوق بیتم بسوم چید بیت ایسحاق ششم امام سبع
چد لمن چو نوسحاق نهم مقصدی الاربعینک
لحم نوسحاق دهم کویج ده اوچ درتبه سیازر
الظلم دیک یازدهم سیده اوچ فرتبه سیازر
علی دیک دودهم رتوع سینی و غبار کاند قید

تکبیر استیقامت است در تکبیر تحریر دین یو لاک سیزدهم
ایستد معاینه و یک مکتب الکریم الکریم نمازده
نعمه نقد و در جواب ایضا که یک مکتب نقد در
انچه و جهت از تکبیر الکریم الکریم اول
ایت دین زیاده او قوی بودیم استیقامت است
جدید یک دوره او دین زیاده او قوی جهام
نمازده افریده اللهم اغفر لنا ربنا لا تنزع
قلوبنا منک انت الکریم غنی او قوی غم
صف اوله تو قوی شتم اما الکریم اوله تو
رمق بهتم توت است یک فرضه افرید
رکتی قرار استیقامت با دینی یو لاک اول با و
بختی

چنی با غلامان دور مسجد اگر سوار کرم نماز
نچ نمی بار دور جواب ایضا که اذان البته نمی بار
دور اول قوم امام زار عالیله تورب قرارت قیل
نما امام ابو یوسف رحمت حدایت دور الارامانیک
از عالیله قوم قرارت قیل ای عریفه تا ش بر اور
پاک دیدی لار دوم نمازده اونک پونو با چما
بیوم نمازده تیز او قولنجا جهام نمازده بقلا
تورب اولتور معانی بر ادنا نمازده
ایکایینق قرانجا هفتم نمازده باشق قوی
لما هفتم باشق تیز الیت باشق انم قولن
قوی پلید تورنجا دیم رکوعده قولنم قیلنجا

بازده هم رکوع عین ابی بوند قولینت ده قلمهای
دوازدهم امام ایلیکارس باشن کونارهای حدیث
ده کلمه رو بدور بر رسم باشن امام دین ایلیکارس
تاریخ قبا اول باشن اشیلنج باشن نیکلیغ بولغا
هم قم تفراقتی کچه قیدور دین براق قلمهای
بهداده هم نمازده ایتدیگ او تورغهای پانز
هم ایلیک لاریغ نمازده اوش تمغاش نیز هم
نمازده ایلیکارس کین نورغهای سیک الریوریه لار
کیم نمازده پنجه مکرده بارد در جواب ایلیکارس ادا
بکیز مکرده بارد در اول ایلی قولینت تکیه کور کوقولا
قیه تکیه مکرده دوم نمازده الیدیه صورت بولغا

سپید نمازده بلا کفاج تورنگ چهارم نوزده
قدورده اورا کفاجی ششاز سپیدین تقراق عراق
ارنگ ششم دستانه ششاز سجد قلمی هفتم
نوزده تورنگ زرقا هفتم بویت اکر سجد
ششم کورنی بود با تورنگ و هم سلام دین ایل
کار سجد سجد قلمی یازدهم بلند برده قوم
برده اما کفاج دوازدهم استه قولنی اغریه
قلمی یازدهم الیش خنده نماز او قلمی چهارم
دوم اولوغ بولده نماز او قلمی یازدهم سجد
نماز او قلمی شانزدهم ابر برده نماز او قلمی
سی سجد اکر سجد اولایم نی طایفه اما بو

لما في مكرهه دور جواب اليفيدك اوان نورت طائف

نظا انا ابولافي مكرهه دور اول زنا كانه دوم غلام

بيوم صحراي يفتي بيجي عمره بيلما بجهت امار

كودر نيم جينيه ششم اخذنه نقش كو نيمه ششم

شراب خورنه هم شطرنج بازنه دهم نم كرنه نقبل

قبيلت لار كرنه خد اشغال موان لار كرنه اوج

ليوز اليمينت ورت رحمت نظري بر باقا سكرم

شلا خاوينيا به الكا باقر صده حلقه خور و

دور لار كرنه قال النبي عليه السلام من لعنني

دو لار خا كاني غي بيده في الاله النبي ربي غي هم

شلا خا او نيا به انداخ ابولفار قول لار كرنه

لوتكوزنه

لوگوں نے تانید پاپ الغاندکی بولغا یازدیم
بے رشتہ دواز دیم راہ عامہ پش ب قیلوڑے
عادت قیلغان بول سپر دیم سیزنے چهار دیم
بولار نیک آبولی غی مکرده دور مکره کچر
سہنے بیانی قیلوڑ کر کے فرضیہ داؤد
تا غیر قیلوڑ کر قیلوڑ کچر کہہ لازم بولو
کچر کہہ اول درک التھی تانے عبد درویش
اد قوب اولی قولیہ سلام ربیب کچر قیلو
اندین بولک التھی تانے تمام اد قوب صلوات
اد قوب تمام اد قوب سلام برکاکا فتو کا شول
رہیلہ کچر تلاؤ نے بیانی قیلوڑ کچر تلاؤ

کہ برکتی قرآن اور قوس آیت پیکر ایشکو ہوا
 قوس جو پیکر و قلماق واجب نہ رہے قرآنہ اول
 تو شریعت آیت پیکر بار درستی کے فرض دور
 جی واجب دور تونے سنت دور التہ بولار وہ پیکر
 قلماق لازم دور پہلا آپ فرود مقیم نے نمازی نماز
 قلماق الکتب پرفر قلماقی باز التورغان بریکہ اور
 کونہ بار پہ نمازی قلماق قلماقی تورت رکت
 فرضی ایک کھیند اور قوسوں و نیز نماز شام نے
 فرضی رہے پہ اور قوسوں و سنت نے قلماق قوسوں
 مہو و تورا جب پہ ہم قلماق قوسوں و نیز
 مہو و تورا پہنے یکک جائز دور رہنے اما اول
 پہ اول دور

سے اولاد کے روزہ تو نکاح پافر شکرہ ہاڑوی
 اول شکرہ ایسے تیکازوب قینقونی نمازینے نظر
 اوقو چون جائز دور اما اون پیش کو ای تو ار میں
 وہ بیت قیما پ قور اوقو قاق کر ال مسیکہ اگر پورا
 لاریم نماز جہدے شرطی نی دور جواب ایضا کر
 تی دور اون مھر بولنا دوم قینق سلی کای سیم
 خراب اوقو جہارم ازین پاوش ہ بولنا نی اون عام
 ششم جماعت بولنا امام دین بولنا او چترکے بولنا
 نماز جہدے سب بولور مسیکہ اگر پورا لاریم شرط
 وجوہ جہدے دور جواب نیے اول اقامت بھر قلیقا
 دور پورغے بوق دوم صحت رکعہ بوق سیم

رکعت فرض نماز پیشین و بیاد و قوت نماز پیشین
ایک رکعت سنت پیشین و بیاد و قوت نماز پیشین
عید نماز و بیان قیل و رایک عید و دیگر کتب
پانزدهم مرتبه تکبیر انقادی و عید و قوت نماز
شماره بیست و یکم و اول صبح و بیاد
یک دویم غی و اول صبح و بیاد
چهارم و اول صبح و بیاد
ویک و اول صبح و بیاد
ایستاد و بیاد و اول صبح و بیاد
تیکای و بیاد و اول صبح و بیاد
دویم و بیاد و اول صبح و بیاد

قوی دویم اچکی سپیم بنوہ الکر قوی اروق بو پیا
قیاق بو پیا قولا قی کو پ کی پ کو پ پ کو پ پ
قرابلیق غمیرا میں سیکر ابرق قریب قریب
سپا پ کی پ کی پ کی پ کی پ کی پ کی پ کی پ
کتی شہرین تا شہار حقیقت ابرق قریب قریب
شہار ابرق پ پ پ پ پ پ پ پ پ پ پ پ
کتی نماز اوقوعا کو صدقہ برکای لا و کتہ
لا ابرق قریب قریب قریب قریب قریب قریب
کون تو تو لو پ ہو اچکی پ پ پ پ پ پ پ پ
کتی پ پ پ پ پ پ پ پ پ پ پ پ پ پ پ
انہوں پ پ پ پ پ پ پ پ پ پ پ پ پ پ پ

نہ قدر تیرا افتاب اچھلے اگر اسکا تون برادرا

ایک رکعت نماز اوق نماز رکعت لاریتہ تو قید

نماز کی رو سے ہوا تھا کبلا زمین پر بیان ملبور

اگر کئی پیر پور یعنی زیور حال ہے تو جانو

پسند یا تو نماز کا ایسا اتنی قید و حکم کی شکل اگر

کئی ایسا مابین بول کئی تعلقیں ایسا ہی مسئلہ اگر

پورے لاکھ روزہ وہ بھی فرض بار دور حقاں ایسا

اوج فرض بار دور اول نیت قیامات و

شکر قیامات کسوم جامع شکر قیامات قیامات

لاکھ روزہ وہ بھی نوبت حجاب ایسا تو

سے دور اول فرض دوم واجب عین شکر تمام

اما یله براسی روزه تو ساق فرصد دور اما و این اول دور
نذر اعتکاف اما نفل اول دور که ثواب او چون توبه اول دور
اما حرام اول دور که عید رمضان ده و عید قربان که سینه
و نیز عید قربان وین پنجاهی او چه کون در ایام منهد اول دور
شول او چه کونده هم روزه تو ساق حرام دور مسکد الکرب
بلا کیم روزه که قضای بی زکفارت یوق قید دور
صلا ایچیا خاتون صفا کوردی یا کیشی صفا
باید که قیلدی اینزال منسه بولدی یا بیله ای کیم
باید که قیلدی یا بیله بولدی یا تو اما لادی یا فریو
باید که قیلدی یا بیله بولدی یا روزه که قضای بی زکفارت
یوق دور مسکد پنجه کیم بولدی یا دیدین صفا
یا صلا

یا اصیام بولدی کوز کاپر دتارندی یاغ لشنو کوز
سید لادی یا قوزسی یا رطلانده پوز کوزسی یا اغوز
خ کوزدی یا رنم کوز فیضادی یا ضیفه سنه بور صلیک
بوص ستارده روزه باطل بولدی اگر خان تو به باب
قلدی غیب قوز عالیسی روزه سیند و کوز کوز
اما اصیاط قیلماق لازمه در اگر کوز پنا مخرج خان تو
بور قیلدیسی روزه سیند سیند اگر کوز روزه قیلدی
یپه حجه نمره لازم دور کوزونکی روزه کوز کوز
بینه از اول قیلماق لازم دور اگر انکا قدره تیماچ ایتمیش
کون بچه در روزه تو خاشدا اولیک کوز کوز
روزه تو در روزه کوزدی بی قیده من استقل

سید محمد بن ابی طالب به نام خود
عقلی در قوتی است و نیز در تکیه تعلق دور
اول
لیقان انت ای دویم لیقان کو ایک برس سیدم پان
ضعیف پسے اری زنی تہ قبلہ چهارم جادہ
سید اول و چو فرنی تعلق دور اول شراب ای دویم
کیتہ نہ حقن یہ و سیدم پود خود پور و نیز
اول ایک قول تعلق دور اول خون نہمی تہ دویم
ادغری بق قبلہ و نیز اول ایک فرجیک تعلق دور
اول زنا قبلہ دویم نواط قبلہ و نیز ای بی اما قو تعلق
دور اول سید مپمان ای کا فرودین تا و نیز
اول بریک جمیع اعصاب تعلق اول آمانا سید

از ارشاد یک دور نیت و با حمت من ذالک بولور کناه کپرود
الته بولار وین خدر قیلماق کاکر کسپد پنجا ز لایق
بیان قیلور قانلی علی الیام من اعان تارک الهلو
قمنج و جمیع الاسنیاء الف مرة کی عر الهلوة فکاشما
نایع اد الف مرة و من بقی شبره اما نطکا ما هو م
الکوة الف مرة صدقہ یا رسول محمد بوحیث فی مضم
سے اول دور کہ رسول علی الیام ابولار برکیم بی
خازغی برکالہ پور برہ انداغ بو نغاف و جمیع
سغی لانے فنک مرتبہ اول دور کہ سزیک بو نغاف و نیت
فنک مرتبہ بنا کینے زنا قیلما ندیک بو نغاف برکیم بی
غی برکیم برہ فنک مرتبہ کونے و بران قیلما
دیک بو نغاف

بیانے میں ہے نماز پر تھامی دیلا رہی خدا بیدار
ہر گیم نماز باہر اوزن قہار ترک قیاس قرآن بیزاد
ہر گیم نماز پیشین قہار ترک قہار فرشتہ لائے اور
ہر گیم نماز دیکھنے قہار ترک قہار بیدار بیزاد
ہر گیم نماز شام نے قہار ترک قہار ایمان بیزاد
ہر گیم نماز صفتوں نے قہار ترک قہار خدا بیدار
بہر سہل خدا تینا بیدار بیدار جنہو راہیم
سلام بر جانک لار بیدار صی ب لار بیدار بیدار
ہر گیم وہا تینا بیدار بیدار بیدار بیدار
ہر گیم اوزان اوستی بیدار بیدار بیدار
دور ز سہ لار بیدار بیدار بیدار بیدار
جانک لار

یگانگ لاپزغ اوت تو شانتیل کین فندی من و سکر
لار نقل خلیل و سکر حضرت موسی علی السلام
بار و سیدی لار کور و سیدار بالیغ لار غزابه حضرت
موسی علی السلام ای دیلار ای بار خدایا بوالیغ
لار سید من غزابه دور اندر نوا کیدیم یا موسی
علی السلام عصا نیکنه پو اور غنیم دیدی موسی
علی السلام عصا لار نیکنه پو غور و سیدار ای موسی
بر بختازنی بر شین در یان تا سلاوی بر بالیغ او
تیمش انی یوتدی انی شولدی غل و دین نومی سکر
بو غزابه کرفار سکر و سیدی اما پیل گیل
ه کاه بو یقین سید بو بالیغ بر حیوان دور سوزغ و سکر

الایقنور ربی نماز تیرتینے بوتقان سپیے دین
خدا تعالیٰ اولاد غم عذاب قبولی اوم فرزند اولاد یوز
منک و اولاد می بی نماز یوز خاتون بی نماز یوز
یا قوتی بی بی بی نماز یوز بی خالق خالق ده خور
بولجا اگر بی رب نماز تیرتینان غم کویلا
از شومله غم کویلا کورستان اولاد کبیا اولاد
یتکار قال بنی علی السلام من ترک الصلوة فقد
بهری فی النار شدین حقیقی بی رسول علی السلام
ابد یار بی حکم بر وقت نماز تیرتینان قصدا تیرتینان
حق دوزخه کویلا بر حقیقی بی کویلا بی دوز
بی کویلا حقیقی التی منک تیرتینان یوز
خود کویلا

خدا کو یاد رہے نماز نے ترک قبل نماز اگر کون سے اصلا
نماز دو قوب نے خالی بخوبی بولنا خدا تعالیٰ اور
خوبی دور کہ اسی بندہ لایم نماز دو قوب نکلا روید
لفظ قبلت دور کہ قیامت کوئی خدا تعالیٰ روز میں
برایں جہاد و اننگ اتی فرشتہ دور بائی سے قی
ایک اندہ دو می سے قی برده افزای مشرفین تا
مغربت تبار شمار شد کلیلور مانگ لار خدا تعالیٰ
و در اول بیان حلقانے ارسیفہ گویب قی قی دور کہ نماز
لازمی جہاد میں دیبا غازی بیہ پالیب و در خدا ایب
ایر میں و بر بے نماز لار نے خالقانے اکید میں اتر
دور فکا ایب دور السی سکتی ہی مصطفیٰ صلح علیہ

دینم علی المرتضیٰ وفا طی ز بر امام خیدن د امام خیدن
صفتی و سیدین جمدن لار که به نماز بقیدین بنابر
کالین امین العالمین میگن غیبت صلیفین
نین قبلو روح طایفه طاعت مقبول این
اول بود خورن اول دویم غیبت صلیفین بیوم حرام
خورن اول بیولان نماز دروزه پس قبول بیولان
سویان خورن اول بیولان نماز غیبت صلیفین لار
کوشن بکانیک بیولان نماز غیبت تورات و دویم
کفوری اتفاق دبری مصیبت و سری مباح دور
اول کفریکه کنده بیوق عمر به فیله کفوری اتفاق
اول دور که آینه تقوی است به مصیبت اول دور که

آینه

ایتنے ایمانی سچان آت برس رہتا ہے اسی طرح اولاد کے نام
پہلے باطل یعنی یا رب نماز کے یا اللہ کلمہ کے غیب
فہم ہے اور اسی طرح اولاد کے سچ کلمے کے غیب
فہم ہے اور اسی طرح اولاد کے سچ کلمے کے غیب
رنگ قلیب دور کہ خالہ پر چڑھ کر علی ایسے طور پر
بغداد شہر پر چڑھ کر وہ اولاد کے ابرو پر
نیک الدیہ پر ابرو پر ان یا تیب تو شکر اور دم کہ
برتر اور کیا کہتے تو کلموں کے خاک کو تینے انیس
الدیہ بدی وہ ایک بول کوشٹنے کیا دیوں
بدی کہ تو کلموں کے کوشٹے ابرو پر یا اس پر ابرو
نکا ایسے سچا کلمے غیب قید بند کوشٹنے بدی

بنامہ بحال ہیں وہیں رہ رہ کر کوششیں کرتے رہتے ہیں
لہذا قوت و قوت اور بقا ندیم قوت کھی کھوند ڈالنے ایسی
انفرد عیس کیسے کا دہر نہ کہہ کر قوت کوششیں ہم اکبر
تو کوشش کوششیں ایک معلوم ہو لسی ہر مجلس اور
ہو رہا ہے یہاں نہ رہتے اندہ ہوا لاس ہا اور دینا دینا
قلیب دوم قوت رہے کوششیں ہم غبت قیادہ خدا
یہاں نہ رہتے ہوا لاس ہا لاس لاس قیادہ خدا
اور ایشی قیادہ لاس اور ایشی قیادہ لاس
خایدہ تیکر لاس ضریم تیکر لاس لاس قیادہ لاس
شریم قیادہ لاس قیادہ لاس لاس قیادہ لاس
لکھنؤ قیادہ لاس لاس قیادہ لاس لاس قیادہ لاس

بجان دور نماوه التی بار و اول نما کر کفیل بولغا
دوم عمری فوت بولغا بیوم برج خلق الکا و کمن بولغا
بیچم خلق اسپه بی اوری بولغا جهام حنیان غنی
کرفت بولغا شتم قیامت کونی فی سبب ال قیام بولغا
آخر شوار لیقظه قالقا بو عذابا زنا کر غو بولغا
موندین بدتر عذابا رغیبت قیام حیرت قال ابنی
علیه السلام من اذی الیوب فقد اذانی ومن اذانی فقد
ذات تعالی ومن اذای حد تعالی فهو ملعون فی التوراة
والانجیل والزبور والقران یعنی پیغمبر علی السلام ای بولغا
هر کیم آنا اسپه آزار بره خدا تیغالی غا آزار بره کانی
بولغا هر کیم خدا تیغالی غا آزار بره سبب اول ادم مخلوق

دو تعویب ده اینچند روز بود و فرقا نه خدا تعالی قرآنه فر
برین دور که قال تعالی ان افکری الی والوالدیک یعنی شکری
قبیلتک لا الاله الا الله راضی بلیقه بر ایش قلیب کار بقی
نیتک لا خدا تعالی قرآنه فر برین دور که وقفه برکی الا
تجدد الایاه والذین اخرجنا یعنی خدا تعالی حکم قلیب
فما بنده لیکن کیلتور و ذک لا امانا لا رکن راضی
یب خوشنومی قلیب رسول خدا ایدیلار بریم امانا
بیف فرماینده تو کما الکریم جمع عالمه الکی خلق
لازم طاعت بک عبادت قلیب هم اینک ادر هم
الکریم امانا بیف خسته حذت قلیب خدا تعالی
اینک ادر خسته دور خدا تعالی راضی امانا
بیف نو

سید قویو بود در خزانے رضاینے استنانک لار آمانا
لار شکریند راضی قبلینک لار لکر خدایتعالی غفیر لکر
قمار بولایین دپ انک لار آمانا لار نلکنے راضی قبل
ننگ لار نقل قبیلیند رکه بر کیم آمانا سید کچی کوندوز
ده شکریند دعا قوالا لار حقیقی ادا قیلنا نلک بو
لکابیند شراب خوزنہ بیازنہ قیلد قولتعالی یا ایها
لذین آمنوا انما الخمر والیجر والانهاب والازلام حرام
علی الشیطان فاجیتوه تغلیب یعنی خدایتعالی انداغ
بو او بود در اول کشتیک من کا ایمان کبیلدور
پیز لار شراب ایچا ننگ لار شکریند در اول شکریند ایچا
دوریندن براق بولونملا شاید رکه عذابین بجا

تا بقا پیزار حضرت رسول صلوات الله علیه و سلم ای دلدار خدا
 بقیالشراب خور لا زنی باقی با لوب قویو با کمال
 نه لعنت قبلت دور قوله تعالی من سیم شراب الی و ضام
 او عانق اضطرار تعالی عملا در عین سیم بوی سیم
 نه معنی پی اول در ک سیم خدایا ای دلدار که شراب خور
 سلام بر فایک الی با اینک بر مصافح قیام کفوه کلمه
 کوروش خدای تعالی ترقی یغ طاعتی کنده سیم
 هر سیم شراب خور غ طعام بر الی جنیدیک بر سیم
 لب سیم خدای تعالی الی در خنی زقوم لای سیم زکای
 هر سیم شراب خور غ صحتی ردا قیل اندک لوب
 ی ایلام لای زنی و سیران قیلتا نزدیک یوغای
 سیم شراب

بر کیم شراب خورده و دست پر در شکران برده است
بوی فانی نزدیک بولور رسول خدا ایله قیامت
کوز شراب خورلا کوریدین یوز قرابول
قویجی تیلک سینه پیکان تلیب باغلاکای تلیدین
زرداب افقا کورلا رسا کور بوشاد بوشاد
ندین زخم بوشاد عرصات طلق فریاد قیلیب
که بوقی طایفه دور بونداغ غدا لوزن تار پور
دیرلا رانده فرشت لار استورلا رادین دنیا ده ترا
با ککلا رده تو بیز دنیا دین بارغانلا دور
ریور خدا ایله پلار جهنم دیکان دوزخ خنک خلق
منید غدا پیدین هر کیم کوزدیمش مرتب نار قیلور

اندره بر او یکبار در او تنگ اول اویده بر صدوق
دور استرس اول صدوق ده برابوت بار در او تنگ
اول تابوت به بر کلان بار در اول پلان تنگ باشد بار در
او تنگ باشد تنگ انگیزی بار در او تنگ بر او غمزه
میگتیل بار او در نطق تنگ کز در حضرت این این
مالک رضی عنہ عن ابی بلال یا رسول الله یوعذ
بلالیم چه کلمه بود دیدار رسول علیه السلام
لا یدعیار یوعذ ابلا رچه چه شرب خود غمزه بود
دیدار روین دیدار قرآن او قوب ای کلمه شرب
ایچ انکلم بود دیدار رسول خدا دیدار
قیامت بود خدایتعالی دین نوا کلمه ای تنگ
دشمن لایم

دشمن الاربع قویہ دین جبریل علیہ السلام ایوہ لاری ضا
یادگن لاریک محمد و خدا بقا ایوہ و خدا دشمن سران
اچکب کچے زنا قلیب مندین قورمقا بندہ لاری شطان بر
دورے ارا الیہ رب پا لینگ دین ندا الیکای غمبند
میوہ این دورے شراب فو او اچکب کور کومونگ لاری صبا کو
رضنگار کرانینک یوزی قوال الیکای بول منے ادوب او نور
دیویدار اما شراب خورده اول اینش بار در اول شراب اچکب
عقل کتبار دوم بنی شطان بولیکا هر چه فیلور پوم او
فاجعه جاسم خا زده او قوب بنی شراب اچکب
مایک بولور ششم بر چه کنه لاری ایشکی اچیلور ششم
کایتا بن فرشت لاری اندین پزار بولور ششم انکا شریف

حکمی ریچک دورہ لازم بولور شہم انکا اکیان اشیک اور
حکم قلیب جاننے الیب چکا یوں برکای لار دیم الاریدہ اور
نہ سلطان الورض اتقافیم یوقلیب دور شراب خور
من توبہ قلیما لیب شراب المظہور دین برکای خور اتقاف
قران شریفہ پیش پردہ خبر بریب دور شراب فرام دور کیم
شراب اکیب پت لیکیارہ اور کافرا لور تقویہ باج من ذالک امام
صن البتری رحتہ عید ایوبار ہریم بر مرت شراب
اکیب کتکے قرا بولور ایکی مرتہ ای فرشتہ لار سزار بولور
مرتہ ای رسول فرای سزار بولور توت مرتہ ای حضرت
عزیز عید ایام سزار بولور شہم مرتہ ای پیکار کیم
عید ایام سزار بولور الکران مرتہ ای پیکار کیم
فرشتہ لار

امانگه بر اسی روزه تو شاق رخص دور اما واجب اول
دو روز از آنجا که ایام نقل اول و در که ثواب او چون
نور کار اما مراسم اول و در که عید رمضان و عید قمر
باشد که چون عید تر باه وین پس بکنفی و هر کون نه
ایام مندر دیر لار شول او در کونده پسر روزه تو شاق
حرام دور سپید اگر پس لار کیم روزها که قضایا
بدر گفتارت یوق اول قیصر در جواب اینجیل افغان ^{حضرت}
خزشت لار پزار بولو ویتیه مرتبه ای پیش لری لوی
قلم پزار بولو ویتیه دوزخه الشیخی اصلور پیکر مرتبه
پنج پزار بولو ویتیه مرتبه ای پیکر توبت ^{شکسته}
بولور اول مرتبه ای خلدتقال پزار بولو ^{والت}

این مالک رضی الله عنه پیغمبر خدا درین روایت قبیل

لاکرتش طایفه آدم بهشتی غیر کما ای اول کیشیدین

شش بوزلیق براق تا صفا اول بخید دوم اتاناسی

عاصی پسر سوم خالو زنی مکان کشته بر لب بولب

بر عارضی بولب چهارم شراب خور بولب پنجم نواط

کر بولب ششم طایفه بهشتی غیر کما ای هر کس شراب

بهشت بولب یازدهم شیطان و طی قلیغان ایزت علی قوی

با اول کیشی غیب قلیغان و الی غیر قلیما پانجا بولب

خور بولب شیطان نه خان زنی بولب شراب خور بولب

شیطان علیه السلام سبب بودگی اندک جای آدم بهشتی

رضی الله عنهم بولب بولب بولب بولب بولب بولب

میست

ما از نزد حق تعالی به قبلت و نماز عتد فاواد عمود
ذکر بقدر اقرار و کمال ایمان صحیح و کمال ^{برین}
بکی فصولی می من نفر مختصر ایمان نمره
از قبلیت و نکات تعالی قبول قبلتیم از حق تعالی
از نما قبلت می من از قبلتیم بروقت اعتقاد قبلت
از نماز که کمال بر اقرار و تمیزی بر قصد قبلت
اولی که ایمان در دست بولنگ اوزی مود کمال باقی
فصول اسمی که تباید آید در اینجا اول ^{نوشته}
ع استیخافرض دور اول استیخافرض صوب دویم
حیض دین پار بول پیوم نفا بین دین پار بول
جهام بخا استیخافرض زیاده بول بقدر دریم سر عین

عین

اوم نینک کل حردی نینک اطرافد ابور دین دور
طهارت و نورت فرض بار دور اول یوزین یوما
منکرای دین تا قولاق نینک یوش قنبر استنجدی
بم ایگی قولاق یوماق تر پانگی لسیوم باشن تور
دین بریک پانج تا رماق چهارم ای غنیر یوماق
اشوق بر یوماق سیاب فرضیت ده غنیر
دجی فرض دور اول انخریزه سیوالماق دوم یوماق
سیوالماق لسیوم کل بدنی سیوتیکو یک بر قلی قور
وع قال پانک بول سیاب فرضیت ده غنیر
دور اول بدافت قلی پانجی شورین اسین صقی
لذت شتوت بر لسیوم اجتلام بول سیاب چهارم صقی

دین پار یو پ نیم نفا بدین پار یو پ سید
تیم ده فرض نورت در اول نیت دویم خال سیوم
بر ضرب اوروب یوزین کسفاق چهارم ضرب اوروب
نیم کسفاق و نیز تیم ده جنب طهارت کسفاق
بولور نصاب دیکان کتابه علیه الفتوی تور و در پاره

بیان فیدکیه الوه تور سید نمازده اول ایچ
فرض متفیق تور اول آب پار دویم جای پار سیوم
جاء پار چهارم نمازده وقتیه حکم عیدین یا
جماق ششم نیت قبله جماق هفتم نیکر تحریر ششم
نهم فرات بریت قیفا او قویق با او ح دراز او
توس دویم رکوع یا زیم فوده آخر مقدار اتجا

او قومی مسیحا فرض خلافیہ شیخ دور اول نماز میں

اور اضیاری برہ صیغہ قادیان کہ عین سچو دودھ

آرام القیوم خود جہاں جلیب سخی قیل قرانی

نیز دہام ابواپو پیغام کشفی سکتہ قد علیہ است

دور مسیحا شرا الی زکوٰۃ بیت دور اول صور ابوا زکوٰۃ

برپوں دوم قادیان پیغام بلاغت کہ تیکان کنگا

جہاں عاقب آدند برپوں بخجوتہ برپوں تخم

نصاب تیب برپوں تیب برپوں ششم بیانی

بول برپوں کافر بول برپوں ہفتیم بولین

اول کانڈین کین برپوں یلیو تیب برپوں ششم

معرض دارغیو قرضین ارتقن عالی نصاب تیب

پوں تیب

پس چون تکبیر بر چنان نیت زکوة بر او یا
جدا قیلو فرضه در رکوع است یعنی او زکوة بر او یا
پس چون فرض دوم در صلا فرضه زکوة نیت است در
فقر یعنی مال انصاف بر مکان اینجی پس یعنی
پس تکبیر پس یون نیت پس پس دیار سوم
عادل یعنی زکوة بی تو تویی گانته رخ مدیون
یعنی فرضه اشتم منقره العزوة هفتم اینجی
پس در زده او چه فرض دور اول نیت دویم جا
پس پس سوم ترک می خد قیلماق صبح صلا نیت
تا کون جفوه بی علم فرض عین دور اگر مسلم
فرض عین یور پس یک پس فرض عین

دو روز در صحت و ضرورت فرض در عالم آخر
و طالب بارغ فرض عین نه سیم یاد الفجر
و فهم لا کو بچ مسکن طعام بکده نورت فرض
بارد در اول صلال بخار دور زریه خلق اعظم
فرض در دوم زرقع احدی درین سیم سوم
کند اقبلین و با او یک اول طعام قوتی برسد
صحیبتان بصری عملی لاریت التفاق فی
دیگر سنتین علی قید بار فرض عین غ
تا اینجه سیم بوسون و بعد علم سیم در بیان
طهارت ده اول سنت بارد در اول سیم در یک
ادجه مرتبه بوماتق ادیفودین تور عین کیش قو

طهارت قبله آن کورن بخت یا اوز که بر بدین بخا
بخت حق اول بیلان قبل طاهر یا بیلان
یوق بستیما پس دیگر شکینزه وضو الرخان
حق غریبین خان قبل از بدین سنیار
الکر یا رغیب بدین سنیما پس بدین بولار
دین اوز که بول طهارت سنیار و
بلم تقریقا طهارت سنیما پس ریغ او
ان نمکر به خدیت ایریس تجس هم
ایرین طهارت نه سیند و ریس وین
طهارت نه سیند و ریس به الکریش
ادخلاب به هر غریب به بویار اند

آنکه باشد که بقدر طهارت بسیارند و طهارت
بسیار در غوغی نماز آنچه که پیش از آن
بوی بسیار دین فقه قلیب بلاغاً تکان
کیش نمازده گوید نمازی بود و طهارت
بسیار و نماز چند دهه سوره تلاوت ده
طهارت بسیار و نیز طهارت بسیار و غوغی
جی تنگ طهارت بسیار و ای کار نیک الد
بیدین مبدی قبل طهارت بسیار تا جمعا
مغوی و مسند در بیان فرضید غی ده اد
جی فرض بدور بری اول آنکه نیز سوا الحق
سوز بری بود نیز سوا الحق و نیز بری تمام

بہ بندہ سوتیلو رند غید وہ قولین یوں
اندرین بونک فریب یوں نخی بہت لاریں
کتور بون اندرین بونک ظہارت ان بون
اندرین بونک کت نے با بوب اطمینان
غید قبیلوں غید قبیلان بیریہ اربیب
تور بون جلال بون زاد جے مرتبہ تو بون
تار پار بون اندرین بونک آماغین
یوں غید قبیلان بیریہ ایما تو بون
نہ الر ضیفار بونک بونک تو بونک
سوتیلو رند رود در کھیل در میان وا
جبات غید کشکاف بونک بونک تو بونک

بیان دور

بیازد و در کشک اب بین کلبه است و در مغرب بود
مخصوصا در سیدین التذکره کشک غیبی واجب بود
لو اگر واجب بود و نمک به نیک رغبت بود
ذکر قبل غیبی باد بر سر قبله نذر هم و قبله در مکان
هم غیبی واجب بود و اگر شکر کلمه کلمه هم
واجب بود و اول کیشایم نیز واجب بود
کشک اولی و دین نور سارایم یا ندی کوز
سی از کلمه هم غیبی هم واجب در سید غیبی واجب
بود و اول در کضعیف ضعیف دین پاک بود
یا نفا پس دین پاک بود غیبی واجب در سید
ایضا صیوانی و طع قبله است ضعیف

غیل واجب بولما پس لیکن اول آدم غی خدا
نیک لغت بولما سپرد در بیان سینهها غی
جمله کوز غیا قیلماق و از برای ایلی عبده
غیل قیلماق از برای عرف کوز غیا قیلما
قالی ایلی باطاری غیل قیلماق سینه دور
دیز طهارت الوب بولور ایلی ایلی
بمقور سوی بولور ایلی بولور طهارت الیب
بولور سوی بولور ایلی وقود سوی یادور
طهارت الیب بولور ایلی کوز غیا سینه
سوی نیک زنگی کوز غیا سینه
یا زنگی اول کوز غیا سینه

طهارت الیب بولے اول پو طہارت
طہارین جہ سے وقتاب تقریب طہار
الیب بولے سن و حال انکی اقوشو لغیا سمر
زیرا کہ طعام او چوں قوشول اول پو
طہارت الیب بولور وین اول پو غنی است
بمراہ بولے سب اول آب رواں بولے درہ
بولے یعنی قول برہ الفانہ میری کور
اول نجس بولے چا خصوص ہم نجس بولے
سوندہ طعام نیک بازگی یا بونی سمان بولے
بولے صوتہ نجس اول بولے یا خصوص
درہ بولے قوشکان زمانہ نجس بولور

بولیوں زنی یا طعام یا اسپہی خواہ تغیر
بولیوں میں البتہ مردار بولوں اور سوا اول کال ہر
بچے بولیوں میں مثل بالغ وینہ اور کہ جائز
ہو وہ اول افکار قرار بولیوں میں آری جائز
نمبر ۱۱۱۱ اول اول اول اول اول اول اول
پس طہارت ازواج بولیوں میں در میان
غفت بر شکر بولیوں خواہ تفریق خواہ
بر پار بولیوں بولیوں بولیوں بولیوں
بسیں ہم دین بولیوں بولیوں بولیوں
کوشتہ ہم پار بولیوں بولیوں بولیوں
کان بر پار بولیوں بولیوں بولیوں

بولیوں

بولی سیک اولی اولکان جائے ٹیک بوند و
پویانے و پے لارے پاک زور ترناج نیز پاک زور
استعمال فیہ بولور کارہ صلوات زور کارہ کل
ایریا سیکلہ در بیان جاہ فودق بونین
بیانے فودق نمبر تو شوب بچ بولیا
برہر حیوان تو شوب یا پالی یا میدہ
میدہ بولور سیر طیب ماشا اولیک نمبر
یا فویریک نمبر اول اول قدر فتح تمام بونین
تازار لاراکہ تار قفان بر اول اول درک
بولور لاراکہ اول قدر بونین تار قفان بر اول
بولور صاحب بھارت زور بولور بھارت

فرق قوغد بولور دپ آنه اعتبار قیلمیش
بچه پوز صفتارین تا شراب فرق قوغدوتار
تمحقا واجب دوتالیمت قوغدوتار تمحقا مستحب
اول قودق شریف حکم بر پار بولور البته
اصحاب قیلمیش لار میقله جمعی یا سببی نیک
نمربستوتوشوب اول آنه آیت تا شراب پوز
بسونلار واجب بوز بدین مستحب دور اولتور قوغد
تار تمحقا یا اولوغ دلو یا ایچیک دلو اولتور دلو
صیبات قیلمور منیر دینه اول قودق قنع توشکان
دین نجیب بولور دپ حکم قیلمور لار توش
کان بچه معلوم بولور لار معلوم بولور لار
کوندوز

کونڈو زمین ہری قدوق مردار بولدی ہر حکم

قبور لار اول قدوق تو نشان عمر چرب

سب کتب و حکم کونڈو زمین ہری ہر ادب

حکم قیدیلار سید اما محی الہ یوسف ایت در لار

فہ الخال قدوق قینک اچندہ کور سار حکم جا

سب ک قبور لار کور سیدین بوز سفح ا

کانہ دایا پس بونغانہ طرح دیجا پس لار سید

ادم پوری آط پوزری جلال ارب لار

پوری دنا و قن پوری یغ صارقونہ شیا قر

صفا دیابت لکونہ ادبی ارا سیدہ وطن

شد جلال و چیان د پچقن بوند کور انلا شیک

مکرده ترور از اینک و قاف بر سپوش گور بو ایگان
پوری که طهارت قلبی است بحکم قبولی از موند
بن اوز کجا بول بر صیوان نیک عرقی یور کجا
اوقش را که یوری نجیب نری هم نجیب است
مکرده بدر سپور و شرت فدا بیان جیان سنجی
دینک نه پوری مکرده تیز کبی دور روح
دب فتوی بر ب دور خلاصه بیان قیلد
ی مشیک در بیان اینک عرقی بار دود
اد چونکم بی غیر خدا عهد نماز تو نب بارغان
ایکانار یا کسبار کجا عرقی تکان ایکانار
بیان قولی است و که کسبند نه قولی

قودد فد

قود و قود نو شاپ اول قولاق منی خرد قدین چقار
بوز و لما بپین ایلکاری اول قودق لپوی مردار
بولما پس اگر قونین قولاق منی پاشغیب اولتور
نیه ایشیکان تو شیدر انی فی الحال الیب تا شلا
ل حرام بولما پس موندن مینه المصلح ده بیان
دینه قونین پاشغوره جلال و خمر الیب قولاق
توشیدر حال الیب تا شلا پاشغوره زیاده یوق
دایک اول قولاق اول بوز و لپوی پاشغوره
بوی شریعت ده انی عموم در پشاد و یلار واقفانه
بیان قیدر ایسما لاری هر چه در انک
جلال در پشاد در بیان حکایت جودت

بجای بوز و مضمون بود اول قتیغی نو بخاسته ستر
اند قیغی غنیمت او سیدین الیب تاشلابه قالند طلال
دور قیغی بوقبول باشی بوز و مضمون بود
شکان زمانه الیب تاشلابه تو شکان برین قیغی
لقانده حلال دور الیب بر عت بخاسته تو شکان
سیدین قیغی قیغی اندین لپه نیک تو شکان برین
کوتار اول قتیغی نه الحیب بود الیب اینک او چه
نیک قتیغی حاجت اولدی بوماری بوماری تو مان کا
تارار بریش اول قتیغی مردار سرد ریغی قیغی و علما
ایورلار بیکم پر قتیغی سرد قتیغی نیک سحر
بوقبول تو شکان بر الیب تاشلابه قالند طلال
دور صلوة

پوران با زور و با اسی کی دامن او

ما شاء الله ابر خستار

دور صلوة مجودی بیان قید می سپرد در یوغ
 تک است تک اول قتیغ قیماقی بول قیماغین
 الیب تا شلابه فالقاز حلال در دین قتیغ
 قتیغ بول او سنوان الیب شلابه فالقاز برین
 ربه بول او کر است مانه تک اول مای فالخان بول
 لب اشیک برخان برین الیب تا شلابه فالقاز
 ربه بول او ربه در بیان حقیقده بول غلامی
 و بر تور لول غلامین حقیقده بول اول بان
 بول الما نیز بر بقیع مای قدرترین هم حقیقده
 ربه حلال بول اشیک او چون صیف و صوب
 با غوره تیزرک و قولاق قوشول اصتمال

انک قدرت مایه صفه بر سون در سیرا شریف
حکم تره موزد سیمک لکر ابراهیم ش پیده بیان قنید
می سید در بیان قنیزات پوتیدین بولور حلال
بولور زنیه قنیزه کوب اکیب سبت بولور انی تفسیر
حدا از سون انوم اذرا سبت کتیدینه
اکیب سبت بولور اور مق لانی در بولور
کرمانده بیان قنیدی سید ابریم حیک تره
ابریم حیک اول در قوی قنیزی تو غنیه انی بولور
کاکانویدر پ قنیده ثقیب اول بولور اول اوزنه
پولکاپ ابریم حیک بولور تا حیک خلقی انی
پسیر لارا اوزنه اوزر پولکاپ ابریم بولور
دین قوزی

ویند قوزی خواه بود عوز لافغان بولون و خواه

د خواه
دیند قوزی خواه بون و لافغان بولون

حرام اول کان قوی بلید الیب اچر وادور بولون

حد و موند پر اچیده بیان مید مید در صلیت

روغن و پروفتار مایه بخا بخت نوشن یانینی

یا بر ایشیا پارن او ج مرتبه شونداغ قیلان

بولون ایزان قینغ غی بخا بخت نوشن یانینی

مدار بولون فی پار قیلما قلیق صورت بولور ایز

ایشن پار سفند بولون اول پار سپور اول نایان

بولون نواغی برابر قوی و عین نایان ایزان

نوت طباق بولون اول سپور طباق بولون هم

ردا بولون ایشنک او چه کلا پارک نوشن یانینی

اول پول بون و اگر چند یکی پوز آرم بون نایمانی
برابر قوی بون ایجا کین قوی بون بون بون
کیم که لازمه در خلاصه بیان قید میکند در بیان
صیوان نخی خور بون قوی با صفت بون یا
طافه مزاج شکر پدید آورده بر پاشیدین کین
اول بون غوزلابه حلال دور کوشتنی بون بون
و اگر صیوان حرام اوت بردیلار اندین کین اوت
حلقه بون بون بون اولدی اوت کوشتنی بون بون
بون بون بون بون بون بون بون بون بون بون
بیکانه اولدی در بعضی لار بون بون بون بون بون
حلال در اوت کین بون بون بون بون بون

حصص یا فکون بر قیاسی بلا اعتنا بتجان بو
را نیک بی داندین کیلور پیر تا الیک باشو
نیکیو پیر دیب حکم قبلیت دور لار وینه حصصی ازنی
اونجی کسی کون دور دور کون او کون بو لور وینه
اقط طهر اون پیش کون بو لور یعنی ایکی حصصی تنیک
اوتارسی کون بیلیک کراک سکر لام دور کون بو
حصصی بوقا یونیمات ایو قدر بخا پی یعنی نصفی
یکه دایم یار بو لور انیک نهاتسی بو قدر یعنی لار
پالیک اور تاشیده اول مدده حصصی نه اچیه بو
هم اول حصصی دور شملا او چکون حصصی کوری
نه اردین پیش کون اول تاشیده کون حصصی اول

بم صیف دور نیز بر تو صیف لاریتیه پر رنگ
خان کورنگ کتاف و رنگ کور به هم چه و کور
رنگ و یاشیم رنگ و او یک رنگ تو فراق رنگ کور
بهم یک چه صیف در رها وقتا اقا رنگ کور
یا یک بود صیف کورگان صیف لاریتیه
در روزه تو غائب لیلی روزه کسین قضا قیلور
بهم معلوم کون بود و لیلی نمازین قضا قیلور
تقلد اندام کینتور و سهر کور کونلارده بر کون
بی بی حوا اما نیز فی صیف واقع بود لاری
صفت آنا نیز او کدین کور و لاری اسی اوم من صیف
کوردوم در حال صیف نماز و فی مویا بوضعی

حضرت

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آدم بی بی حوا فریادی جبرئیل علیہ السلام
غایتی فریاد کیا اور میں نہ لکھ سکی کہ کیوں نہ پڑا پڑے بی
حوا صیف و قصیدہ نماز نہ ترک کی بلکہ میں نے
نہ وقت اور نہ بی بی باز صیف کو روزی اول وقت
روزہ کی بی بی باز صیف کو روزی اول وقت
روزہ کی بی بی باز صیف کو روزی اول وقت
روزہ کی بی بی باز صیف کو روزی اول وقت
روزہ کی بی بی باز صیف کو روزی اول وقت
روزہ کی بی بی باز صیف کو روزی اول وقت
روزہ کی بی بی باز صیف کو روزی اول وقت
روزہ کی بی بی باز صیف کو روزی اول وقت
روزہ کی بی بی باز صیف کو روزی اول وقت

حضرت آدم
بی بی حوا
فریاد
کریا

یتب کبکدی ایسی ایامی بر رخصت ہے وہ ایام
روزہ نے یہ روزہ ایک ایسی ہے جو روزہ ہے
قبلہ نہایتی شوال میں قضا روزہ واجب ہو سکتا ہے
فرق ہوا ہے ان خانقاہی امری پر مخلوق امری
فرق قضا واجب ہے ایسی دلیل شوال کے روزہ آتی ہے
پر ایک روزہ اول صنف اول کو نہ میں بر صنف
پہلے روزہ شوال قضا ہے شوال ہوا کہ
اول کو نہ قضا نماز ایک وقت نماز ہوا اول
صنف نماز قضا قبلہ شوال دور پہلے ایک
وقت نماز ہوا قضا قلا الیٰں بخلاق روزہ
ای دور قبل ہوا ہوا خاصہ میان قبلہ

میں

مبلمان صید و قیده ضعف سینه و طی قیدی شریف

حکم بر اول مبلمان غنچه توبه استغفار لازم در آنکه

کوفه و طی قید پیریم طلاس بر یک مرتبه در بعضی از امور

هم توبه استغفار هم تفریر هم صدق لازم در واجبات

بیان قیدی الر حلال و بی اعتقاد قیدی اولی که

بگوید شرع منکر ده بیان قیدی جنب است به طریق

یکم بسم و الرحمن الرحیم و بپرسد در دور یا این

و نه فای او قورده بسم و الحمد لله رب العالمین

الکریمه یشار قیزقان کور به اول صیفی است

اندر استیخار و سیرالار و نیز پور به الارکم جواب القیام

مع ابنتی خدیجه زنی منق قیام پس و قرآن او

منبع قلبی است و الیری برتیا تمک ریاد و در سید محمد
زمانه میدیدند شهریه بر خاتون بار اسیدی اول
خاتون دوام خان کو را اسیدی آخر بر کون سید محمد
علیه السلام انیک الیریه کعلیدی و اسیدی ای سید محمد
نکا برای ایلی آتی اوزولهای خان کعلور ^{من قور}
سلیما جلیقدین در نصیب خاتون سید اسیدی ^{علاج}
ندود اسیدی انده پیغمبر خدا بسیار سید هر یک اول ^{کون}
نماز و قوه مانک دید بسیار اول این کون عاده ^{کون}
کو تیک بون چون دید بسیار اندین کین غی قلب
نماز و قوه غیبی الیری خان اقیب سید دید بسیار ^{انستیک او}
چون کیم خان عاده بر نحو بار دور الیری ^{اطبر دایم}

حیفی و یک خان کتبی را به آن استیضاح در روز خلاصه
بیان قیدی میسند حیفی کو رکان خاتون میسر کرد
یا قرآن اوقیب بولاب یا چو رتوت با اولتور و سوله
لما بس طواف خانه کعبه قیدی بولاب و یا ناشیدیم هم
اچینین و نیز استماع الیب بولاب حیفی کو رکان خا
تون نیکو ایزازدا استیدیم لذت الیب بولاب استوزا
نام محو قولیده او شکل موضعی نیکو اوزیدیم متبعی
زواتر در قنارت حیفی و قیتده و امام طحی وی استب دور لار
بر استیدیم کیم بولاب و اوردور و نیز جنب کتبخ هم قنارت
قیلماخی و نقاب کو رکان خاتون هم قنارت قیلی
مکوز صبت شکر جنب حیفی نقاب میسند جنب حیفی

و تقابل الجود ب العالمين و رطبه دور يا ان با
شاده به به در رحمت الرحيم و ان يفضلي آتيني بر
که دعا او قویان زیاد و وقتیکم عالم بدین زیاد و
عین لاریسکه به طهارت است قرآن او قویان
دور و نیز او شویان تیفین حمد لاریسکه میس
قبلیم چون مکر قرآن در غلافی باشد و در سب
قبلیم و مکر دور قرآن در صفت و نقایس و حد
نیکی بر او شلاق و او قویان که او شلاق اول
سوره قرآن بود مثل سوره اخلاص و غیر این
او شلاق بر او و همان جمله است سوره شکر
میسکه صلوات و او اول کتب خاتون در وطنی قلیماق

خان کبک

خان کبیر کبیر صفی غیاثی کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر
قبیلہ امیلاری کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر
اور خان کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر
و طحی قبیلہ کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر
اور غیاثی قبیلہ کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر
شونجی وقت اول کاندہ خیال بہ اول خان کبیر کبیر کبیر
قبیلہ کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر
خان کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر
کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر
کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر
خان کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر کبیر

اولین اختیار و بیب در بار حضرت امام محمد در نقاب
آخرین بار و عدت او شکای آخریچ دین اختیار
لازمی عملاً دین فتوی دور و نیه کو بهت پاره کو بر
بعضی اعضا که عورت بول آنی بی در بار اول صورت
نقاب حکیم قبلاً در دین چوری هم شود باغ تو
عقبیم اول در بار دین در بار دین و افعل بولو اول کو
در بار اول عدت او تار بول نقاب در ایقان در هم که گوشت بار
نزد اول خایین اوج کون دین کم خان کوردی یعنی
قل صیف دین کم بول آنی استیاض در بار بار زیاد کوا
بار صیف معتبره اول کون در بار است یعنی صیف یعنی
نیکی پال بولو ده اول کون دین زیاده اول است صیف

و نقاب

و تفاسید دینیه صیفی ایچده ویا اون زیاده کورگان
خان اولوب کیم یولور ایستی خرد دور یو طلی خالق
ن کورده اول ایستی خرد دور یو فذ کور لار بارسی شین
قییم یولور یعنی ایستی خرد اول بولور که نمازین اوقو
ضواه نقلی وضواه فرض هم اولوب وینا ایرسی اول ایستگا
کاکورگان خاتون جماع قیلور سبیل ادمیه ایستج
قت و فرض نمازین اوقو یا لیمی دور بی طهارت لینی
سبیدیت یو دایم خان کیلور یا دایم بوزنه قنار یا دایم
ذکر سیرین بولور یا دایم جلاحت حقا و یو نداغ
بلایه کور قنار بولور اول کیش طهارت آن بوزنه
وقتده یا تیم شمر طبر جابو اوینه نماز اوقو بولور
اول

صاحب عذر گشت نه طهارتین سپند در نماز نیک
و قید او تنه نیک کوان جبهی کدرین برون نماند
بین او قودی اندرین چونک کوان جبهی اول طهارت
باطل بوازی و نه و فوال وقت بول اول صاحب
گشت نه مثلاً برتین وین املا کار طهارت الی اندرین
نیک نماز دین برتین و قود کروی طهارت کسین نماز
او قور نیک او چونکم فروج سپند و رور و فوال سپند و کسین
مختصر و قاید و بیان قیدی سپند در بیان کفین بود
اما کفین او چه قیم دور بری کفین سنت و بر کفین
و بری ضروری دور اما کفین سنت اول بول کور اول
لکرا و چه کفین اما کفین ایزار کفین اما کفین با شق

کفین

کف و دوزخ و بیخ با شیدین قد قبیح دور و این
ایزار با شیدین ایاقیدین نورت بارحق اوزن ا
ان اولو کتینک ایاقیدین با جاتی اوجون و نیز بری
قصد اوزون شیدین تا قدرتی دور لیکن شیکیز
یا پیزد و اما قصد یکی کف دور اما او با او
ایر کار لا کفنی اما ضیف الارک پیش کف دور
بری ایزار و بری الفاظ و بری قمی و بری ساجار
و بری سیزند ایزار و الفاظ و قی و بری بقاریه
بیان قلدری خا سیزنده نه حکم ایقار و بیخ
خی و بیخ حکم ایقار و اوزون بیخ اوج کوزان
قونوق اسپتدین تا نیز اسپتدین و بری و نیز بر

مذ

شعر پهلوان اول و اولی که اندک نونگی دیر لاریونغا

اتلو کنی یا بجاق کراک اوزون بر بریم کیز این ایلی

کزی پهلوان اول کنی یا بجاق کراک زیاد هم قلیه اولی

یا کویچریم قلیه نونگی پهلوان علی الارغوندا قلیه

بر سر دوزخ را خیده بیان قلیه سی اما کفن بودی

اولی که شیطانی مال قلیه نونگی پهلوان اولی

دین اما کفن ایلی پهلوان سی کمال برسی این ازار

نفاق و قیاس بر ضیق راه کفن پهلوان برسی

برسی نفاق و برسی خمار کفن ضرور بعدد اما کفن

ایر و خانه نونگی بر کفن نورد اما برسی برسی

پهلوان کمال در بیان کفن صغیره اما ناسیده

ایر کمال یا

ایر کار با قیز یور تیے باشی نیکو بی بر کفن ردا
دور تیے باشی ندر ابق یور ایکی کفن ردا دور
اخر بی ادج کون دور شلا ایر کار ایلور غالی بر ادر
صفره وقتیده کتا بد ضلایه میان قیلک مینک در بیان
شپتس مرده اولو کنج یوارده اول یوزین کوزیون
اندین کین ایکی قولین یوسون آغزین یوزین نیو
اوارد یوسون بولار دین بوزی صفا رفق شکل دور
اولول باشی مینج ز صیده یوقد اولو کنت
چین تر دین کو در تر غین المیون و بیخه خو
دار لارند باشی و بقالین یوزتسون مثل کافر
عیز یور مچا کیه گاه اول دار لارند طاق یور

دشمن کراک انوسین کین پوول بانیدین یا تقوز
اونک یا نیدین یا تقوز پوول یا نید اوچه مرتی
قوسون انوسین کین اولتور تقوز بلا مت لیکی
برلا قارنین سیفوسون وار تیدین خا کت و یا نید
خوب یوسون خا کت صقون برین غی قیل
قیل و ایتی هم فابولور بعضی لارا ایتی انوسین
بورون دین رنم بره قی ایتی فابولور انوسین
کین باشدین اوچه مرتی یوقولور خا کت
دیر کین کتور کین خا کت لیکی ده خور یا نید
اول هم انداخ یوقولور غی شرح او اوده بیان
اول ک برتر لے انور تفوق لے یوقولور معده پادام اولد

قید قو

شهر بخارنرخ شود کونیه خراب قلیب بول بوغوا

سی بر فدیة قلیقا صورتی دوره بو تدر اعمو

من الشیطان الرجیم ولا تذر وازره افریب باکلا

پرتقهریکه ازین متون از زمان حیات تا زمان مو

واقع اعدا بخت بعضی را ادا کرده بخت بعضی را قضا کرده

بخت بعضی الحال عاید شده بخت بعضی موت درین

ادامه اشیا را شما بخشدیم بستی کویا هم قبول

کردم شما بخشدیم در طلام ثانی این طریق کوی قبول کرد

از بزی فدیة صوم صلوة و سایر اوجبات متروک

بمعن متونای یکی را چون اشیا مذکوره حالت

بشما دفع کردم بستی کویا هم قبول کردم شما

بسم الله الرحمن الرحیم

لیکن بتدیع بولور یا بر کیم استی کینه کبره قلیطان کنه دایم
 دوزخ او تینین حقیقی سید رب اعتراف و قیام بتدیع برین
 بدعت کتند بولور و نیز کتند تا کلا کتند که کبره جو قرین
 قوشوب و ادا ان نیتین سید بولور خدائینک و ادا سید کور
 مابین ای کچه بولور و احوال الاعراق عذاب البقره جو کافر
 یعنی موندای بولور لایه استی کچه بولور کتاب منجی تین نیتند
 بیان قتیدی خبرده بر کول پیغمبر خدا استی لاره قمار کتند
 مؤمنان و جنایه سیدین ادا کتند او قوشوب سید سارا
 نیتال عذاب قبرین کتند سارا کای و کتند کتند او قوشوب سوال
 نیتند کتند ایان قلیقا و ایتوز کتند او قوشوب کوری کتند
 بولور قرق کتند او قوشوب و ادا بولور کتند کتند کتند

ادلو کتند

اولو کنج افغانی لار عاظم طیار قلیانیه برای دی صدف
او چون اول اشغی عا لار ریب بو و من لار ریب بولور
اولونک کیلکان کنج لار ریب بولور و اولونک کیلکان
لار ریب بولور و علی الفویده زخیره بیان قلیان
سیده و در قضا اولونک کیلکان اولونک کیلکان
کوب فریاد قلیان جامع المفسر قنده بیان قلیان
کوان لار و بر کون ریبون علی السلام ای بیار کیم اتانای
ار حیدریت مرتب لور اخلاص او قوب بقلا
نورک تولد کای تاقی مت قایم بولور و قلیان بیان
تیم در سلینک واکاه بولونک تیم طهارت غیبی معادین
نوتار و قمار بوردین عا جزیل یعنی بو اذراق نور

فیک قدم برده بود که در روز بیست و یکم کسب کشتی کار بود
کسب از یاد بود و باقیه نیز یاد بود و باقیه طهارت قیلا
چون سوین تجریم در روز بیست و یکم برده و دشمن بود
برای الکام کولو کیدین قور و کسب در صحن قیلا
دین الکام کولو کیدین قور و کسب در صحن قیلا
قور غیب بود الکام کولو کیدین قور و کسب در صحن قیلا
او در تجریم داد و رشک نماز عید بود الکام کولو کیدین قور
یا تیم لبق ایدی شروع قیلا طهارت یا تیم کسب
قیلا در رشک او قور بنا قیلا ای اندین کسب یا طهارت
تیم باز پسندیم قیلا در رشک نماز عید
ک الکام کیدین او در رشک تیم کسب اول

اور وہ یوزین سفید مائع دینے پر ضرب اور وہ ایک قبیلہ

سفید مائع مرقعہ دینے پر ضرب کر پار اور جی ضیق

بوزین بر دینے جب تک کہ ہم تھیم قلیحاق رواد و شدت قوی

و قوی قوی و کپال قماش بوزین نہیں دیر لایم بولار

ر و اور اگر چند بولار نے غبار ہم بولار اور دینے

کر پار کر پار کر پار بے نیت اور آغاز دینے تھیم قلیحاق

وقع کر دینے بوزین تھیم قلیحاق رواد و دینے سفید بولار

بوزین بوزین دینے بوزین تھیم قلیحاق رواد و دینے تھیم

نے اوقو بولور خواہ فرض خواہ تغلی بولار دینے تھیم

اول کشتے تھیم قلیحاق دینے کین کین بولور خودی

بوتابن اول کشتے تھیم سفید و طہارت الہ کشتے و دینے

لری یحیی و ندین چقیق باز دنیا کردی کاش اول یحیی غام
قلیب بولوسیتی اولدور کیشکایری قندین بولکلیوز بولامید
بویالینغون تیار منیب امید قلیب اولکنغ غاز آفر قنده
یحیی قلیب غازین او قوسون مین اولدور کیشک
قدیر مانع مقدار اوچه کزیا توت کوز قونم یورین بولغون تیار منیب
بیلکین دور بول قلیب قلیق اولدور بولک اولکنغ
یحیی قلیب غازین او قوسون مین بولک یارینغون توت کیشک
اچیزه بولبار سردی او قوسون غلذین اعاده قلیما بولک
وقارده بیان قلیدی کیشک در بیان مینغ نار سحاق استونک
اوستیکایر زور غنایه طهارت آدم ایاقین بولار اولدور
نار سراقه اولدور طهارت دین بولک نار بولک اول کیشک واجب

انکاسیج

انکا چھ رو اریس تاغی قلیب باک بولمونی ویند منض
پہچ اور ج ضداد و مقدار او ہے بارماق بر او توکل کر
تقاق تو یکدیگر نومان اول قیما بقا ایاق یونغانوہ
پہنت فرضی اورین با پر یوز سلماق بکر لازم اور درج
یزدور جریو قیاس اول قیما بقا ایاق بولمونی کبار لار
پاوق انز قیما بولون دیب ایجا اول قیما بقا ایاق بولمونی
دین اول نمکر پرا بول اشوق قیما بقا ایاق بولمونی
وقواہ یب دین بولمونی اول نمکر پرا بول اشوق قیما
مقاراد و نیش بولمونی ایجا بولمونی طوقا بولمونی
وقتی وبا طماق بولمونی مقاراد و نیش بولمونی
بولور جریو ایجا بولمونی اول نمکر پرا بول اشوق قیما

سیرت تو سز کبر و ایزد کریمتے بولے حضرت نے بوسپن و کر
 یا فب یوب غماز قیلے وادور مسیح تاریب بولے
 اذکرے عمر سے برا غما سپین بارے ہے جرحت بولوی
 باغلا ہے مسیح تارے روادور مسیح در بیان مدنی ہے
 یقیمتے سرجی رکو نوزدین کہیں مسیح تارے مقار و ایزد
 دینہ طہارے کینفان وقتیدین برکین خبا قیلور
 سپندور در عمر روادورک طہارتے نے سپندور مسیح سپندور
 دیکر مسیح نے سپندور غوجی عمر مسیح دین اولے
 ایاق مسیح تاریب بولے سپین وینہ مسیح سپندور غوجے
 اولورک وقار اولی کاپدین کہ سخی طرفینہ صقیہ
 اول کتجے راج بولور ایاقین یوماق انینک

ادجون

او چون مسیح باطل بولور و نیز مسیح ناریب بولای سپاد
ن اول تو نیک بر توحی با اول بر توفیق مقدار او چه بار بقا

لیکن یک بول مسیح ناریب بولای سپاد و نیز اول تو نیک بر
توفیق جمع قید انکا او چه بار بقا پس مسیح اول او
مثلاً مقیم کنی می از بولای بر کنی وین بوردن اول

نیک بولای می از آخری اعتبار دور می فراد چه چه
کوند ز ناریب و مقیم بولای که صورتی ایاقین بوق

کر ال بعد از می با قلیج فکر کر می فراد دور کر او
مید و بولای دیدین یا شهرین باز قصد قلیج او چه

کی کوند بولای توحی بولای سپاد و بولای توحی او
بوزر بولای سپاد و بولای سپاد و بولای سپاد

ضبتی دور یعنی فوری برده یورپ و نیزه قاصد یورپ
بر وقت شمال معتدل یورپ یعنی باد عدل بر اول عمر

پس ایضا در پرتو دو زمین چونک نوبت است یورپ
قهر فیلیون فرض زمین یکی یار در رسته یونان قهر
میتواند بر درادن بگذرد و نیزه یورپ مدتی بگذرد
اول گشته یورپ بر سر کار و یاقوت کلبه از سر کار بر کوه

اول گشته قهر فیلیون تا بریم ای بر برده یورپ یورپ

من و بحال بچشم کرده قله تر که در یعنی قزاق و قزاق

لغات و بلوچ و عرب دولت و در جای صحرا یورپ

سین اقامت فیله پرت ابریس دارالبحریده نیت اقامت

در پرت ابریس یا باغ ایلین قس غنزه نیت اقامت

ایرین الکر

اگر میں اگر چند کی کو با تورا پہ اول کیش نے نیت آقا
قیلے جا بول اول کبول ہے نیت میں در میان نماز
قضا شدہ کیش نیک سفرہ نمازی قضا بول اول نماز
نہ قضا ہیں اور قور بول اول کیکانہ اول قضا اور
دو قسم وہ نمازی قضا بول اول سفرہ اور قور بول
قضا نہ تھا فائدہ قور و نیک کیش میں صحت بار
یعنی بول اور با قور بول یا با بول با قور بول یا
بے حکم حج یا قور بول یا بول یا بول یا بول
صحت در بار بول یا بول یا بول یا بول یا بول
نمازین قور قور روزہ ہیں اور اول اور اول
کو ندرت پہ تار پہ بول بول بول بول بول بول

کنده سخت دیکه ایشی دور و افکار هر وقت که کوی
فتک پر بودین بوی فاعده آفات و وطن قیلت
اول بهار زالدی بر ار قافیه قراب کوی و قصد قیلت
لا معزین مانده بار غایب ای کینه او تار تار
بفرور اول بقافیه او قوم بهار اندین بوی کینه
قیت الی بر کوی بوقافیه لیکور بولار بولوی
قهر و قویون لار اندین کوی بر کینه تو کینه
او قویونار غولت خوف و یکان کتابیدر بیان قیلت
الکراش نیک استیال دلالت کفر لیکینه بولوی
ستیال کفر لیکینه بولوی جواب مفتوحه واجب در کافر
لیکن فتوی بر بولوی نیکینه فتوی بر بولوی

موزه روزه

موند روزگاریه و یکانه بیان قید می سپرد بیان

شده بود و شمه زبیب اندامی کشیده است و اول

کلیت بیجان بود و پیکر بود و شبه بلا غنای تکیان بود

ظلم بر اولی و کمان بود و اولی و کمانی قصاص الحی

ریش و بی بیان قید می کشیده اعلام دور اولی کشیده

نماند که جنین دین او را نه زباید و کم صلی

پس از آنکه تمام قبایع را تقوی است و اندامی کشیده

بوسون و جنزه او و قویون اول کشیده و در اول

کشیده جانین بر کویون اندامی کشیده

در اول حکم اول بجاور بر اولی و کمانی جراحی نالار

مطهره بیع شده اند اولی و کمانی کشیده است و اولی

سند یوسف نارا چر قبا بول ای شیوه دین دین قبا
ال پیا او فلا به باطام ای پیا در دین دین اقلی با شیوه
سایه قیل در سپا باقی نور به از عقی ای کت
او قو غوی و یا اول کت شیوه صیت قیل بر سحر به کت
شاه حکیم در لارا اند یوسف نارا در خانه او قو یوسف نارا
سپا در میان باغ شوره اول کت سپا لارا باغی پیا
یوسف یون بون خا نیکی سپا لارا شکی یوسف یون
دین یون قلا طریق بند یون نارا غریب اول کت
اول کت یوسف نارا و کت خانه او قو یوسف نارا
میان شین صیت اول کت یوسف نارا و کت یوسف نارا
وقتا اول کت یوسف نارا یوسف نارا لارا
اول کت اول کت

او شکر اولو کمالی بولایتی بولایتی بیست و نه تیراق لیب
 بازنگارانی خدایتی رحمتیکه داخل بولایتی
 ایست و اگر بجان بنده بولایتی بولایتی دایمی
 قبیله الکتی در پیردیب بفرورد بولایتی
 انیکه ازین اولادین اوزر که مخلوق تارالتیوار
 میست اگر اولاد استیضیان بدوش بولایتی
 مؤلف ریاضال حین به بیان قیله کسب در بیان
 بوال فکر ذکر بر وقتا آدم زاندر الکتی بولایتی
 قوی اندو ایغ فرشت حاضر بولایتی
 در اول ایغ فرشته اندون بوال قیلو من
 آدم اگر نیک بخت بولایتی بولایتی بولایتی

الیدی الیدی بولایتی یا الکتی فرشتی بولایتی
 الیدی الیدی بولایتی یا الکتی فرشتی بولایتی

دیراد جو بی بی پوال قبیلہ میں دسینک ویرا کا بیٹا
پیام دیراز پوال قبیلہ میں بنی کہ دیرا کا بیٹا
کہ جو مصطفیٰ صلی اللہ علیہ وسلم کے جواب تھا
پہلے فراتنگ رحمت اول سبزہ کہ واحد پورا
اداننگ پوال قبیلہ جو برائے قبیح شدید غدا
کہ کہ قنار پورا قنات بوغونجی برکم پوال
ننگ جو بیٹے ننگ پورا متغیر در موند شری اور
بیان قبیلہ واکراوم اور پند پوند پرا
کہ ایتر لارنگ ننگ پوال پورا پورا پورا پورا
قوی مذہب پورا موقعا ابو جعفر بی بی
ایتمند پورا پوال قبیلہ اور شک تا بقوت ایتمند
اد چون

او چون تابوت بخزل کورد در مینا ابو بکر الاعمی و
ک عکرمز استبد در اول اول کولین سوال قلبی بسیار ما
میگند که کور که قوی شوخ استبد او چون دور خون
و بختید سوال غیر کمر خیزه دور تا نیکه قبر که قوی
کال پس به الحاسب دیدید و مینا ای که تورغان که
اول انک سوال بارو یا یوسف ویدی جواب بر
لا رتحم جاندریکه فرزند اوم دور اندین سوال
و نیز بیفر لار دین سوال قیلور اول فرشت لار کوزی
تلقون استوب جواب بر در این شرح او رده
ان نفوس میان قیلور و نیز هر دلا مینا هر کیش او
لف بر اولد به انچه اولی ولایت در قبر کاتو پان

الکرمی از آن کوتا روی بر میل ایچ علیجه زیاده راقی بو
للام ردا در حلاب ده بیان قیدی بو بی تقویر اول
اول کونیه کونیا پس دین ایلیکاری بو اول دور اول کونیا
پونک کوتا سه پیکار سپریم اول کونیه کونیا خلا
قید در اول کوتا سه پون و بعضی لار کوتا لپون و بی
دور اول اول کونیه کوتا سه بو اور بر اون فی برین
یتب العیب کوم سه بو صورت ده آن کوتا ملکره
نقیضه بیان قیدی یا اول کونیا بیان فی شفیع
قیلیب الدی اول اول کونیه کوتا سه بو اور مستاد
بیان صوم قاضان من نفی صوم دین روز
نفا تور لار روزه لوتغون کشف الشک بکون
په ایچ

پو اچا کپون و ضیفی پے برے یا تھپون کھڑے
نکون بات قوی و روزہ دار کیتھ نیت قلبیون
قلیون افتام و نیت قیام بولو اور رمضان نیت
شرعی و نیت نقل برے او اسی روزہ بولو و نیت مطلق
و اچا کپون روزہ کون ادا ای رمضان بولو اور
روزہ لاری ایسے ایسے نیت نیت نیت نیت نیت بولو
الکرنیت قیام نیت برے بولو روزہ من اوتق بولو
ایسے من دسپے اصلا روزہ ایسے نیت بشرط قلبی
و نیت از برای قضای کفارت و نیت مطلق غلجی
نیت قلبیون و نیت قلبیون نیت قلبیون نیت قلبیون
بولو و نیت اولاد نیت روزہ ایسے بلیغ کون و نیت

۱۰۴۰

کور پر روزہ تو تپوں دینہ آدھ روزہ شمارہ
 ایک کشتے کو الینے پر تو تپ اولوز کو ندین کین اچ
 بواو اگر آدھ بر کشتے کو الینے پر تو تپ اولوز
 کون دین کین اچ بواو الحاس دین پلنگ بر شریک
 روزہ بار دور قرانڈہ ہم بار دور سپد در کفارت
 صوم دین روزے پسند و زرب پنے بیان قبلہ کشتے
 روزہ اکیند جمع قبلہ الیغ یا کیند قصد ابر
 پے اچ از برای طعام او چون دین بولا شریک
 رین قصد قبلہ اول کشتے که قضا و کفارت لازمه
 دین کفارت که بر قل اذ او قبلہ اگر انکا قریه
 الیغ شریک طعام بر سون کو جی شریک
 آسی پے در پے

اگر چه در بعضی روزها تو سبب این کار کننده
صوم دین بر کیم روزه دار خطاب بر او چه بولا عقدا
دور کسان قیلدی روزه دار کون بابتدیب یا اتر
بگردوب اغزین اج شانه نالک استن کون با
ن یوقا ایش نوکافه نام قیلور یا واراد چون
داری قور اولداری قورنغ با تبه یا دغان تبه
لیکین قورنغ اغزین پوروتبه روزه قورنغ بو
ویا اوش قاتاش قورنغ بولا روزه بار کافه واجب
بولور کفایت لازم بولور یا قصد اولورسی اغزین
نولوروب قورنغ بولوریم لازم بولور مثلا او
ل قورنغ نیک اولور یا قید کتیل روزه سیماس

و قضا هم بومکاسب یا او ضراب شکران منو کابم روزه
پنجگاسی یا بر صلوات یا ضعیف یا کور که شود
افزونی قیام روزه پس پنجگاسی و یا قضا بومکاسب
و یا روزه دار کشته تنگ تا غنچه جبین کباب روزه
پس پنجگاسی و قضا لازم بومکاسب روزه دار کشته
نورت یا قلیق حیوانی جماع قبله و یا اولگان
قیز و خاتون در وطنی قلیسی روزه پس پنجگاسی
الکر شود اقره الکر شود اقره روزه پس پنجگاسی
قضا قیلور و یا شکی طانیس روزه پس پنجگاسی
انیزان منی بومکاسب یا روزه کشته قرند و یا خاتون
نمی بومکاسب روزه پس پنجگاسی و قضا هم بومکاسب
الکر شود اقره

اگر شهود اف بکدی قضا لازم بود روزوار
کینه تیش ایشیده کچی نرسنه بدی بخودین کم
بوسه رود ابوبه روزه بکسینا پس اگر خودین
ببول روزه بکسینا مگر روزه دار شه بخودین کم
نرسنه قولیغ ایب نرسه و اغزیغ بایب توبه
روزه بکسینا نرسه روزه او چون که ضیا ببول
بولو بکینه اگر ضیا ما تو سون تا حاق مکرده دوج
و بر عمر بکسینا ما فی هم روزه دار شه باشی بکسینا
ضیا بکسینا بکسینا ضرورته مکرده ایر رسین و نرسین
خاتون بولو کینه بوی حاق مکرده دور اگر انیز دل
بولو بکسینا ضرورته و نرسین قونی یا نرسین بولو

اول گفتگای بوق قضا لازم در روز قیوم
بیان قیوم الکریم در روز بدو جنب بودی
کسی غیب قیومی تا آنکه در روز پس در دست دور
تا آنکه چه موافق خلاصه بیان قیوم روز دار
کنند بجز وقتیه خاتون نه و طی قیوم عثمان
عمام وقتیه اذان این پند بود که شنبه ایست
اول گفتگای حکم بر کفایت لازم در روز با یو
حق و علم الکریم همیشه لازم اذان استیون وین
پوند حرکت قبله فیلسین و قوزیه الکا
قضا لازم بود الکریم استکان دین بودی
حرکت قبله او پسندین تو شنبه اول گفتگای

یوق قضا لازم بولہ اگر روزہ دار کشتہ ناک

انفہ یوق دیب و یا کون یا یتدیب قصد اطعام

بپ کھارت لازم بولاس لیکن قضا و چپ بولور

میچہ و نیزہ بیان قیلدی روزہ دار کشتہ برصلو

قیزی و خاتون غم تفکر ایلاب اب منم کے اقعہ

روزہ پنجا پس اشنگ او چون کیم اول قز خاتون

شنگ فرجیکه روزہ فکری کرمای اقبہ رشول سب

دین روزہ کے پنجا پس و نیزہ براد زوقی بپ کشتہ

ایرکانے اعصابی خاتون ذاعصاب ایرکانے

تنگ اب منم کے اقبہ جلائی بو ریزہ اندالوش

چنگ قز یا خاتون ذاعصاب ایرکانے یاد زوقی

نور

سیدیں فوف ہوں انہی کے ہاں چون اول
خانوں آج ہوں پیر ہوں پیر
ضرور ہوں یا تو روف یا نہ ہوں تو ہوں

کچل اول سپیدین روزہ کچلین یہ ہوں اول
شکل جمالی لا قادر ہوں فیضانوں نے ہوں
میا فریم کچلہ روزہ کچلین او ہوں اول ہوں

نلا غم فریہ ہر مہینہ ہوں کچلین فیضانوں ہوں اول
اکرم ہوں کچلین کچلہ روزہ کچلین ہوں کچلین
مہینہ ہوں روزہ کچلین ہوں کچلین ہوں کچلین

کچلین روزہ کچلین ہوں کچلین ہوں کچلین
بار ہوں ہوں کچلین کچلین ہوں کچلین

تاریخ براقا ایرمیش دیب ایرمیشک پوز
بین اغتیا قلیب اوله خاتونین وطنی قیلک
تینگ کورجه تانک آتق ایرمیش اول ایرمه قضا
واج بولور اول یالفاخی خاتونیم قضا و کف
ر لازم بولور نوادرده بیان قیلک روزه ده
بردم تانک اوزاق دور دیب خاتونیم یار
جماع قیلک باز خاتونیم زاد سینه توشته
داب نغچه پیم اقدی بوسه درت اول
کیش تینگ روزه کیم سینه سینه نوادرده بیان
قیلک بردم کونور زاد خاتونیم ایتلام بولمش
زند بونک رنجیم ایلک دیب قضا و طعام
اول کیشک

تو وہ اب بھی ہیں اقوز و بدور روزی
پستی پس دور شرح اور اراہ بیان قیل و قیل
زکوٰۃ زکوٰۃ بر ماکنے جائے درخی مال میں رہا ایز
حاجت اصلید میں زیادہ پور و مینا رطید میں و
دکی کول کو گید میں زیادہ پور و مینا رطید میں و
قوش ہو کوز میں قوش پور میں و پور میں و
ضعیف لار نہ باشو کوز میں و کیم یا پس میں زیادہ
پور لار غم زکوٰۃ واجب ہو کیم اتا تہوہ میں زکوٰۃ
پر پش تہوہ کہ پور قوی اور نہ تہوہ پش پش قوی
اور پش تہوہ پش اور ج قوی پش تہوہ پش تہوہ
قوی پش تہوہ پش پش تہوہ پش تہوہ پش تہوہ

یعنی پیش از در غایت بطلاق او و چنانکه قدم قوی در
فرق آن بوی بر حق بر چون یعنی او بدین نور
قدم قوی در حق چون التماس بوی بر فتنه
ن توفیق در پیش از حق بر چون او توفیق التماس
بوی ایچک بنت بوی بر چون ایچکین او چنانکه قدم
توفیق قوی توفیق بوی ایچک بر بوی ایچک
هم در غایت او بدین توفیق قدم قوی بوی
بر چون توفیق بوی بوی بوی بوی بوی بوی
قادر باشد پیش از بوی بوی بوی بوی بوی
بر چون علی بن الفقیه بر بوی بوی بوی بوی
بیان زکوة بقیه ایچک بوی بوی بوی بوی

بر چون

برسوں برت ریر کال تن یا او نجا جن برسوں
حق بولے ایکیشا میں یا ہند و علی القیاس
میں ذکوۃ کو پھندی دینے قرق قوی یا ایکو
برسوں ذکوۃ برسوں و علی القیاس دینے یوزیکر
بولے ایک قوی ذکوۃ برسوں قیاس ایک یوز
بر کا قوی بولے جو قوی ذکاۃ برسوں اندس
پونک ہر یوزیکر قوی برسوں و علی القیاس
دینے جو کہ اشاک ذکوۃ یوق دور مکر براسی سواد
الکب قولین بولے تجارت اور چون الارغی ذکاۃ وا
جب بولے ذکاۃ طلافی واجب بولے و مال تجارت

واجب بود و اولیاده بود که بقیه که زکوة و ا
جب بود و قویلا که بر دقتیست بود که کاذب
واجب بود و در عیالی یعنی لاری که او بر بود و شسته بود
انکاد آوة واجب بود و حساب است که در شغال
اندرین پیش بریم شغل زکوة بر چون در حساب
یکی بود و در اول تنه که بر شغال دور اندین پیش
تنه بر بین تمام فونی اولیاق غم زکوة واجب
مگر زماله کار را لاش بود زکوة واجب بود و در نزد
چون بر به دست دو طرف او چون و در ح او بود
بر بر با قیلتی لاری که بر به دست و دست
بود که تا سیف اگر فیکه بوداری با بر او حکم زکوة
بوالی است

بیلما

یا دوقلو میزندین بوسه بچاندین بزی
سین و چه جواب ایقید از روزه میثاقید بری
بیلما حسن و بیلما سندی بوسه بچاندین بزی
جواب ایقید میثاق میوالعمر و الما شوق و انجمل

معنی فلک با اول در که وقتیکه حق پیکار و تعالی سیر
نه اردا چیزی نه او ز قدرته بره سید قیدی اندین بوسه
نیک پردر کار عالمین نیک گیدی ایست بر یکم معنی

اول بولور که ایامون سیر لار نه پردر کار نیکتر ایست
منه خوانده سیر لار نیک اردا چیزی ایستی فالو بی
یک معنی اول ایست سیر پردر کار میزد در سعاد

تمام جهانیک پردر کار سیر و سیر نه فو اه
نجم جهانیک پردر سیر سیر سیر

بندها این قید است و حکم قبله و بیرون از او
قبله این قید است باز بندها این است و از هر
ند که قیدی خدای تعالی شد بر او از بنده
و همه اینها قیدی اول بنده است از آنکه طرف داعی
لا رکیه قید بخارند خدای تعالی در بنده قیدی
که در بنده اول از آنکه طرف داعی است که قید است
ای قیدی چون بنده بنده بنده طرفین که
قیدی اول قیدی که بنده بنده در هر طرف است
خدای تعالی عرض قیدی ای قیدی خدای تعالی
لا رکیه این خدای تعالی اول از هر بنده
ای قیدی بنده این طرف از هر بنده که قیدی است

قبیلہ کا اوشل وقتیدہ خدای تعالیٰ دین نکند کی
حضرت آدم غزای آدم اول قبیلہ ایک سینہ را سینه
ایر دی کی یک قبیلہ اول اول مو اس لار دور باز مو
کثیر اول لاری اول کی اقبیلہ مو اس تو غیری شانی
یک قبیلہ کا ذکر اول اول طرف ان کی کی کی قبیلہ
بکری سبب ان دور بہت کہ بار دور اول لاری کی
مادی بول طرفہ دور کی در جے بار دور
اوشل وقتیدہ خدای تعالیٰ دین نکند کی ای
آدم بوسندہ کی عت قبیلہ اشک طاعتین نکند
کناہ قبیلہ ان بوقدیمی اندین بونک فرست لاری
اسی خدای تعالیٰ عت نام یاز غیل دیدی لاری کناہ بندہ
دین اول توبہ

دین اور تپتے ہوئے قبیلوں کی رکنی دیدار خدا تعالیٰ

دین نڈا گیدی آری کسی زمین دیدی اندر

نک حضرت آدم نامہ باز دی لاسام قبیلہ خدای تعالیٰ

برقشتر نڈا گیدی بویوردی بو عمر ہند نامہ

نیک کابل دیدی اور حال آغزینہ سبالدی تاش حال

اول صبح الایود و سب آت قوت لار آغز لکھ لکھ

فہ قویفاندر جیبری علیہ السلام کلبتور و جلال

یونیک بیت المور نیک راپت یا بندہ قویدی تلقب

بولغوی اندرین بولک صبح الایود باز لکھ قوی

حلا حاجی لار بوقت اند طوف قبیلہ تانگلہ حسین

کوشیدہ اول صبح الایود باز قشتر بولور عمر ہند نامہ آغز

الوزراء كريم كريم في علي عهدنا من خلاف اولئك في
في غير وويله در بيان نشانه آخر زمان جهان
و قصده نشانه اول كه نيز به برسد ويران قتل و ختم
كتاب لارده و تفصيل داده جواب ابي بلار في شهر
بولنگ اول شهر امان بولنگ بولنگ اول قضايت
بولنگ دين ايلكار سراق بوز و ننگ ايندا قلع و كنج
عذاب بر سبلار بولنگ ليكن ختم و قبا و ايلار
اينده كوك بولنگ شهر بولنگ بولنگ بولنگ بولنگ
ويزه مدنيه شهرين اشليق ويران قتل و مصلحتين
فوزل ويران قتل و مصلحتين بولنگ بولنگ ويران قتل و
مشيق شهرين شمالي ويران قتل و موصول شهرين

جورجوت

جو صفت قریب ویران قیلور بعدا سترین سما
ویران قیلور و ترکیب سترین خلقی آفرینی
بویغی پوراک بفرین قوت تو شوب ویران قیلور
دش اب بریلجی بویغوز آفرینی ویران قیلور بخارا
سترین قیام الیک ویران قیلور و سترین قیام
جو کبلیب قریغای و دانای قیلیب ویران قیلور و خطای
خلقین اسپانین جیان یا غیب ویران قیلور خوار
سترین آتش آتش ویران قیلور سید و سترین سترین
می جی ویران قیلور و اسپانین سترین سترین
قیلیب ویران قیلور و سترین قیام الیک ویران قیلور
دیند سترین قیام ویران قیلور و سترین سترین

سین سیم خدیجه ز لار که اینست کتبکان دور هر دو قرار
آخر زمان یقین بود جهان معلوم قیام خلافت
فندق صلوات بر اله باطل اوش ایقان معلوم
دور سیم و یکای ابریه در جهان لعین قویله شونده
بولی نذیب لشکر یکای احمدی او علی عهد قدس قبل
قبل دیکای اوش در جهان معلوم قویله تازیانه
ایوب عهد قدس طرفین ایشات قیامت ابریه عهد
اول خلافت کوریک اول کوریکای نین تازیانه
قیامت نزدیک کوریکای او چه مرتبه موندان قیامت
جبرین زیاده قیلا الم احمدی او علی عهد کوریک خلق
لشکر سی بر اول در جهان فدا اوش قیامت اول کافر

شکرین کوب فریب دجال لعین در عا جز قیلااد
المقا مکر طرفیه بار الیدیب یونیز روان بولقا
کوفه عجز الیدیب که بر میزد لکای ایرب احماد فی عبد جم
شول کون نماز صفین در اد قوب روان ملک بولقا
یولده یاتر تو سنده بر فرشته ای تاد و اسی احماد علی
عبد جم قوب فی سینه که بار عنیان در او مکار فی یاری
بر کنل انیکه او چون دجال ملک الیمین ضرب قیل
دیب انه او ایقان ازین چونک عبد جم تور در بولقا
راوند بولقا فی امری بر فرشته بر شیک تنابین بار
نهادن عبد جم صحیح صلابتی و قیده مکر است
بار عا دعال ملکون انه تور در ویران قانقا
بر بکوف

صفت

بر کوفه را کسی بر بلیق یوں بڑی لبیکس نماز

پونک چھو بند کو کیدی دیب جو ان کیکین و باز

یک لاری از شیطاں بدو اننگ کیرینے کن کیکابن

یزد جان بلوون باز قضا عبد حمد قیظای و غیر

صلیہ ہم قیظا محلا بے تبالا عا جز بولقا ابرو دجان

صلیون قبضه انغای ایجی دی بولکدی دیب تن انغای

رہ بارغای اول اسم اور و شوب المود و شقا انون قاصب

بارغای انون عا جز بولقا انون قاصب مدینہ کبار

عجا او شہزاد اطراف نے قاصب تو شقای مدینہ خلق اور

وش اننگیز قیظا اول و رفا لیکین زیادہ مدینہ

قیظا اما مدینہ خلق جالون کوب عا جز بولقا

دانش حضرت زین العابدین در او بسیار بود و قیامت و عیالاری بحکم
بولش اول وقت و صند و خدای سما درین فرمان بود
ی با عیال کجا درین تو شکلی و یکای فرشته لاکمان
ملکی قلیب سربوز یکا الیب کبیکایار تخت او بر
اولتور غوز غوز غوز یار و نیز خلق لاک حضرت عیال کور
ب زیاد و شادمان بولتور خدای شکرت بی شک
تور ب حضرت عیال ز یاد و قیامت اندین سونک
ملعون اولتور خدای فی الحال و حال ملعون
حضرت عیال کور تا وقت خدای فرمان
بولتور ای بر نیوت و یکای دجانی سربوزی محکم
بولتور تور عیال حضرت عیال باریب اولتور حال
اولتور

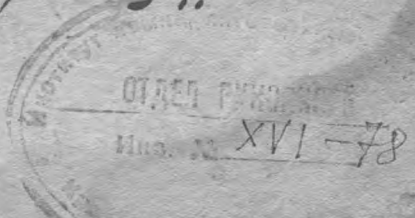
اولتوروب نیزه در کواکب اکیدین کرب از قرین ^{صفحه}
جانم جهنم کتیقای اول ملکیون و تندیون انقدر قال
افقا اون ایچ و سچ برک کتیقا اندین بونک مسلمان
کیلیب کافر کسین قرابریکای و تسمین بوق قیلنای
دنیه پریده کافر بون بر دین نذا فرید و قیلنای
قوم دجال با ویب کور پاستیب برکای اندین بونک
بر یوزر کای علی بن ابی طالب علی عیبه علی السلام
ادنیفه اولتوروب است لاریک قشریا سفیر لیک و یاد
شاه لیک قیلنای اول الامر بر کون حضرت عباس
ادنیونده اولتوروب الودیلار فق تعالی عزرا لیک فی
رضان قیلنای عیبه جانین قیصر قیلنای در اولتوروب

حضرت تاش دین اولتورغانده قفسرد چه قبیلها
قال الله ان الیه راجعون و پس ملا حضرت غلام تقی
لا رین لونیوب نماز و قوس لاری بر جالیکت و بنارد
ضد ان حضرت و فن قبیلها لاری و قوس رسول کشین
لا رین بولقاس اولام ایریم ناز عینی خیمت لاری
بظاہر بولوسی دیکای اندین بونک یا جو چه حاجت
صفا اندین بونک و ابتداء صفا و مضرین کون
صفا و مشرقین کون باکای و نیز عیامت لاری
بولقاس ایما الدنیا آخر وجه اعلم سید کرم
صدق بر ایلی بوز رعت نقدین اولد در کرم
برادری چه چین صفا نقد رعت نقدین اولد
کرم بر

هر کس بر نفس صبر کند در قیوم تار تپ ای که فکر کفایت
نماز نفلیدین اولی در هر کس بر فرد عیب پار کفایت
اولی نماز کفایت نماز نفلیدین اولی در هر کس بر
نیک حاجت و جفا که کویا که اولی نماز کفایت
نماز نفلیدین اولی در هر کس بر فرزند عیالی و خدمت
قیلیدین اولی در هر کس بر کویا که طاعت قیلیدین
ثواب انعام و نیک بر کس بر اولی عیالی و بر تنگ و در هر کس
خدا او چون در روش الارز بر کلا صد و قیلیدین
نیک ثواب نایقاسی هر کس بر امانا نایقاسی نایق
قیلیدین ای که نماز یا طاعت قیلیدین نیک ثواب نایق
بقاسی هر کس بر از روی صحت لیک ده بر تنگ خدا لیک

صدوقی ادری اولکاندین پونک و ارشاد یوز
تنگ برکاندین افضل دور کیم بریل حرام دین الموب
منگه پل صدوق فیضان دین اولاد و مؤنه تنده بیان
قیلیدی رسولی السلام ایولیا منید امت محمدین
آلله تور لوکیکه اولکلارنه وین ایلینغ دوزخه اچکده
برقدوق باراد اول قددوق پ لیب عذاب قیلور
من اول ایفاق جولان و دیم ستم مالین بکلر کسوم
ظالم استین تنکار کلار چهارتم تاقیق کلار و تاقیل
دورغان خاتون کلار نجیم نوا طاکر لارنه یغنه کوت
بر کوجی لارنه کوت قیلنوجی لارنه ششم تنگری
یوسیده پیچ لارنه لار و اکلار نی تو توب ایلمین

خاصی صدوق



لا اله الا الله وحده لا شريك له
هو الغني عن العالمين

هو الذي خلقنا من
الطين والقدح

هو الذي خلقنا من
الطين والقدح

هو الذي خلقنا من
الطين والقدح

هو الذي خلقنا من
الطين والقدح

هو الذي خلقنا من
الطين والقدح

هو الذي خلقنا من
الطين والقدح

هو الذي خلقنا من
الطين والقدح

هو الذي خلقنا من
الطين والقدح

